

رشد آموزش

دبستان

۹



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی

فصلنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای مربیان مراکز پیش‌دبستانی، دانشجویان و کارشناسان آموزشی

شمارگان: ۱۲۰۰۰ نسخه

E-mail: pishdabestani@roshdmag.ir

www.roshdmag.ir

دوره‌ی دوم / شماره‌ی ۲ / زمستان ۱۳۸۹

مدیرمسئول: محمدناصری
سردبیر: فرخنده مفیدی
هیئت تحریریه:
مرتضی مجدفر
مرتضی طاهری
فریده عصاره
مسعود تهرانی فرجاد
شیرین برزین
مدیر داخلی: شهلا فیهمی
ویراستار: بهروز راستانی
طراح گرافیک: مهسا قباچی
عکس جلد و پشت جلد: اعظم لاریجانی

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

● مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با آموزش پیش‌دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته و یا ماشین شود (مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار ورد - Word - بر روی لوح فشرده (CD) یا فلاپی و یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم میندول شود. ● محل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مجله در، رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش‌دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. ● مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی‌شود، معذور است.

تلفن پیامگیر نشریات رشد:

۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیر مسئول: ۱۰۲

کد دفتر مجله: ۱۱۳

کد امور مشترکین: ۱۱۴

نگاهی عمیق‌تر به چند مسئله ۲ / دکتر فرخنده مفیدی

با تحول مهربان باشیم ۴ / اصغر ندیری

تطابق محتوای برنامه‌های داخلی کودک سیما با هدف‌های نظام آموزشی ۱۱

نسترن مسعودنیا

جامعه‌شناسی در کودکان ۱۲ / دکتر مرجان گودرزی

آشنایی با لوسی اسپراک میشل ۱۴ / دکتر فرخنده مفیدی

شنیدن کی بود مانند دیدن ۱۵ / حسن شرفی

سرگرمی‌های محبوب در کمین کودکان ۱۶ / محبوبه فیض‌نژاد

پای صحبت پدران و مادران ۱۸ / دکتر فرخنده مفیدی

تولید محتوا برای «انس با قرآن» ۲۰ / مسعود تهرانی فرجاد

بازی، کاردستی ۲۲ / الهام وفاپی‌نژاد

مدیریت و برنامه‌ریزی در پیش‌دبستانی پویا ۲۴ / مرتضی مجدفر

کودک و عشق به نقاشی ۲۸ / ناهید دومان بیگلر

اثرات جدایی و طلاق والدین ۳۰ / بهاره ذوالفقاری

کلاس‌های یک‌ماهه اثربخش است! ۳۲ / الهام ضیایی

شطرنج، شیوه‌ای برای آموزش تفکر ۳۶ / غفار کریمیان‌پور

یک مدرسه، دو شیوه ۴۰ / اصغر ندیری

تعریف بیش‌فعالی و سبب‌شناسی آن ۴۴ / فیهمی آریین

معرفی کتاب ۴۷

برگزاری دوره‌ی آموزشی رویکردهای نوین آموزش و پرورش در دوره‌ی پیش‌دبستانی ۴۸

قنبری - فاضلی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

تلفن: ۸۸۴۹۰۲۳۴ (داخلی ۴۲۹)

نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن: ۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۷۷۳۳۶۶۵۶

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



زمستان فصل جمود و رکود نیست. زمستان سرد با خود گرمی و لطافت را به همراه می‌آورد. در این فصل زیبایی طبیعت، کودکان را بر خلاف تابستان بیشتر می‌توانید در کنار خود داشته باشید و از مصاحبت، مشارکت و همراهی آنها بهره‌گیری کنید.

مناسبت‌های خوب، به‌یادماندنی و ارزشمندی در این فصل از سال تحصیلی وجود دارند. روزهایی چون ایمنی در برابر زلزله، آغاز سال نو میلادی، زنگ هوای پاک در مدارس، آغاز دهه‌ی فجر، میلاد حضرت رسول اکرم (ص) که روز «اخلاق و مهرورزی» است، میلاد امام جعفر صادق (ع)، روز احسان و نیکوکاری و زنگ هم‌یار پلیس، از جمله فرصت‌های مناسب و بهانه‌های خوب برای گرامیداشت اوقات به همراه کودکان در مراکز پیش از دبستان محسوب می‌شوند.

پیشاپیش آغاز سال نو میلادی را به هم‌وطنان و کودکان مسیحی تبریک می‌گوییم و آغاز دهه‌ی فجر انقلاب اسلامی را به یمن روزهای شکوهمند گذشته، گرامی می‌داریم. امید است این مناسبت‌ها بتوانند جایگاه مطلوب و برنامه‌ریزی شده‌ای در اوقات کار با کودکان پیدا کنند و کودکان در این روزها به همراه بزرگ‌ترها، اطلاعات دقیق و به‌کاربستگی درباره‌ی رویدادهای مذکور به‌دست آورند.

در ادامه‌ی یادداشت به نکته‌هایی قابل تأمل نظری می‌اندازیم که مطمئناً توجه به آنها از جانب دست‌اندرکاران و پرورشکاران امر آموزش و تربیت کودکان، بسیار مفید و کارساز است:

● مسئله‌ی رسمی شدن، همگانی شدن و جدی گرفتن آموزش‌های پیش از دبستان

اندیشیدن و تفکر درباره‌ی تصمیم‌گیری‌های ارزنده، امری اساسی است و در فرهنگ مهربانی و عدالت نسبت به کسانی که از حاصل این تصمیم‌ها بهره‌ی می‌برند، ارزشی والا دارد. در مورد مسئله‌ی رسمی شدن آموزش‌های پیش از دبستان، صحبت و حدیث از زوایای متفاوت مطرح است. در تفکر عدالت‌جویانه، بهره‌مندی همه‌ی اقشار کودکان و به‌ویژه کودکان محروم فرهنگی، اجتماعی و آسیب‌پذیر، از منافع و مزایای آموزش‌های پیش از دبستان، مورد توجه است و عدم

برخورداری آنان از این خدمات در سال‌های پایه، باید به‌عنوان چالشی در تصمیم‌سازی‌ها مطرح باشد.

تحقیقات بسیار چشمگیر و معنی‌داری در سراسر جهان، تفاوت قابل توجهی را بین کودکان بهره‌مند از این خدمات و کودکان محروم از این آموزش‌ها نشان داده‌اند. این منافع سرشار و سودمندی‌ها، نه تنها از نظر آمادگی تحصیلی، بلکه از زاویه‌ی آمادگی جسمی و حرکتی، کسب مهارت‌های اجتماعی، سازگاری، رشد گفتاری، خلاقیت، سلامت و بهداشت حاصل شده‌اند. تحقیقاتی نیز که در جامعه‌ی ما و از طریق مراکز تحقیقاتی و پژوهشی دانشگاه‌ها و نیز سازمان‌های ذی‌ربط صورت گرفته‌اند، مؤید امتیازات بسیار این آموزش‌ها برای کودکان برخوردار بوده‌اند. خوش‌بختانه، یافته‌های مندرج در نشریات که اخیراً چشم‌انداز گسترده‌ای یافته‌اند، سبب نگرش‌های مثبت و غنی‌تر در مورد مراکز پیش از دبستان و لزوم اهمیت و توجه به این آموزش‌ها قبل از شروع تحصیلات رسمی شده‌اند.

به نظر می‌رسد با نگاهی عمیق‌تر و تفکری دلسوزانه‌تر به وضعیت کودکان و حقوق آنها، باید به مسئله‌ی یکدست کردن اندیشه‌ها در تصمیمات آینده و در راستای اهداف آموزشی دوره‌ی پیش از دبستان توجه ویژه‌ای صورت گیرد و شورای عالی آموزش و پرورش حامی و بالابرنده‌ی اندیشه‌های بهتر در این زمینه باشد تا ان‌شاءالله در آینده نزدیک و با تصمیمات جدی‌تر در سال ۱۳۹۰ و بعد از آن، این مراکز نقش مثبت‌تری را ایفا کنند. مطمئناً شکاف رشدی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بین اقشار محروم و مرفه باید مسئولانه از میان برداشته شود.

● ایجاد رابطه بین سازمان‌های تصمیم‌ساز هم‌چون آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی

در امر برنامه‌ریزی برای کودکان پیش از دبستان، گزینش مربیان و مدیران، سازمان‌دهی فضا، اخذ مجوز، استانداردسازی و مواردی از این قبیل، در وزارت آموزش و پرورش و سازمان بهزیستی به روش‌های متفاوتی انجام می‌گیرند و ضرورت اشتراک رویه‌های



نگاهی عمیق‌تر به چند مسئله

دکتر فرخنده مفیدی

بوده است؟ زیرا این آزمون به نوعی نشان‌گر تلاش مربیان، خانواده‌ها و برنامه‌های پیش‌از دبستان در ابعاد خاصی نیز هست. آیا تحقیقی اثربخش در مورد پی‌گیری امور صورت گرفته است؟

از آن‌جا که منظور از آمادگی تحصیلی، توانمندسازی کودک برای سازگاری با الزامات مدرسه و کسب محتوای برنامه‌های درسی است، باید به متغیرهایی هم‌چون محیط، برقراری ارتباط با کودک، وضعیت جسمانی - رشدی او و خانواده و والدینش توجه جدی‌تری داشته باشیم. به‌ویژه لازم است، خانواده‌ها از نتایج کار به درستی اطلاع یابند و برای رفع و رجوع دشواری‌ها به طرز مناسبی هدایت شوند.

بار دیگر برای همه‌ی پرورشکاران امر تربیت، کودکان و خانواده‌های آنان آرزوی موفقیت دارم و از اعضای هیئت تحریریه «رشد آموزش پیش‌دستانی» و تلاش مستمر آن‌ها در شکل‌دهی به این نشریه‌ی قابل استفاده برای جامعه، سپاسگزارم.

این دو نهاد، هم‌چنان در حد بحث باقی مانده است. به راستی مگر به همه‌ی کودکان تحت پوشش نباید با اهداف مشترکی نگریست؟ آیا برنامه‌ریزی برای کودکان ایرانی و در جامعه‌ی اسلامی نباید با نگرش‌های مثبت و یکسانی دنبال شود؟

به نظر می‌رسد به این موضوع نیز باید نگاهی جدی‌تر و لااقل به نفع کودکان پیش از دبستان بیندازیم و بیندیشیم که چرا کودکان با استانداردها، برنامه‌ها، گزینش‌ها و شیوه‌های متفاوتی در این سازمان‌ها به‌سر می‌برند. چرا مربیان و مدیران این مراکز با رویه‌های متفاوتی به کار گمارده می‌شوند و محتوا و روش‌ها چرا باید متفاوت باشند؟

خوش‌بختانه اخیراً نیز نگرش‌های مثبتی شکل گرفته است که ان‌شاءالله عملی‌تر شود.

● مسئله‌ی سنجش ورودی کودکان

در خلال دهه‌های گذشته، تأکید زیادی بر توانایی مربیان برای نشان دادن پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان صورت گرفته و سنجش میزان پیشرفت کودکان، همیشه یکی از وظایف پرورشکاران تلقی شده است. با وجود این که آزمون‌های ورود به آموزش عمومی و سنجش آمادگی نیز به مربیان کمک می‌کند تا کودکان را در بدو ورود به مدرسه به‌درستی مورد سنجش قرار دهند، اما توجه عمیق‌تر به این آزمون‌های خاص و بررسی اثربخشی و رفع دشواری‌های آن‌ها، مسئله‌ی اساسی‌تری است. از آن‌جا که این تحول در نظام سنجش و ارزشیابی، چند سالی است تحت عنوان آزمون آمادگی تحصیلی در کشور ایران اجرا می‌شود، باید نگاهی وسیع‌تر و عمیق‌تر به لزوم بازنگری در سؤالات و چگونگی فرایند کار، به‌ویژه برای کودکان دوزبانه، عدم برخوردار و محروم فرهنگی بیندازیم. باید دید، شیوه‌های دنبال کردن و پی‌گیری مشکلات و رفع دشواری‌های بهداشتی، سلامتی، جسمی، روانی و تحصیلی چگونه





راه جدید، نگاه تحولی

ما در عصری زندگی می‌کنیم که دانش در کمتر از ۵ سال دو برابر می‌شود و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۰ روند دو برابرسازی دانش به هر ۷۳ روز خواهد رسید. دیگر می‌توان انتظار داشت که پیش‌بینی نیازهای اطلاعاتی آینده فرد به راحتی امکان‌پذیر باشد. جوامع بسیار در حال تغییر از یک مدل صنعتی به یک جامعه‌ی آموزشی است. این تغییرات نیازمند آموزشی است که بتواند افرادی با آگاهی‌های کافی، مهارت‌های حل مسئله، فرایندهای شناختی، قابلیت‌های هوشی و عادت‌های ذهنی ضروری برای درگیر شدن در زندگی آماده کند. در این راستا، روند آموزش و فکر و اندیشه از راه‌های مختلف، به زبان‌های مختلف، استفاده از دانش خودی و دانش دیگران کلید کار است.

خانم **دکتر مفیدی**، سردبیر مجله‌ی رشد آموزش پیش‌دبستان و استاد دانشگاه علامه طباطبائی به عنوان افتتاح جلسه با ذکر این مهم افزود: «و البته نمی‌شود به راحتی پیش‌بینی کرد که چه مسائلی پیش خواهد

با تحول مهربان باشیم

بررسی وضعیت موجود آموزش زبان خارجی در مراکز پیش‌دبستانی با حضور کارشناسان

گزارش: اصغر ندیری
عکس‌ها: رضا بهرامی

اشاره

گفته می‌شود مغز انسان بین چهارمین تا هشتمین ماه‌های نخست زندگی، به هر صدایی از زبان مادری، یک نرون اختصاص می‌دهد.

اگر زبان دوم یا سوم نیز به وسیله‌ی کودک شنیده شود، همین وضعیت عصبی تشکیل خواهد شد. با توجه به توان کودکان برای یادگیری زبان مادری و زبان دوم و اهمیت این آموزش‌ها، زوایه‌ی نگاه از جنبه‌ی لوکس و غیرضروری بودن فراگیری زبان خارجی، به سمت این که نیاز روز است، تغییر می‌کند.

خانم دکتر مفیدی و کارشناسان مجله‌ی «رشد آموزش پیش‌دبستانی» نیز به دلیل توجه خاص به این موضوع و با هدف شفاف‌سازی بعضی ابهامات پیرامون آموزش زبان‌های خارجی در آموزش پیش‌دبستانی، نشست صمیمی و کاربردی را با حضور تعدادی از متخصصان آموزش زبان‌های خارجی و استادان دانشگاه برگزار کردند. مهمانان این جلسه عبارت بودند از: **عفت هدایتی**، مدیر مرکز پیش‌دبستانی ایران مهر؛ **جهان‌دخت رزمی‌پور**، کارشناس زبان اسپانیایی؛ **شهرزاد اسفندیاری** مربی زبان انگلیسی و از کانون زبان ایران آقای **سعید عظیمی**، سردبیر مجلات ILLI و خانم دکتر **شهین واعظی**؛ **سعیده حبیب‌زاده**، مدیر آموزشگاه و کارشناس کنترل کیفی آموزش زبان مرکز پیش‌دبستانی رشد؛ **آرزو رضایی**، مدرس زبان کودک و نوجوان؛ **فریده عصاره**، کارشناس دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی و عضو کارشناسی مجله‌ی رشد آموزش پیش‌دبستانی؛ **دکتر مرجان گودرزی**، صاحب‌نظر در رشد و بهداشت کودک و البته به عنوان نماینده‌ی والدین؛ و تنی چند از مربیان.

در ادامه نظر خوانندگان را به مشروح گفت‌وگوهای این جلسه جلب می‌کنیم.



هستیم. می‌دانیم که این دوره، حساس و زمان‌بستگی است. هرچه در آن شکل بگیرد دوام می‌یابد و تغییر آن دشوار است. طبق این یافته، باید ببینیم کدام ترجیح دارد: شکل و شیوه‌ی آموزش رسمی یا غیررسمی؟ و این که چه کسی آموزش دهد؟

همه‌ی ما می‌دانیم که شکل‌گیری مهارت‌های زبانی در سیر تحول آموزش‌ها حاصل می‌شود و البته ارکان شنیداری و دیداری در این مسیر جایگاه خاص خود را دارند. تحقیقات زیادی در این زمینه در جهان و کشور ما انجام شده‌اند که نشان می‌دهند، بین بچه‌هایی که در دوره‌ی پیش‌دبستان تجارب آموزشی زبان خارجی را داشته‌اند، با آن‌ها که این تجربه را نداشته‌اند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با دقت در نتیجه‌ی این تحقیقات و تفاوت‌ها، می‌توان به رشد شناختی کودک، قدرت حل مسئله، تصمیم‌گیری و چندان‌دیشی او که همان خلاقیت است، کمک رساند. به ویژه پاراهای متغیرهای تحقیقی روشن می‌کنند که کودکان این مراکز در زبان آموزش و دوره‌های تحصیلی بعدی پیشرفت بهتری دارند.

این همان نگاه مهربان و تحولی است. همه‌ی می‌دانیم زبان وسیله‌ی ارتباطی با دیگران است و نه لزوماً تسلط بر اندیشه‌های دیگران.»

سردبیر مجله‌ی رشد آموزش پیش‌دبستانی افزود: «و باز هم در سخنان امام خمینی (ره) داریم که می‌فرماید: یادگیری هر زبان دیگر، در واقع فرایندی برای ساخته شدن است و نه خودباختگی و نوعی واردات بی‌معنا نیست و نگاه لوکس به یادگیری زبان نداشته باشیم.»

با این نگرش به نظر می‌آید که بعد از انقلاب اسلامی، تحولی چشم‌گیر در یادگیری زبان‌های دیگر داشته‌ایم. البته مدتی به سکوت گذشت، اما بعد سرعتی یافت که شاهد آن هستیم.

و اما زبان در آموزش پیش‌دبستانی داستانی معصومانه و آغازی کند دارد و هنوز نگرش‌های مبهم، غریب و متفاوت به آن وجود دارد. به همین دلیل، وضعیت آموزش فعلی در این دوره پایدار نیست. این جلسه نگاهی دارد به کارهای ما به عنوان کسانی که با بچه‌ها کار می‌کنیم و درگیر آموزش و برنامه‌ریزی

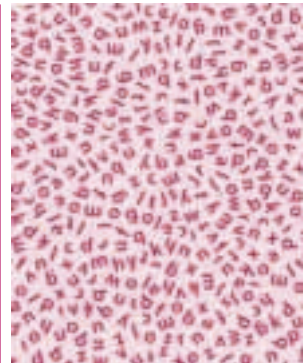
آمد. بسیاری جوامع در سیر تحولی خود تغییر جهت به سوی صنعت داشته‌اند اما با همه‌ی این‌ها باز می‌بینیم سمت و سوی اصلی به آموزش تمایل داشته است.

در هر حال، روند آموزش زبان و یادگیری آن هم سیر تحولی خود را دارد و نمی‌تواند از اتفاقاتی که به سرعت در اطراف ما رخ می‌دهند، دور بماند. از طرف دیگر، ما در آموزه‌های دینی خود نیز سفارش به تحول یا طلب علم را داریم: «طَلَبُ الْعِلْمِ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ.» و این یعنی لزوم کسب و یادگیری دانش از هر جا ممکن است. لذا فراگیری زبان خارجی هم مهم است به شرطی که راه جدیدی پیش روی ما باشد.

از زبان حضرت امام خمینی (ره) نیز سخنی زیبا در مورد یادگیری زبان داشته‌ایم که به عقیده‌ی من نگاه تحولی، اندیشمندانه، مهربان و به دور از تعصب ایشان را نسبت به آموزش و یادگیری زبان خارجی به خوبی نشان می‌دهد. ایشان فرموده‌اند: یادگیری زبان‌های دیگر منعی ندارد، مشروط بر این که یادگیری هر زبان در جهت توسعه‌ی اندیشه و افکار انسانی و فرهنگی مورد استفاده باشد.



در همین ارتباط، سؤال‌های زیر از طرف دفتر مجله در این میزگرد مطرح خواهد شد که دوستان کارشناس و متخصص، بنا بر تجربه و یا خاطرات علمی و شخصی خود، می‌توانند به آن‌ها پاسخ دهند:



- وضعیت موجود زبان‌های خارجی - البته با توجه به فراوانی زبان انگلیسی - در حال حاضر در کشور چگونه است؟
- مؤسسات آموزش زبان چه هدف‌ها یا شیوه‌هایی دارند؟
- مدرسان کودک چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟
- والدین درباره‌ی تأثیر این آموزش‌ها بر فرزندان و پیشرفت یادگیری آن‌ها چه فکر می‌کنند؟
- محتوای فعلی چه وضعیت یا مشکلاتی دارد؟
- نحوه‌ی تداخل آموزش زبان انگلیسی با آموزش‌های زبان فارسی در آموزش پیش دبستانی چگونه است؟»

وضعیت موجود

پس از سخنان دکتر مفیدی، اسفندیاری، مربی و مدرس زبان از «مرکز پیش دبستانی ایران مهر»، درباره‌ی وضعیت موجود آموزش زبان انگلیسی یا خارجی در آن واحد گفت: «ما در مرکز خود کتاب خاصی برای آموزش نداریم. محیط کوچک مرکز ما طوری است که کودک در آن، برای ایجاد ارتباط هنگام ناهار یا بازی و فعالیت‌های دیگر، زیر نظر مربی به زبان خارجی تکلم می‌کند. آن‌جا با کسی فارسی صحبت نمی‌شود.

کودک به حرف‌های ما به زبان اسپانیایی یا انگلیسی در موقعیت خاص گوش می‌دهد و درواقع در قالب رفتار، اهداف آموزشی محقق می‌شوند.
اظهارنظر اولیا نیز نشان می‌دهد که

دکتر مفیدی:

آموزش زبان در دوره‌ی پیش دبستانی داستان معصومانه و آغازی کند دارد و هنوز نگرش‌های مبهم، غریب و متفاوت به آن وجود دارد. به همین دلیل، وضعیت آموزش فعلی در این دوره پایدار نیست

کودک با این شیوه در یادگیری زبان پیشرفت داشته است و هنگام بازی یا غذا خوردن، هرچند با اشتباه، دارد صحبت می‌کند.»

زبان اسپانیایی

دکتر مفیدی با توجه به این که مرکز پیش دبستانی ایران مهر زبان اسپانیایی را



هم در برنامه‌های آموزشی خود گنجانده است از رزمی پور می‌پرسد: «کشش بچه‌ها در آموختن این زبان تا چه حد است و چه مشکلاتی ممکن است وجود داشته باشد؟»
مدرس زبان اسپانیایی به این اشاره می‌کند که ابتدا فکر می‌کردم چون این زبان در ایران ناشناخته است، از آن استقبال نمی‌شود. اما مدیر واحد با پشتیبانی‌های خود من را به کار دلگرم کرد. رزمی پور

می‌گوید: «کار ما در این مرکز پیش دبستانی، به صورت چرخشی است. گویی که کانال رسانه را عوض کنند. ابتدا برای بچه‌ها غریب بود و پدر و مادرها می‌آمدند و انتقاد خود را حتی با نگاه ابراز می‌داشتند. مدتی که گذشت، دیدیم این شیوه و انتقال مفاهیم جواب می‌دهد. بچه‌ها بدون نگرانی و خجالت - برخلاف بزرگ‌ترها - منظورشان را می‌فهمانند. آن‌ها فکر می‌کنند ما فارسی نمی‌دانیم و مجبورند به اسپانیایی یا انگلیسی تکلم کنند.»

کانون زبان ایران

دکتر مفیدی، ضمن اشاره به نقش حمایتگر مدیریت واحد و رضایت والدین در فراگیری موفقیت‌آمیز زبانی مثل اسپانیایی، از کارشناسان «کانون زبان ایران» نیز درباره‌ی شکل و میزان این رضایت پرسید و این که این سطح خشنودی مرهون چه چیزهای دیگری است.

دکتر واعظی وضعیت موجود و

نوع کار را در کانون زبان ایران تشریح کرد و گفت: «کانون برای آموزش زبان

رزمی پور:

بچه‌ها بدون نگرانی و خجالت - برخلاف بزرگ‌ترها - منظورشان را می‌فهمانند. آن‌ها فکر می‌کنند ما فارسی نمی‌دانیم و مجبورند به اسپانیایی یا انگلیسی تکلم کنند

پیش دبستانی برنامه‌ای ندارد. تمام فعالیت‌ها از دوره‌ی دبستان شروع می‌شوند. اما در ارتباط با وضعیت آموزش باید بگوییم، درواقع برنامه‌های موجود منظم نیستند و پراکنده‌کاری بسیار است. این پراکنده‌گی است که باعث سرگردانی خانواده‌ها می‌شود. نبود استاندارد، پاسخ‌گوی مخاطب نیست و نارضایتی ایجاد می‌کند.»

دکتر واعظی به سؤال دیگر نشست

سلسله اعصاب نسبت به برخی آواها بی طرف هستند. بنابراین در سنین زیر شش سال، آن‌ها آمادگی خوبی برای آموزش دارند. دنیا هم به این سمت رفته است که می‌گوید: علاوه بر زبان مادری، باید یک یا دو زبان دیگر را در سنین خردسالی به کودکان آموزش داد. اما مهم شکل و شیوه‌ی این آموزش‌هاست. اصولاً آموزش زبان باید به شکل فراگیری باشد و نه یادگیری. چون انسان با یک نظام فراگیری زبان به دنیا می‌آید. همان‌طور که زبان مادری را در محیط و بدون آموزش مستقیم یاد می‌گیرد، برای آموزش زبان خارجی هم بهتر است فرصت‌هایی برای کودکان در نظر گرفته

به کودکان، چنین می‌گوید: «این نبود نظام آموزشی روشن که در آموزش‌های پیش‌دبستانی زبان هم دیده می‌شود، به هر کسی اجازه داده است که خود را در سطح آموزش دهنده ببیند و فکر کند این آموزش، دانش زبانی چندانی نمی‌خواهد. به نظر من اگر اهداف زبان‌آموزی انگلیسی یا هر زبان دیگری در دوره‌ی پیش از دبستان به خوبی محقق شود و برنامه‌ها تداوم داشته باشند، مشکلی پیش نمی‌آید. ولی متأسفانه، برنامه‌ها تداوم ندارند و دوباره کاری می‌شود. مثلاً پسر من دو سال در مهد کودک زبان خوانده و در دوره‌ی یکسال پیش از دبستان

درباره‌ی کیفیت آموزش زبان مادری و تشابه آن با آموزش زبان خارجی گفت: «در این زمینه باید به رشد شناختی و پارامترهای کیفی توجه کرد و دقت کنیم این راهکارها به شیوه‌های آموزش زبان مادری نزدیک شوند.»

دکتر مفیدی با بیان این نکته که ما در زمینه‌ی آموزش زبان خارجی به آموزش نظام‌مند نیاز داریم از آقای عظیمی هم دلیل آشفستگی را پرسید. این کارشناس کانون زبان ایران گفت: «من در آموزش پیش‌دبستان تجربه‌ی شخصی دارم. البته برای آموزش و یادگیری زبان انگلیسی نوعی تمایل جهانی وجود دارد. در واقع دو میلیارد نفر از مردم جهان درگیر یادگیری آن هستند. نوک پیکان این حرکت کودکان‌اند. یعنی اولیا می‌خواهند فرزندانشان این زبان را بیاموزند. اما چون تحقیقات زیادی در این زمینه از سوی مراجع ذیربط و حتی دانشگاه‌ها نشده، آشفستگی و مشکلاتی پیش آمده است.»

دکتر مفیدی در ادامه‌ی سخنان سعید عظیمی می‌افزاید: «تحقیقات در حقیقت ساختارها را به ما نشان می‌دهند. متأسفانه نتایج همین مقدار اندک پژوهش‌هایی نیز که صورت گرفته، وارد چرخه‌ی عمل نشده است.»

این‌جا آرزو رضایی نیز وارد بحث می‌شود و از نابسامانی تحقیقات می‌گوید و از والدینی که نمی‌دانند چرا فرزندشان را به چنین کلاس‌هایی می‌فرستند او می‌گوید: «اگر درباره‌ی بالارفتن قدرت خلاقیت کودکان شرکت‌کننده در این کلاس‌ها به اولیا توضیحاتی داده شود، آن‌ها آگاهانه و هدفمندتر فرزند خود را به کلاس زبان خواهند فرستاد.»

سردبیر مجله‌ی رشد آموزش پیش‌دبستانی، می‌افزاید: «نیاز است نگرش علمی وجود داشته باشد تا جای چشم و هم‌چشمی را بگیرد.»

خانم دکتر گودرزی به عنوان صاحب‌نظر و نماینده‌ی والدین نیز درباره‌ی نبود برنامه‌ی پیش‌طراحی شده در آموزش زبان خارجی



هدایت:
کار کردن در این زمینه سخت است. مگر چند نفر از افرادی که به همکاری دعوت می‌شوند، دارای تخصص پیش‌دبستانی هستند؟ نباید کودکی را از کودک گرفت

نیز دوباره همان‌ها را آموزش دیده است که نوعی دوباره کاری است. راهکار مناسب این است که برنامه‌ها هدفمند پیش بروند و کودکان تلفظ و فهم درستی پیدا کنند.

انعطاف مغزی در آموزش دو زبان

گویا نابسامانی در آموزش زبان خارجی بسیار است. با این حال دیده می‌شود که در بعضی مراکز حتی دو یا چند زبان خارجی تعلیم داده می‌شود.

فریده عصاره نیز با تأکید بر بخش‌هایی از سخنان پیش‌گفته شده، به انعطاف مغزی و ارتباط دو نیم‌کره‌ی مغز در کودک اشاره می‌کند و این که در نتیجه‌ی آن، یادگیری مؤثرتری اتفاق می‌افتد. وی در این زمینه ادامه می‌دهد: «در سنین پایین، ماهیچه‌های گویایی کودکان شکل نگرفته و گوش و

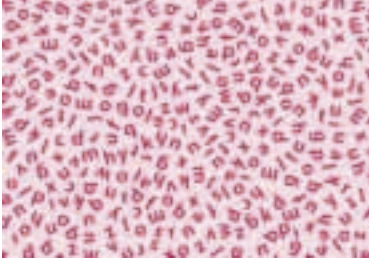
شود که کودک در معرض داده‌های زبانی غیرمستقیم قرار گیرد.»

این کارشناس، شیوه‌ی آموزش زبان هنگام بازی یا موقعیت‌های جمعی را مناسب دانست. در این هنگام دکتر مفیدی به خانم عصاره گفت: «پس به نظر می‌آید شما با توجه به تجربه‌تان در آموزش دو زبانه‌ها، مشکل را در سبک و شیوه‌ی آموزش می‌بینید؟»

عصاره پاسخ داد: «بله. زبان یک نظام و شامل صرف و نحو، تکیه‌ها، جمله‌ها و رفتارهای معنادار است، اما بعضی‌ها آن را در قالب واژه یاد می‌دهند که اصولی نیست.»

قدرت یادگیری کودک

گفته می‌شود هر چه به سن تولد نزدیک شویم، قدرت یادگیری بیشتر می‌شود. خانم هدایتی درباره‌ی قدرت یادگیری کودکان می‌گوید: «تحقیقات نشان داده است کودک



دکتر گودروزی: اگر اهداف زبان آموزی انگلیسی یا هر زبان دیگری در دوره‌ی پیش از دبستان به خوبی محقق شود و برنامه‌ها تداوم داشته باشند، مشکلی پیش نمی‌آید

در جواب دکتر مفیدی اظهار داشت و افزود: «در این سن کودک هر چه بیاموزد، در ذهنش می‌ماند. مدرس یا مربی باید اطلاعات ویژه‌ای داشته باشد و اصطلاحات و تلفظ صحیح را خوب بداند. از طرف دیگر لازم است که او زبان ویژه‌ی ارتباط با کودک را نیز بداند. فضا و محیط باید شاد و کودکانه باشد و حتی ظاهر مدرس و مربی باید متفاوت و مهربان باشد.»

دکتر مفیدی در هدایت بحث، بر فضای شاد تأکید کرد و افزود: «آیا نباید در این روند به

هوشمندی کودک در این سنین، قابلیت‌های او راه را برای شروع کار باز می‌کند. ما در مورد فرزندمان از چندماهگی آموزش زبان انگلیسی را شروع کردیم و به نتیجه‌ی خوب هم رسیدیم. وقتی کودک زبان دوم را یاد می‌گیرد، قطعاً در هوش او نیز تأثیر می‌گذارد. فرزندم بعد از چند سال به یادگیری زبان فرانسه هم علاقه‌مند شد.»

دکتر مفیدی دلیل این علاقه‌مندی را پرسید و او گفت: «چون همسرم در کنار تدریس زبان انگلیسی مشغول یادگیری زبان فرانسه هم بود، این علاقه و تمایل خود به خود به وجود آمد. زیرا او انگلیسی را یاد گرفته و هوش زبانی‌اش خوب شده بود و به تدریس برای آموختن زبان سوم هم آمادگی پیدا کرد.»

سردبیر مجله‌ی رشد پیش‌دبستانی افزود: «دقیقاً باید ببینیم چه شیوه‌ای باید به کار گرفته شود تا کوشش ایجاد کند. اگر آگاهی ما از زبان بیشتر باشد، به همان نسبت هم انتقال آن راحت‌تر می‌شود. چون مسئله ایجاد ارتباط و گشودن دریچه‌ی نو است، والدین باید به این موضوع بها بدهند.»

استاد دانشگاه علامه طباطبایی، با توجه به تمرین والدین با کودک، به این سؤال اشاره کرد که: «آموزش دهندگان کودک باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند؟ آیا هر کسی حق

تا شش سالگی، پنج و حتی هفت زبان را می‌تواند یاد بگیرد. لیکن در این امر تمرکز مهم است. کودک در این سن بیش از ۲۰ دقیقه نمی‌تواند تمرکز داشته باشد.

بنابراین محرکه‌های ما در این کار، شعرخوانی، بازی و تقویت ذهن کودک است تا فضای ایجاد شده به زبان مورد نظر، توان ذهنی، اجتماعی، عاطفی و جسمی کودک را رشد دهد. البته ضروری است، همان‌قدر که همکاران ما برنامه‌ی درسی فارسی را با کیفیت اجرا می‌کنند، مسئولان آموزش زبان‌های خارجی نیز با همان کیفیت، روند آموزشی را پیش ببرند.»

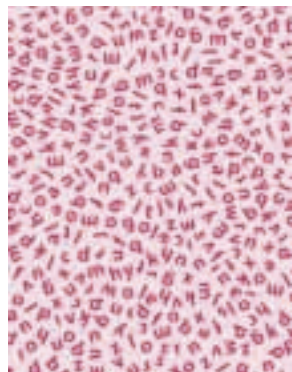
برقراری ارتباط

دکتر مفیدی اهداف آموزشی را از کارشناسان کانون زبان پرسید. به زعم وی، با این‌که در کانون زبان برنامه‌ای برای پیش‌دبستانی‌ها تدارک دیده نشده است، اما نگاه و تجربه‌های آن‌ها اهمیت دارد.

دکتر واعظی در مورد اهداف کانون، علی‌رغم نداشتن دوره‌ی پیش‌دبستانی آموزش زبان انگلیسی یا خارجی در کانون، گفت: «طبعاً اهداف کانون برقراری ارتباط در پی آموزش زبان است. اما آن‌چه مهم است، ایجاد ارتباط شفاهی و شنیداری در نتیجه‌ی آموزش‌های دیداری و شنیداری است. نمود کار ما هم نشان می‌دهد، بچه‌هایی که در تحصیل موفق بوده‌اند، دوره‌های کانون را گذرانده‌اند. فکر می‌کنم آموزش اثرگذار پیش از دبستان، با محاوره‌ی همراه بازی و مطالعه به دست می‌آید.»

دکتر مفیدی در تکمیل سخنان واعظی، نگاه مهربان و صمیمی در آموزش‌ها را از ضروریات کار دانست و برای نمونه خواست سعید عظیمی از تجربه‌ی خاص خود در آموزش زبان خارجی بگوید.

عظیمی خود و همسرش مدرس زبان انگلیسی هستند و هر دو دغدغه‌های زیادی برای فراگیری زبان انگلیسی توسط فرزندشان دارند. او گفت: برخی فکر می‌کنند آموزش زبان در این سن چه‌قدر سخت است. اما با توجه به



عظیمی: برای آموزش و یادگیری زبان انگلیسی نوعی تمایل جهانی وجود دارد. در واقع دو میلیارد نفر از مردم جهان درگیر یادگیری آن هستند. نوک پیکان این حرکت کودکانند

تجهیزات و داشتن لوازم خاص عنایت داشت؟ آیا مثل آموزش علوم، سازمان‌دهی خاصی برای آموزش زبان نباید وجود داشته باشد؟»

خانم اسفندیاری گفت: «همان‌طور که

دارد وارد این حوزه شود؟»

«مدرس باید در آن رشته دانش ویژه‌ای داشته باشد.» این جمله‌ای بود که آرزو رضایی

می شود.»

فضای گفت و گو

در ادامه‌ی همین مطلب خانم هدایتی در توصیف آموزشگاه خود گفت: «کودک را در فضای گفت و گو قرار می‌دهند و در واقع او با این وضعیت زندگی می‌کند. هر فعالیتی که مربی فارسی زبان انجام می‌دهد، مربی زبان انگلیسی یا اسپانیایی هم انجام می‌دهد. ما از یک سالگی خردسالان را می‌پذیریم و در

واعظی:

درواقع برنامه‌های موجود منظم نیستند و پراکنده کاری بسیار است. این پراکندگی است که باعث سرگردانی خانواده‌ها می‌شود. نبود استاندارد، پاسخ‌گوی مخاطب نیست و نارضایتی ایجاد می‌کند

کنم، ابتدا آزمونی برگزار می‌شود که تلفیقی از شیوه‌ی تدریس و نوع رفتار با کودک است. در درازمدت نیز کارگاه‌های بازآموزی و دوره‌های گوناگون آموزشی برگزار می‌کنیم.»

سردبیر مجله‌ی رشد پیش دبستان افزود: «هر چه تخصص‌ها ریزتر شود، ما به اهداف خود نزدیک‌تر می‌شویم. برای مثال دندان پزشکی را در نظر بگیرید. سال‌ها همه نزد یک پزشک می‌رفتند، اما حالا دندان پزشکی کودک، ارتودنسی کودک، و متخصص ریشه یا لثه پدید آمده است. اگر ما بخواهیم در آموزش زبان به کودکان نتیجه بگیریم، باید متخصص این رشته را تربیت کنیم. هر کس که در رشته‌ای متخصص شد، لزوماً نمی‌تواند کودک‌شناس نیز باشد. به نظر می‌رسد سرفرازهای کار با کودکان ایجاب می‌کند که راه را برای اصلاح این امر باز کنیم.

اگر به بچه‌ها غلط بیاموزیم، تصحیح آن بسیار دشوار خواهد بود. زیرا انرژی بسیار می‌برد. تخریب راحت‌تر از ساختن است. کار با کودک و آموزش زبان کاری تخصصی است و نیاز به کودک‌شناسی، روان‌شناسی کودک و تسلط به زبان دارد.

همان‌طور که ذکر شد، باید والدین را آگاه کنیم تا اصرار آن‌ها به دزدگی کودک نینجامد. از خانم عصاره می‌خواهم که بگویند نحوه‌ی تداخل آموزش زبان خارجی و فارسی چگونه است و چه موانعی در این زمینه وجود دارد؟»

عصاره گفت: «طبق آن‌چه من دیده‌ام، در بعضی جاها زبان طبیعی را با بچه‌ها به صورت رسمی و مکتوب تکلم می‌کنند. زبان ما در گفتار و نوشتار متفاوت است. این را در کلاس‌های آموزش انگلیسی هم دیده‌ام. کودک احساس می‌کند آن‌چه آموزش می‌بیند، شکل رسمی و طبیعی نیست. به نظر من مهم این است که مربی فضا و شرایط طبیعی را طوری ایجاد کند که غیرمستقیم و بی‌تکلف، آموزش را میسر سازد. اشتباهات را گوش‌زد نکنیم، بلکه خود کودک به مرور و با تمرین متوجه می‌شود که باید ساختار را اصلاح کند. صرف شنیدن باعث اصلاح

گفتید، فضای شاد لازمه‌ی هر واحد آموزشی است. البته ابزار و وسایل مورد نیاز هم باید تهیه شود. چون حداکثر کودک ۲۰ دقیقه می‌تواند تمرکز کند و بعد از آن به بازی یا تغییر فضا نیاز داریم.»

در ادامه‌ی موضوع فضای مناسب و محیط، دکتر گودرزی نیز از تأثیر روانی و فیزیکی فضای آموزشی در یادگیری زبان به کودکان سخن گفت.

دکتر گودرزی چنین اظهار داشت: «محلی که فرزند من در آن آموزش می‌دید، با محل بازی چندان تفاوتی نداشت. اما باید از ویژگی‌های مدرسان آن‌جا گفت که کارشان سخت‌تر از وظیفه‌ی مربی مهد کودک است. زیرا آن‌ها دارند یک زبان بیگانه و جدید را آموزش می‌دهند و باید ویژگی‌های خاصی نیز داشته باشند.»

دکتر مفیدی در این زمینه تصریح کرد: «این که مربی در کار با کودک باید شرایط و آمادگی خاصی داشته باشد، نکته‌ی مهمی است. اگر معلمی هنر است، مربی‌گری کودکان، هنر به علاوه‌ی شکیبایی، رعایت بسیاری مسائل و آگاهی‌های بیشتر است. همان‌طور که گفتند، مربی باید تخصص داشته باشد. به دنبال همین بحث این سؤال پیش می‌آید که به دلیل داشتن تخصص، آیا مربی‌ها از کانال خاصی باید گزینش شوند؟ آیا کسی که مثلاً دو سال زبان آلمانی خوانده است، صلاحیت آموزش بچه‌ها را دارد؟ صرف دانستن زبان، اجازه می‌دهد کسی مربی شود؟ دکتر واعظی نظر شما چیست؟»

دکتر واعظی گفت: «من این تجربه را با فرزندم داشته‌ام که با او از ابتدا انگلیسی صحبت کردم. او الان به خوبی دارد انگلیسی صحبت می‌کند. پس مربی باید علاوه بر باور کار خود، تسلط کامل روی زبان خارجی داشته باشد. از بعد روان‌شناسی و روحیات ویژه‌ی این سن، کارشناسی می‌گویند باید با کودک، برخورد کودکانه داشت. اما درباره‌ی نقش والدین در این زمینه مطلبی گفته نشده است. به نظرم این ارتباط مغفول مانده است. اما از نظر جذب مربی در کانون باید عرض



کنار سایر فعالیت‌ها، خانواده‌ها را نیز به این باور می‌رسانیم که در کارمان موفق می‌شویم. معمولاً هم بعد از مدتی، خانواده‌ها شگفتی خود را از نتیجه و فراگیری زبان خارجی توسط فرزندشان اعلام می‌دارند.»

خانم دکتر مفیدی در این‌جا به عاملی کلیدی در یادگیری گفتار اشاره کرد که همانا در معرض قرار گرفتن و مواجهه با زبان از راه شنیدن است. وی افزود: «تحقیقات نشان می‌دهند، بین کسانی که در معرض شنیدن یک زبان هستند و آن‌ها که در معرض شنیدن نیستند، تفاوت عمده‌ای در انگیزه‌ی یادگیری آن زبان وجود دارد.

در سال ۱۳۶۰ که وارد ستاد انقلاب



فرهنگی شدم، به سرپرستی کمیته‌ی برنامه‌ریزی آموزش‌های پیش‌دبستانی منصوب شدم. برنامه‌های دانشگاه در حال حاضر، حاصل تلاش این‌جانب و همکاران ماست. در آن‌جا قضیه‌ی اهمیت یا عدم اهمیت یادگیری زبان مطرح شد. بنا بر شرایط اوایل انقلاب اسلامی، بسیاری مؤسسات آموزشی به دلیل این که از هم مسائل نیستند، بسته شدند. نامه‌هایی می‌رسید مبنی بر این که بالاخره آموزش زبان به بچه‌ها چگونه باید باشد؟

از دیدگاه علمی پاسخ می‌دادیم که باید با متخصصان وارد بحث شویم. از مؤسسه‌های فعال هم نمایندگان آمدند: به این نتیجه رسیدیم که بچه‌ها تا وقتی که زبان مادری را به درستی یاد نگرفته‌اند، مجاز به آموزش زبان خارجی نیستند. این طبق شرایط آن زمان بود. واقعاً هم به شکلی معنادار ضروری دیدیم که کودک ابتدا به زبان خودش اندیشه‌ورزی کند تا بعد بتواند با دیگر زبان‌ها هم آشنا شود. در جهان هم این تفکر وجود دارد. به هر حال لازم است کودک زبان خود را یاد بگیرد. در آمریکا با این که زبان دوم اسپانیایی است، اما به زبان مادری‌شان نیز اهمیت می‌دهند و باور دارند که ریشه‌ها مهم هستند.

محتوای آموزشی

مجموعه‌ی محتوایی که برای آموزش زبان انگلیسی تمرین می‌شود، هدفمند نیست و استاندارد خاصی ندارد. دکتر مفیدی، پس از بیان این مطلب افزود: «ما وقتی محتوای آموزشی زبان فارسی را می‌بینیم، متوجه می‌شویم که هر مطلب پیش‌نیاز مطالب بعدی است و این نظم یادگیری را آسان می‌کند. برعکس، در آموزش محتوای زبان خارجی معلوم نیست موضوع بعدی چیست. آیا مطالبی که هست، باید باشد؟ می‌خواهیم نظر کارشناسان حاضر را بدانیم.»

مدیر مرکز پیش‌دبستانی ایران مهر گفت: «کار کردن در این زمینه سخت است. مگر چند نفر از افرادی که به همکاری دعوت می‌شوند، دارای تخصص پیش‌دبستانی هستند؟ نباید

کودکی را از کودک گرفت. بعضی‌ها روش‌های غیراصولی را به کار می‌برند. در مرکز ما، برای هر سن برنامه‌ی خاصی وجود دارد و در این دوره‌ها استفاده از کتاب را منع کرده‌ایم. به کارشناسان خود گفته‌ایم با بچه‌ها بازی کنند، نقاشی بکشند و شعر بخوانند. رفته رفته با توجه به توانایی کودک، تفاوت‌ها و شخصیت‌ها آشکار می‌شود. تشخیص این توانایی‌ها با مربی است. کارکنان مرکز در همه‌ی زبان‌ها با هم در تعامل هستند و در نتیجه، بچه‌های مادر پایان دوره‌ی پیش‌دبستان، زبان خارجی را به خوبی فرا می‌گیرند.»

دکتر مفیدی ضمن توضیح این که قالب زبان فارسی است، اما محتوا به زبان اسپانیایی یا انگلیسی عرضه می‌شود، از دکتر واعظی هم درباره‌ی محتوا سؤال کرد. دکتر واعظی گفت: «مطالب ما برای آموزش مشخص است. در آموزش‌ها از محتوای فارسی الهام می‌گیریم. سعی می‌کنیم نیازها را تشخیص دهیم و شناخت ایجاد کنیم.»

استاد دانشگاه علامه، با اشاره به شیوه‌های قدیمی آموزش زبان انگلیسی، گفت: «وقتی ما در کلاس هفتم قدیم زبان انگلیسی می‌خواندیم، محتوا متعلق به کشورهای دیگر بود. می‌گفتند: می‌خواهیم شما را با فرهنگ آن‌جا آشنا کنیم. بنابراین، مثلاً دانش‌آموز با یک موزه در انگلستان آشنا می‌شد. با چنین شیوه‌ای با آداب و محتوای فرهنگ آن‌ها آشنا می‌شدیم و واژگان آن را می‌آموختیم. نگاه آن‌ها به آموزش این است که می‌گویند به فرهنگ وارد شوید، زیرا آموزش زبان غیر از برقراری ارتباط، آموزش یک فرهنگ نیز هست. آموزش زبان هدف‌هایی چندگانه دارد و بچه‌ها باید انگیزه پیدا کنند.

از طرف دیگر، تحقیقات می‌گویند بهتر است آموزش زبان خارجی، قالب و محتوای یکسان با زبان فارسی نداشته باشد.»
در ادامه، دکتر مفیدی از دکتر گودرزی درباره‌ی محتوا و این که آیا تمرین‌های درسی فرزندشان اشکالی دارد یا نه، نظر خواهی کرد. گودرزی به عنوان یک مادر گفت: «این‌جا تعامل بین والدین و فرزندان ضروری است.

یادگیری یادگیری به استمرار تمرین و یادآوری نیاز دارد. فکر می‌کنم مؤسسه یا مرکز آموزشی باید هدف و برنامه‌ای داشته باشد تا والدین هم در خانه بتوانند به استمرار آموزش‌ها کمک کنند. ضمناً داشتن کتاب خاص، مغایرتی با آموزش‌های بازی‌گونه، شعر و نقاشی ندارد. مثلاً کتاب‌های لانگمن کارهای زیادی برای آموزش زبان به بچه‌های غیرانگلیسی‌زبان دارد. فلش کارت‌ها، بازی‌های گروهی، اسباب‌بازی‌ها و وسایلی که در کتاب معرفی شده‌اند، بسیار مؤثرند. پس از استفاده از آن‌ها، تفاوت سطح یادگیری زبان پسرمان را با دیگران به وضوح مشاهده کردم.»

سردبیر مجله‌ی رشد آموزش پیش‌دبستانی، ضمن تأیید صحبت ایشان، به نکته‌ی ظریفی در اهمیت تعامل خانه و مدرسه یا مؤسسه‌ی آموزشی اشاره کرد و گفت: «خانه باید ادامه دهنده باشد. وقتی که والدین آگاه شدند، می‌توانند کمک مربی‌ها شوند.»

جمع‌بندی

خانم دکتر مفیدی در پایان این نشست، ضمن تشکر از حضور کارشناسان و متخصصان آموزش زبان خارجی به کودکان، فشرده‌ای از مطالب و نظرات ارائه شده را به شرح زیر ارائه کرد: «در نگاه کلی باید بگوییم، در آموزش هر زبان خارجی، ضروری است نیاز کودک و قابلیت‌های یادگیری او را در نظر بگیریم. از اهم موارد دیگر نیز، آگاهی مربیان نسبت به کودک و کاری است که انجام می‌دهند. خوب است آموزش مدرسان و مربیان زبان خارجی در مؤسسات تخصصی صورت گیرد. هم‌چنین لازم است محتوا بازی‌گونه، طبیعی و قابل ارتباط‌گیری و ارتباط‌پذیری باشد تا بچه‌ها به راحتی آن را بپذیرند و درک کنند. در پایان به این نکته اشاره می‌کنیم که در آموزش زبان انگلیسی و خارجی در این سطح، نامهربانی‌هایی دیده می‌شود که لازم است این مشکلات مرتفع و نگاه‌ها تغییر یابند. امیدوارم که همه‌ی مربیان و دلسوزان، با آگاهی کامل بتوانند در خدمت به کودکان این آب و خاک مؤثر و مفید واقع شوند.»



تطابق محتوای برنامه‌های داخلی کودک سیما با هدف‌های نظام آموزشی



کلیدواژه‌ها: رسانه، تلویزیون، رشد اجتماعی، رشد اخلاقی، رشد عاطفی، آموزش پیش‌دبستانی.

شمسی یحیوی
کارشناس ارشد پیش از دبستان

پژوهش حاضر تحت عنوان «بررسی میزان تطابق محتوای برنامه‌های داخلی کودک سیما جمهوری اسلامی ایران با هدف‌های عاطفی و اجتماعی - اخلاقی نظام آموزشی کشور در آموزش پیش‌دبستانی» است. مسئله‌ی اصلی پژوهش حاضر این است که کودک در مواجهه با رسانه و نظام آموزش قرار دارد و با توجه به اهمیت و نقش رسانه در آموزش و زندگی کودک، لازم است که بین محتوای برنامه‌های کودک سیما با اهداف تدوین شده برای نظام آموزشی، هماهنگی وجود داشته باشد، تا کودک در تعامل با این دو عرصه که تقریباً بیشترین بخش زندگی او را به خود اختصاص می‌دهند، به رشد هماهنگ و تقریباً کاملی دست یابد. برای سنجش هماهنگی مذکور این سؤال مطرح شد: «آیا بین محتوای برنامه‌های کودک داخلی سیما جمهوری اسلامی ایران با اهداف عاطفی و اجتماعی - اخلاقی نظام آموزشی تطابق وجود دارد؟»

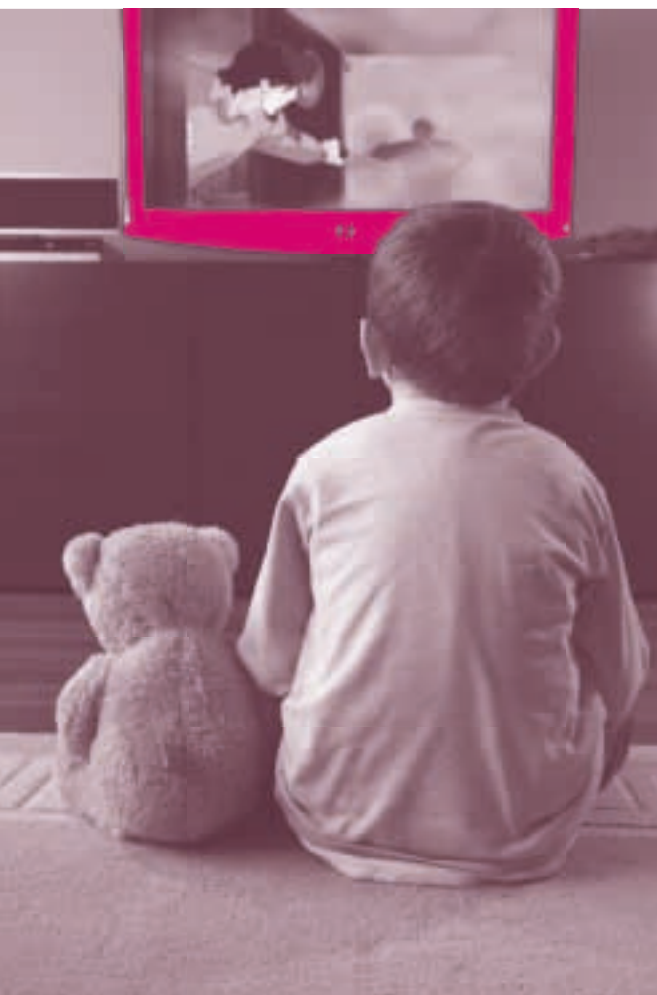
برای پاسخ به این سؤال از روش تحلیل محتوای مقوله‌ای استفاده کردیم و تمام برنامه‌های کودک فصل پاییز سال ۱۳۸۸ را به عنوان جامعه‌ی آماری در نظر گرفتیم. پیام‌های هر برنامه انتخاب و مقوله‌ها با عنوان پیام‌های عاطفی و اجتماعی - اخلاقی که از هدف‌های تدوین شده‌ی نظام آموزشی کشور در آموزش پیش‌دبستانی اقتباس شده است، در نظر گرفته شد. برای هر مقوله هم زیرمقوله‌هایی منظور شد که توسط نظام آموزشی تعریف عملیاتی شده است. پس از مشاهده‌ی هر برنامه، تطابق یا عدم تطابق میان محتوا و اهداف را کدگذاری و مشخص کردیم. نتایج هر یک از برنامه‌ها به تفکیک فراوانی در جداول مناسب درج شده است. در بررسی یافته‌ها نیز از آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفتیم.

در پژوهش حاضر، مقوله‌های پرورش عاطفی در دو زیر مقوله‌ی:
الف) ابراز صحیح عواطف در زمان و مکان مناسب با ۹ متغیر،
ب) شناخت، کنترل و ابراز مناسب هیجانات با ۷ متغیر،

در قالب دو دسته‌ی کلی طبقه‌بندی شدند که در زیر مقوله‌ی اول، فرض صفر تأیید و فرض تحقیق با ۹۵ درصد اطمینان رد شد و میزان تطابق در حد پایین بود.

مقوله‌های گروه دوم نیز با عنوان پرورش صفات اخلاقی - اجتماعی به دو زیر مقوله‌ی «اجتماعی» با ۱۹ متغیر و «فردی» با ۱۰ متغیر در قالب دو دسته‌ی کلی طبقه‌بندی شدند که همان نتایج در مقوله‌ی اول برای مقوله‌ی دوم نیز به دست آمد. این نتایج مربوط به شبکه‌ی ۱ و شبکه‌ی ۲ سیماست. در پایان، یک سلسله پیشنهاد براساس نتایج به دست آمده ارائه شد که امید است در برنامه‌های مورد بررسی به کار گرفته شود.

این پژوهش برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد علوم تربیتی در گرایش پیش از دبستان توسط خانم شمسی یحیوی به راهنمایی دکتر فرخنده مفیدی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی، و دکتر نورعلی فرخی، استادیار این دانشگاه در دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی و در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ به انجام رسیده است.



موضوع جامعه‌شناسی، مطالعه‌ی گرایش‌های طبیعی آشکار انسان‌ها برای زندگی با یکدیگر و در گروه است. شناسایی و جهت‌دهی به این گروه‌ها، یکی از عالی‌ترین ویژگی‌های بشری است. **دروتی ایسکیل** چنین اظهار می‌دارد: «جامعه‌شناس، خصوصیات و ویژگی‌های گروه‌های انسانی، مانند خانواده، مدرسه، مکان‌های مذهبی (مثل مساجد و کلیسا) و غیره را بررسی می‌کند و در حقیقت می‌کوشد اثرات این‌گونه گروه‌ها را بر اعضای تشکیل‌دهنده‌ی آن‌ها تبیین کند، تغییرات رفتاری نمایانگر هر یک از اعضا را نمایش دهد و سرانجام بیان کند که دلیل رفتارهای گروهی افراد چه مواردی می‌تواند باشد.»

اگرچه به‌نظر می‌رسد، تشکیل گروه تمایل و گرایش‌های بسیار طبیعی در رفتار انسانی است، اما ظاهراً کودکان خردسال زندگی را به عنوان موجودی غیراجتماعی آغاز می‌کنند. زیرا آن‌ها در آغاز بی‌نهایت خودمحورند. به عبارت بهتر، تنها وجودی که از آن آگاهی می‌یابند، وجود خودشان است. به تدریج، طی تماس با دیگران و اطرافیان در محیط، و با یادگرفتن و رشد زبان، شناخت و درک کافی برای این تشخیص را پیدا می‌کنند که در این دنیا فقط خودشان وجود ندارند و تنها خود را محور قرار ندهند. در این گذر و تغییر شناختی، وابستگی‌های اولیه به سمت و سوی والدین هدایت می‌شود.

در حدود سه سالگی، بسیاری از کودکان زمان کمتر و کمتری را با والدین خود و زمان بیشتر و بیشتری را با دیگر افراد سپری می‌کنند؛ شناسایی گروه آغاز می‌شود و امنیت و کنترل مهمی بر رفتار کودکان پیدای می‌کند. به کودکان از همین زمان باید کمک



شود تا از عضویت در گروه و از رفتارهای لازم برای کسب روابط گروهی مؤثر آگاهی یابند. به آن‌ها باید اجازه داد از طریق تجارب بین فردی مستقیم در همه‌ی سطوح و در برنامه‌های پیش‌دبستانی، از عهده‌ی این کار برآیند و خود را در گروه ببینند و عضویت و مشارکت در گروه را تجربه کنند.

بهترین انواع تجربه‌ها آن‌هایی هستند که انواع متنوعی از بازی‌ها را شامل می‌شوند. ویژگی‌های بازی کودکان را می‌توان به عنوان فرایند رشد و سلسله‌مراتبی توصیف کرد که در آن کودکان به تدریج کیفیت و کمیت تعامل اجتماعی با دیگر کودکان را گسترش می‌دهند. بر اساس دیدگاه **میلارد پارتین**، سطوح مختلف بازی که به اجتماعی شدن کودکان می‌انجامند، به شرح زیرند:

۱. **بازی به تنهایی (منفرد):** کودک به تنهایی بازی می‌کند. حتی اگر کودکان دیگر نیز حضور داشته باشند، او چنان بازی می‌کند که گویی هیچ‌کس در آن‌جا حضور ندارد.

۲. **بازی مشاهده‌گرانه:** به نظر می‌رسد کودک هنگام بازی کردن کودکان دیگر، به بازی آن‌ها با یکدیگر علاقه نشان می‌دهد. با وجود این، به بازی تنهایی خود بدون اتصال و پیوند واقعی با آن‌ها ادامه می‌دهد. تنها زمینه‌ی رفتار اجتماعی در فعالیت‌های وی، همان علاقه‌ی ظاهری به فعالیت و بازی کردن دیگر کودکان است.

۳. **بازی موازی:** کودک به بازی کردن در نزدیکی کودک دیگر و با اسباب‌بازی و وسایل و مواد مشابه، ولی بدون برقراری تعامل شخصی، گرایش نشان می‌دهد. گاه‌گاهی، یکی از کودکان ممکن است به دیگری نگاه کند، ولی در بازی به او ملحق نمی‌شود. اعمالی چون

«شراکت» و «نوبت‌گیری»، تعامل اجتماعی کودکان را وسعت می‌بخشد.

۴. **بازی ارتباطی:** کودک همراه با کودک دیگر بازی می‌کند و آن‌ها از وسایل، مواد و اسباب‌بازی‌های یکدیگر استفاده می‌کنند و در بازی او سهیم می‌شود. کودکان از وجود یکدیگر آگاهی دارند و هنگام بازی کردن با یکدیگر صحبت می‌کنند. اهمیت و معنی‌دار بودن اجتماعی این سطح از بازی‌ها در این واقعیت نهفته است که کودکان در این هنگام، صحبت کردن و گوش دادن به یکدیگر را با نیت و قصد آگاهانه آغاز می‌کنند.

۵. **بازی مشارکتی:** کودکان همکاری با یکدیگر را آغاز می‌کنند و نقش‌های فردی ویژه‌ای را در فعالیت خاص به عهده می‌گیرند. مقررات ویژه ممکن است بر فعالیت مورد انتظار



جامعه‌شناسی در کودکان

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی، مشارکت، تجارب بین فردی، انواع بازی، تعامل اجتماعی.

دکتر مرجان گودرزی

با عروسک‌ها برویم و ببینیم که بچه‌های دیگر به یک دکتر نیاز دارند که از بیماران مراقبت کند.» و یا شرکت در بازی‌های نمایشی، می‌تواند کودکان را به یکدیگر نزدیک کند.

• ترتیبی اتخاذ کنید که کودکان طی روز و کارهای روزمره با هم در تکمیل فعالیت‌های گروهی شرکت کنند و کارها را به صورت جمعی تمام کنند؛ مثل انجام پروژه‌های هنری، پروژه‌های پخت‌وپز، فعالیت‌های باغبانی و کاشت دانه و مراقبت از گیاهان و سبزیجات، سرودخوانی، قصه‌گویی، ساخت‌وساز با شن و مکعب و ...

پی‌نوشت

1. Millard partem

مثل ماهی‌های آکواریوم، دانه پاشیدن برای پرندگان، آب دادن به گیاهان، یا پر کردن لیوان و یا پارچه‌های آبخوری. به این طریق، کودکان قویا به ارزش کارهای خود و مفید واقع شدن پی می‌برند و احساس بسیار مثبتی درباره‌ی کمک‌های مؤثر خود در گروه پیدا کنند.

• فضایی را ایجاد کنید که مشارکت و همراهی گروهی را مورد تشویق قرار دهد. به عبارت بهتر، به رفتارهایی که به رفاه و سلامت بیشتر گروه کمک می‌کند، پاداش دهید. زدن به پشت کمر کودک به آرامی یا نوازش وی و گفتن کلمات گرم و محبت‌آمیز، می‌تواند ادامه‌ی رفتار مشارکتی را در آینده تقویت کند.

• به کودکان کمک کنید، یکدیگر را در انواع فعالیت و بازی‌ها در کلاس ببینند. اظهارنظرهایی هم‌چون: «با هم به قسمت بازی

از هر کودک حاکم شود و اهداف گروهی و نه صرفاً فردی، اعمال آن‌ها را هدایت می‌کند. رشد اجتماعی مهمی که در این مرحله و گام‌بازی رخ می‌دهد، تمایل و گرایش به کار کردن همراه با کودکان دیگر در جهت هدف گروهی و مشارکت کردن در قالب و چارچوب مقررات توافق شده‌ی بین گروهی است.

از جمله فعالیت‌های شناخته شده‌ای که می‌تواند به عضویت مؤثر در گروه‌های اجتماعی منجر شود در فعالیت‌های جامعه‌شناختی زیر تشریح شده‌اند:

• به کودکان فرصت دهید تا به صورت گروه‌های دوتایی و یا گروه بزرگ‌تری، در انجام امور و کارهای معمول کلاس مشارکت داشته باشند؛ مثل مرتب کردن میز برای غذا خوردن و یا پیش غذا، غذا دادن به حیواناتی



آشنایی بالوسی اسپراک میشل

بنیان گذار رویکردهای بانک استریت



لوسی اسپراک^۱ در دوم جولای ۱۸۷۸ در شیکاگو به دنیا آمد. او یکی از شش فرزند خانواده اش بود. پدر لوسی که از تاجران اهل شیکاگو بود، شیوهی انضباطی محدود کننده‌ای داشت و این امر در خصوصیات رفتاری وی تأثیر بسزایی داشت و سبب شد لوسی کودکی منزوی و گوشه‌گیر بار آید. البته بعدها تغییر خلقی عمیقی پیدا کرد و فردی بسیار موفق شد.

آموزش و پرورش دوران اولیه کودکی در ایالات متحده، اگرچه تا حدود زیادی از نهضت دیویی، مربی عملگرا و اشاعه دهنده‌ی روش فعال در آموزش منشأ گرفته است، اما کوشش‌های خانم اسپراک سهمی اساسی در این روند داشته است

پدر لوسی علاقه‌ی فراوانی به بسط و گسترش ریشه‌های آموزشی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی داشت و با افراد سرشناسی هم‌چون **جان دیویی** (مربی بزرگ آمریکایی) و **جین آدامز** آشنایی و ارتباط داشت. به همین دلیل، لوسی در زمان آشنایی با دیویی دوره‌ی نوجوانی اش را می‌گذراند، اما تمام آثار او را مطالعه کرد و علی‌رغم آن که تجربه و شناخت چندانی از افراد محروم از امتیازات اجتماعی و اقتصادی نداشت، اما شروع به مطالعه برای ادراک حقایق در مورد این قشر از مردم کرد.

وقتی لوسی به سن ۱۶ سالگی رسید، خانواده‌ی اسپراک به دلیل ناخوشی پدر خانواده، به جنوب کالیفرنیا مهاجرت کرد

و لوسی عهده‌دار پرستاری از پدر شد. اما پس از گذشت مدتی، با شرکت در مدارس شبانه‌روزی به تحصیلاتش ادامه داد و وارد دانشگاه «رادکلیف»^۲ شد. در آن‌جا بود که رشد و پیشرفت بسیار خوبی را تجربه کرد و در سال ۱۹۰۰ با درجه ممتاز فارغ‌التحصیل شد.

همسر وی که از او صاحب چهار فرزند نیز شد، به او برای رسیدن به اهدافش کمک کرد و بر اشتیاق همسرش برای حرکت و تلاش می‌افزود. **رابین**، همسر لوسی که با جان دیویی رابطه‌ی شخصی و حرفه‌ای داشت، فرصت‌هایی را نیز برای وی فراهم آورد تا در کلاس‌های دیویی شرکت کند. در حقیقت می‌توان گفت آموزش و پرورش دوران اولیه‌ی کودکی در ایالات متحده، اگرچه تا حدود زیادی از نهضت دیویی، مربی عملگرا و اشاعه‌دهنده‌ی روش فعال در آموزش منشأ گرفته است، اما کوشش‌های خانم اسپراک سهمی اساسی در این روند داشته است.

وی که در یک محیط آموزشی در شرایط تحول (رفرم) اجتماعی پرورش یافته بود، عقیده داشت مدارس به عنوان مراکزی اجتماعی و نیز مکان‌هایی برای یادگیری اندیشیدن و تفکر شکل گرفته‌اند. به همین دلیل موفق شد افراد صاحب‌نظر و برجسته‌ای را دور هم گرد آورد و مدارسی را بنا نهند تا در آن‌جا اصول پیشرفته را تجربه کنند و به اجرا گذارند. تشکیل کالج معلمان برای ارتقای دانش معلمان و برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای نویسندگان ادبیات کودک نیز گسترش یافت. در حقیقت میشل از مبتکران اصلی ایده‌ی تجارب آموزشی و برنامه‌ی درسی

مبتنی بر طراحی معلم است که بعداً به منظور درک واکنش‌های کودکان مورد مشاهده و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

با تأسیس دانشکده‌ی آموزشی «بانک استریت» و مدرسه آزمایشگاهی آن، رابطه‌ی بین نظریه و عمل، یا به عبارت بهتر، آموزش کودکان خردسال و مطالعه‌ی چگونگی یادگیری کودکان بیش از پیش بارز شد. رویکرد بانک استریت که برگرفته از نام خیابان بانک (در دهکده‌ی کوچکی در شمال نیویورک) است، به همت لوسی اسپراک و همکاران، افراد خانواده و دوستانش، امروز یکی از رویکردهای تأثیرگذار بر جنبش پیشرفت‌گرایی در آموزش و پرورش محسوب می‌شود.

از بارزترین اهداف این رویکرد، ایجاد محیط آموزشی‌گاهی به منزله‌ی الگویی از جامعه‌ی چند فرهنگی آمریکا، پرورش و رشد همه‌جانبه‌ی کودکان، حمایت از حس کنجکاوی و شوق یادگیری کودکان، تقویت حس خودکامی، پرورش قابلیت حل مسئله و تفکر در کودکان و روحیه همکاری و مسئولیت‌پذیری است.

برنامه‌ی مطالعات اجتماعی، هسته‌ی اصلی برنامه‌ی درسی بانک استریت در تمام سطوح است. انسان‌شناسی فرهنگی، تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، علوم سیاسی و فناوری در پیوند با علوم و هنر، شالوده‌ی این مطالعات است. هم‌چنین، ادبیات، زبان خارجی، موسیقی، تربیت بدنی و پایه‌های خواندن و نوشتن برای کودکان پیش از دبستان را شامل می‌شود. این محتوا برای هر سه سطح مقدماتی (۶-۳ سال)، متوسط (۱۰-۷ سال) و عالی (۱۴ تا ۱۱

شنیدن کی بود مانند دیدن



حسن شرفی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

کلیدواژه‌ها: یادگیری تلاش‌مدار، یادگیری پژوهش‌محور.

سخنی با اولیا و مربیان مدارس

اگر شیوهی تدریس و آموزش مواد درسی مبتنی بر مسئله‌یابی و یافتن راه‌حل (طرح سؤال و روش پاسخ‌گویی) باشد، موجب می‌شود دانش‌آموزان با ابتکارات فردی درباره‌ی سؤال بیندیشد و به آن پاسخ گویند. در صورتی به آموزش بهتر و نوآوری ارج نهاده می‌شود که توانایی‌ها و مهارت‌های متفاوت دانش‌آموزان و هوش چندگانه که باعث غنای فعالیت‌های یادگیری می‌گردد، با دقت مورد توجه قرار گیرد.

گسترش «روش‌شناسی دیدن»، از طریق یافتن ماهیت تجربه‌ی بصری و تجزیه و تحلیل آن، امکان آموزش همه‌ی افراد را تا بالاترین درجه‌ی توانایی‌هایشان فراهم می‌آورد. به سخن دیگر، باسواد شدن آن‌ها از نظر بصری میسر خواهد شد. شخصی که قبلاً چیزی را دیده است، احتمالاً درک بهتری از آن دارد تا کسی که درباره‌ی آن با وی صحبت شده است. نشان دادن عملکرد دانش‌آموز پژوهنده و سازنده از طریق تصویر، فرصتی برای آگاه کردن اولیا و مربیان، دانش‌آموزان و برنامه‌ریزان درسی از تحول روش‌های آموزش و پرورش پیشرفته در جهان است که می‌خواهند تنوع و غنای آن را در رویکردهای یادگیری «تلاش‌مدار» و «پژوهش‌محور» (ساختن‌گرایی) کشف کنند. این اکتشافات نوعی تجربه‌ی زیباشناسی و پرورش تفکر است (تفکر بصری).

بنابراین انتظار می‌رود کوشش لازم در آموزش تصویری، بتواند برداشت کاربردی بیشتری از مفاهیم آموزش به ارمغان آورد. «آلبوم دانش‌آموز پژوهنده» اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- خوب دیدن و خلق تصاویری برای بیان تفکر (اصل فعالیت دانش‌آموز).
 - به چالش کشیدن روش تدریس معمول معلمان و راه‌های مرسوم یادگیری دانش‌آموز.
 - آگاه کردن اولیا و مربیان مدارس به منظور کمک به یادگیری بهتر فرزندان و دانش‌آموزان.
- برگزاری نمایشگاهی از آلبوم‌ها می‌تواند یک راهبرد ارتباطی و اطلاعاتی برای تدریس آموزگاران، مربیان و دبیران باشد. مدیران مدارس و گروه‌های آموزشی نیز در این راه پیش قدم خواهند شد.

شما می‌توانید عکس‌هایی متناسب با شرایط اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی کشورمان را مورد توجه قرار دهید (اهداف بومی).

تصاویر کودکان کنجکاو تحت تعلیم خود را برای بررسی و چاپ در مجله، برای ما بفرستید



سال) تنظیم شده است.

محیط آموزشگاه‌های بانک استریت نمودی از زندگی و کار در آزمایشگاه و کارگاه‌هاست. در این رویکرد، روش کار روش «تجربه‌محور» و «مشارکتی» است.

از دیدگاه بانک استریت، ارزش‌یابی فرایندی مستمر و جاری است و بخش مهمی از آموزش و پرورش دوران اولیه‌ی کودکی و پایه‌ی مهمی برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های آموزشی است.

در پایان می‌توان افزود، اشتیاق و انگیزه‌ی اسپرک سرانجام به آن‌جا انجامید که مراکز بانک استریت، آموزش کارکنان، خانواده و مربیان در سطوح متفاوت دربرگرفت و کوشش‌های وی ماندگار و رویکرد وی پایدار شد. وی می‌گوید: «کار ما براساس این باور است که انسان‌ها می‌توانند جامعه‌ای را که پدید آورده‌اند، بهبود بخشند.»

پی‌نوشت

1. Luci Sprague Mitchell
2. Radcliff

منبع

1. www.bankStreet.ed



طبق روال گذشته، سردبیر مجله پاسخ‌گوی پرسش‌های خوانندگان در این صفحه است. ضمن تشکر از طرح سؤال‌های خوب شما، هم‌چنان منتظر سؤال‌های شما در زمینه‌ی کودک، خانواده، مراکز پیش از دبستان و مسایل و مشکلات در این موارد هستیم.

آزمون‌های ورودی

مشاور عزیز

پدر و مادر فرزندی شش ساله هستیم که از ابتدای مهرماه کلاس اول را آغاز می‌کند. برای ثبت‌نام او به مدارس متعدد مراجعه کرده‌ایم و بسیاری از آن‌ها آزمون‌هایی را از کودکان به عمل می‌آورند و برای ورود به دبستان قبولی در این آزمون‌ها را معیار قرار داده‌اند.

خانم دکتر عزیز، آیا شما با این شیوه موافق هستید؟ آیا کودکان ما باید برای ورود به دبستان از این آزمون‌ها عبور کنند؟ گرفتن این آزمون‌ها تا چه حد ضروری است و چه نقشی در کار یادگیری کودکان دارد؟

پدر و مادر گرامی

خدمت شما سلام عرض می‌کنم. به شما به خاطر ورود کودکان به دبستان و آغاز یادگیری رسمی تبریک می‌گوییم. ان‌شاءالله در پناه حق و به شادی، امیدوارم برای او تجربه‌ی خوبی باشد و شما نیز در کنار او شاهد ترقی و پیشرفت تحصیلی‌اش باشید.

پرسش‌های مهمی را مطرح کرده‌اید که فکر می‌کنم مسئله‌ی بسیاری از خانواده‌ها باشد. ابتدا باید بگویم که در مورد برگزاری آزمون‌های متفاوت در بدو ورود به دبستان، دلایل مثبت و گاه منفی وجود دارد. بعضی از آزمون‌ها منطقی و به‌موقع هستند، بعضی نیز لزوم چندانی ندارند. این که آزمون‌ها شرطی برای ورود باشند، شاید شیوه‌ی مناسب و مستدلی نباشد. چون به هر حال کودکان با هر دشواری و هر توانایی، به نوعی قابلیت ورود به مراحل تحصیلی را دارا هستند و جامعه‌ی آموزشی علی‌القاعده در فکر حذف هیچ فردی از نظام تربیتی نیست.

اما باید دانست، بعضی از آزمون‌هایی که هم‌اکنون در پایگاه‌های اطلاعاتی برای تشخیص توانایی‌ها و ضعف‌های جسمی و رفتاری کودکان در بدو ورود به دبستان انجام

می‌شوند و بیشتر هم جنبه‌ی شناختی از نظر پزشکی و تشخیصی ضعف‌ها و قابلیت‌های حسی - حرکتی، بینایی، شنوایی، رشد زبان و مواردی از این قبیل را دارند، بسیار منطقی و لازم هستند. چون اگر به‌ویژه در این دوره مشخص شود که کودکی دارای تنبلی چشمی است، به بهترین‌وجه می‌تواند از آن رهایی یابد و طبق راهنمایی‌های پزشکی به خانواده‌ها، از مشکلات بعدی جلوگیری به عمل خواهد آمد. اما اگر آزمون‌هایی معیار ورود قرار گیرند که جنبه‌ی تفکیکی به‌ویژه از نظر خلاقیت داشته باشند و یا مبتنی بر معیارهای شخصی و سلیقه‌ای و غیراستاندارد باشند، لزوم چندانی ندارند. به‌علاوه، به‌علت قابل اطمینان نبودن نتایج آن‌ها، معیار تشخیصی محسوب نمی‌شوند و نباید کودکان و خانواده‌هایشان را با نتایج آن‌ها دچار اضطراب کنیم. زیرا بسیاری از آزمون‌ها ممکن است مهارت‌های مورد نیاز مدارس را بسنجند، ولی به سایر مهارت‌هایی که به همان اندازه برای کسب موفقیت در زندگی اهمیت دارند، نپردازند. به‌ویژه انجام نادرست، غیراستاندارد و نامعتبر آزمون‌های هوش، ممکن است خدای ناکرده برچسب‌ها و انگ‌هایی را به کودک وارد کنند که زدودن آن‌ها دشوار خواهد بود.

از طرف دیگر، این آزمون‌ها ممکن است جهت‌گیری خاصی داشته باشند که با توجه به سطح فرهنگی و محیطی بسیاری از خانواده‌ها، نمره پایینی را برای کودک به‌صورت غیر منصفانه‌ای به‌دست دهد. چنین سنجشی نمی‌تواند به‌صورت خیلی دقیقی برای پیش‌بینی میزان موفقیت کودک در مدرسه و زندگی آینده‌ی وی کاربرد داشته باشد. از آن‌جا که هوش به مرور زمان و برحسب تجربه، تحریک و چالش نیز شکل می‌گیرد، این یک کاربرد کاملاً غیرمنصفانه برای جداسازی کودکان در بدو ورود محسوب می‌شود.

از همه مهم‌تر این‌که اگر والدین براساس پیش‌داوری‌های ایجاد شده، دچار اضطراب و سرخوردگی شوند که مثلاً کودکشان خلاق یا باهوش نیست و یا ... بعدها گریز از این طبقه‌بندی غیراصولی کاری دشوار خواهد شد.

مهم آن است که ما به‌عنوان والدین، باید توانایی‌ها،





کلیدواژه‌ها: رشد اجتماعی، سخاوت و بخشندگی، آزمون‌های ورودی.

بهتر است استفاده نکنید که کارساز نیست. یکی از هدف‌های اساسی برای بالا بردن روحیه‌ی کودکان از این نظر و آموزش سخاوت، بخشندگی و بلند نظری این است که به کودکان کمک کنیم تا اسباب و وسایل و تجربیات خود را با دیگران شریک شوند.

برای بخشندگی و سخاوت، الگو قرار گرفتن و نقش مدل را داشتن، رخداد این نوع رفتار را افزایش می‌دهد. دیده شده است که آموزش و رفتارهای اجتماعی زمانی به بهترین وجه صورت می‌گیرد که مربی، مادر و یا افراد بزرگ‌تر، خود نمونه و عامل به عمل باشند. در عین حال و شاید به

طور هم‌زمان، برای روشن کردن ذهن کودک در مورد اتفاقات باید با او صحبت کنند. برای مثال: مربی و یا والدین می‌توانند در ایجاد گرایش کودکان به مشارکت با دیگران، لذت بردن از بده و بستن وسایل و عدم گرایش به امور نامطلوب مثل آزدن دیگران با برقرار نکردن ارتباط و سهیم نشدن، مساعدت نکردن و غیره، ایفای نقش کنند.

فرصت

دادن برای ابراز عواطف و همدردی با دیگران از طریق نمایش‌های خلاق، نقش آفرینی و بازی‌های نمایشی نیز می‌تواند در مراکز پیش از دبستان، کودک را به بخشندگی و سخاوت عادت دهد

فرصت دادن برای ابراز عواطف و همدردی با

دیگران از طریق نمایش‌های خلاق، نقش آفرینی و بازی‌های نمایشی نیز می‌تواند در مراکز پیش از دبستان، کودک را به بخشندگی و سخاوت عادت دهد. در هر حال باید چنان کنیم که کودک از بودن با دیگران، رد و بدل کردن نیازها، وسایل و داشته‌های خود لذت ببرد و احساس کند که در غیر این صورت، دوستی‌هایش پایدار نیست و کودکان دیگر را رنجیده خاطر می‌کند. به همین دلیل، هنر سازش و مصالحه، همکاری و تعاون و توجه به احساسات دیگران را باید سرلوحه‌ی کارهای آموزشی خود قرار دهیم. به کودکان باید از همین سنین آموزش دهیم تا به احساسات دیگران پی ببرند و حس همدلی در آن‌ها تقویت شود.

برای شما و فرزندان‌تان آرزوی سلامتی و شادی فراوان

دارم.

قابلیت‌ها و ضعف‌های کودک خود را بپذیریم و بیش از ظرفیتش، او را تحت فشار قرار ندهیم. و بی شک ورود به نظام آموزشی سبب می‌شود که کودک ما مهارت‌ها و دانایی‌های بیشتری به دست آورد. مراقب باشیم او را با کودکان دیگر در رقابت ناسالم قرار ندهیم. محیطی سازنده و برنامه‌هایی غنی برایش فراهم آوریم تا از قابلیت‌های خود بهترین بهره را ببرد. محیط آموزشی مطلوب، مربی و معلم دلسوز و دوستان همراه، خواهند توانست تجربه‌ی زیبا و سالمی را برای همه‌ی کودکان در بدو ورود به مدرسه پدید آورند. سعی کنیم نگرش مثبتی نسبت به تحصیل در فرزندمان از همین آغاز به وجود آوریم. مدرسه‌ای را انتخاب کنیم که به محل سکونتمان نزدیک باشد تا کودک برای رفت و آمد کمتر خسته شود. تلاش او را در طول سال برای پیشرفت و موفقیت مورد تشویق قرار دهیم. برای شما و کودک دل‌بندان آغاز مطلوب و زیبایی را آرزو می‌کنم.

دوست و راهنمای شما

آیا فرزند من خسیس است؟

مشاور عزیز

مادری هستم دارای سه فرزند که یکی از آن‌ها پنج ساله است. احساس می‌کنم که کودکم هنوز یاد نگرفته است چگونه وسایل و اسباب بازی‌هایش را به دیگران بدهد و با آن‌ها شریک شود. گاهی حس می‌کنم خسیس است. آیا مشکلی دارد؟

مادر عزیز، سلام

«رشد اجتماعی کودکان» که از ارزش بالایی برای ارتباط با دیگران برخوردار است، طی فرایندی طولانی و مراحل متفاوتی شکل می‌گیرد. کودکان از طریق الگو گرفتن از دیگران، اطرافیان و شرایط محیطی، یاد می‌گیرند که با دیگران مرادده داشته باشند، از آن‌ها چیزی را به امانت بگیرند و یا دیگران را در بازی، کارها و امور خود شرکت دهند. از برچسب خست



تولید محتوا برای



چند نکته

۱. یکی از عناصر مهم در هر برنامه‌ی آموزشی، محتوای آن است. در دوره‌ی پیش دبستانی، تولید محتوا با هدف بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی و محلی، به کارشناسان و متخصصان زبده‌ی استان‌ها واگذار شده است، به نحوی که هر استان براساس راهنمای برنامه (مصوب شورای عالی آموزش و پرورش) و در چارچوب دستورالعمل‌های مربوط، به تولید محتوا دست می‌زند. آنچه در این نوشتار از نظر تان می‌گذرد مراحل چگونگی تولید محتوای «برنامه انس با قرآن کریم» در دوره‌ی پیش دبستانی است.
۲. قبل از ورود به موضوع در تبیین مراحل تولید محتوای انس با قرآن کریم ضروری است تأملی در مفهوم و مقصود «انس با قرآن کریم در دوره‌ی پیش دبستانی» صورت پذیرد. از آنجا که تداوم و تحکیم ارتباط کودک با محیط پیرامونش بر «عشق و علاقه‌ی او» استوار است، ضرورت دارد آن چه به کودک عرضه می‌شود، مطابق میل و رغبت وی باشد تا به پذیرش و انس بینجامد.
- در فرایند یاددهی-یادگیری قرآن کریم نیز باید به این مهم توجه شود. بر این اساس برنامه آموزش قرآن کریم در دوره‌ی پیش دبستانی به دنبال تحقق رویکرد و هدف اصلی آن، یعنی «انس با قرآن کریم» است.
۳. از ضروری‌ترین ویژگی‌های مربیان و کارشناسان پیش دبستانی، «توانایی تولید محتوا» است. به منظور تحقق این موضوع، لازم است چگونگی تولید محتوای انس با قرآن کریم تبیین و تشریح شود.
۴. برای انس کودکان با قرآن کریم صرفاً طرح موضوعات اخلاقی که به طور عام مربوط به حوزه‌ی تربیت دینی هستند، کافی نیست. زیرا کودک باید بداند قصه‌ای که می‌شنود و پیامی که می‌آموزد، از قرآن کریم یا درباره آن است. چون ضروری است هر مسلمانی از کودکی به دور از هرگونه افراط و تفریط، با قرآن کریم ارتباط و آشنایی داشته باشد تا ان شاء الله منجر به انس او با قرآن شود.

مراحل تولید محتوا

مرحله‌ی اول: تهیه‌ی فهرست اولیه‌ی موضوعات

نخستین مرحله برای تولید محتوای انس کودکان با قرآن کریم، تهیه‌ی فهرستی از موضوعات قرآنی است. این فهرست بر اساس رویکرد برنامه‌ی انس با قرآن باید موضوعاتی را در برگیرد تا زمینه‌ی «آشنایی»، «علاقه» و «ارتباط» کودک را با قرآن کریم فراهم آورد و موجب علاقه‌ی نوآموز به قرآن و یادگیری آن شود. مبنای انتخاب این موضوعات چنین است:

الف) از متن قرآن: مانند سلام کردن، نیکی کردن به والدین، شکر نعمت‌های خدا، اسراف، کمک کردن به دیگران و ...

ب) درباره‌ی قرآن: منظور سخنان ائمه (ع) و بزرگان دین است در مواردی مانند احترام به قرآن، ادب و اهمیت گوش دادن به تلاوت قرآن، این که قرآن قصه‌های شنیدنی و زیبا دارد، و ...

مرحله‌ی دوم: اولویت‌بندی موضوعات

- پس از تهیه‌ی فهرست موضوعات، آن‌ها را با توجه به موارد زیر اولویت‌بندی می‌کنیم:
- اصول حاکم بر برنامه‌ی انس با قرآن در دوره‌ی پیش دبستانی؛
 - نیازها، توانایی‌ها و علاقه‌های کودک ۶-۵ سال؛
 - نظرات مربیان و کارشناسان کمیته‌ی تولید محتوا.



«انس با قرآن»

مسعود تهرانی فرجاد

مرحله سوم: چارچوب انتظارات

به منظور رعایت این چارچوب، مجموعه‌ی فعالیت‌های انس با قرآن کریم باید به گونه‌ای طراحی شود که موارد زیر در آن لحاظ شوند. در واقع انتظار برنامه‌ی انس با قرآن این است که حتماً به موارد زیر توجه شود:

- شنیدن صوت قرآن (بخش صوت سوره‌های کوتاه قرآن و آواهای قرآنی).
 - شرکت در جمع‌خوانی سوره‌ها و الگوبرداری از آن‌ها.
 - حفظ برخی سوره‌های کوتاه، ساده و روان از نظر تلفظ مانند: ناس، توحید، کوثر، عصر، نصر، حمد.
 - آشنایی با برخی از آموزه‌های اخلاقی و رفتاری از قرآن کریم یا درباره‌ی قرآن کریم، مانند آغاز کارها با نام خدا، شکر خدا، نیکی به والدین، خوب صحبت کردن، بهداشت و پاکیزگی، همکاری، دوستی و ...
 - آشنایی با برخی از صفات خدا از طریق آموزه‌های قرآنی مانند مهربانی، بخشندگی، توانایی، و آشنایی با نعمت‌های عینی، ملموس و قابل فهم (آب باران، میوه‌ها، حیوانات و ...).
 - آشنایی با آموزه‌های قرآنی از طریق حفظ اشعار و سروده‌های قرآنی.
 - بیان احادیث از معصومین (ع) و سخنان بزرگان درباره‌ی قرآن کریم، درباره‌ی علاقه به قرآن، احترام به قرآن، آداب ارتباط با قرآن و ... به‌طور کلی، عبارات باید کوتاه (حدود ۵ کلمه)، از نظر تلفظ ساده و برای کودک قابل فهم باشند.
 - آشنایی با داستان‌هایی از قرآن، مانند حضرت نوح (ع)، اصحاب فیل، حضرت سلیمان و مهربانی او با حیوانات، زندگی مورچگان، زنبور عسل و ...
 - آشنایی با داستان‌هایی درباره‌ی قرآن کریم با موضوعات احترام به قرآن، اهمیت انس با قرآن، آداب و مقدمات ارتباط با قرآن.
 - خواندن از طریق کلی خوانی (شکل خوانی) عبارات، آیات و سوره‌های کوتاه، ساده و منتخب (برحسب ضرورت).
- البته لازم نیست تمام این موارد در یک فعالیت گنجانده شود. بلکه انتظار می‌رود در مجموعه‌ای از تولیدات مربوط به انس با قرآن کریم مورد ملاحظه قرار گیرند.

مرحله چهارم: طراحی و تولید فعالیت‌های یاددهی - یادگیری

در این مرحله هرگونه تولید محتوا باید براساس چارچوب انتظارات مرحله‌ی سوم و در قالب فعالیت‌های یاددهی - یادگیری دوره‌ی پیش دبستانی انجام پذیرد؛ فعالیت‌هایی مانند قصه‌خوانی، شعرخوانی، بازی، گردش علمی، نقاشی، بحث و گفت‌وگو، ساختن کاردستی و مشاهده. بدیهی است این فعالیت‌ها باید مطابق با معیارهای مربوط به هر فعالیت (مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی دوره‌ی پیش دبستانی) طراحی و تولید شود. در غیر این صورت فعالیت قابل ارائه و اجرا نخواهد بود.

مرحله پنجم: بررسی و بازبینی فعالیت تولید شده

لازم است فعالیت تولید شده قبل از اجرا مورد بررسی و بازبینی قرار گیرد تا معایب احتمالی برطرف و محاسن آن تقویت شود. این بررسی‌ها براساس موارد زیر انجام می‌شوند:

- از منظر اصول حاکم بر برنامه‌ی انس با قرآن کریم؛
- از منظر چارچوب انتظارات (مندرج در مرحله‌ی سوم)؛
- از منظر برنامه‌ریزی و اجرا (در قالب فعالیت‌های یاددهی - یادگیری)؛
- دریافت نظرات اصلاحی و تأیید کارشناسان گروه پیش دبستانی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی.





از این شماره به علت تقاضای مربیان و خانواده‌ها برای آشنایی با کار دستی و فعالیت‌های دست‌ورزی کودکان، به معرفی اهداف و فرایندهای کارهای دستی کودکان می‌پردازیم که امید است مورد توجه قرار گیرد.

گردن‌بند، دست‌بند و آویز بسازیم

برای گروه سنی ۳ سال به بالا

الهام وفایی نژاد
کارشناس ارشد و مدرس دانشگاه علمی - کاربردی

وسایل لازم:

- قیچی
- مقوا
- سوزن پلاستیکی کلفت
- اشیایی به منظور رد کردن از نخ (مثل دکمه، شانه‌ی تخم‌مرغ، فویل، تکه‌های کاغذ رنگی، نی، قرقره و ...)

اهداف:

- دست‌ورزی و خلاقیت
- ردیف کردن و جور کردن
- هماهنگی چشم و دست
- بالا بردن قدرت تولید کار هنری

طرز ساخت

۱. تکه‌هایی از کاموا را در رنگ دلخواه و به چند اندازه‌ی طولی ببرید.
۲. تکه‌ای از کاموا را از سوراخ یک سوزن پلاستیکی کلفت رد کنید.
۳. انتهای کاموا را که از سوزن رد کرده‌اید، گره بزنید. می‌توانید بعد از رد کردن شیء مورد علاقه از کاموا، یک گره هم ایجاد کنید تا به شکل یک مانع دربیاید.
۴. اشیاء را به طور تصادفی با به صورت الگوی طراحی شده، از نخ رد کنید.
۵. می‌توانید به کمک کودکان گردن‌بند، دست‌بند، کمربند یا آویز زیبا بسازید. اگر از کاموای بلندتری استفاده کنید، می‌توانید از آن گردن‌بند بلند، یا آویز برای پنجره، دیوار و یا راه عبور درست کنید.

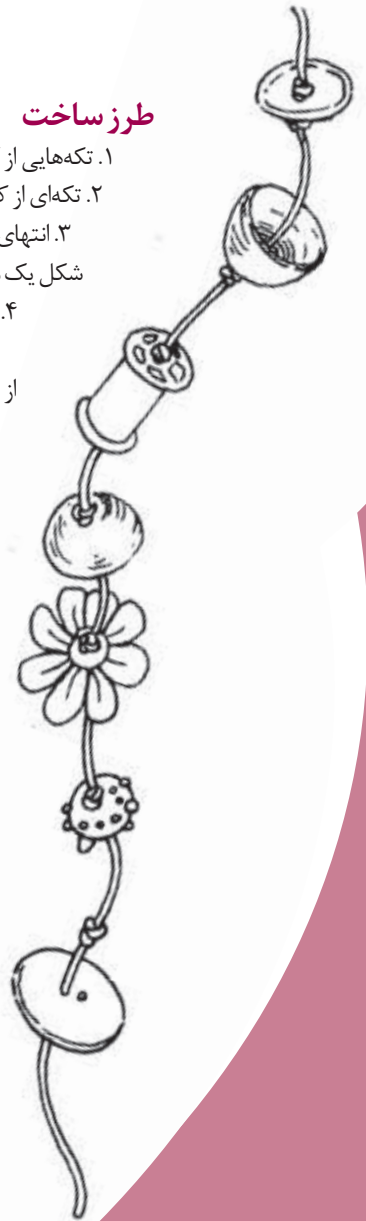
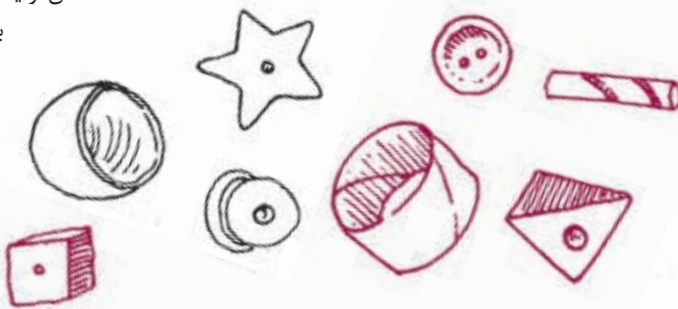
راه‌های دیگر فعالیت

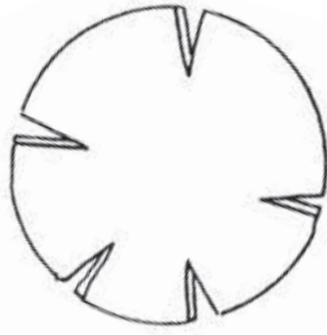
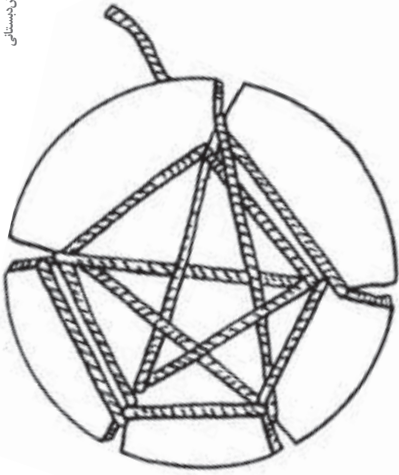
- می‌توانید طرح یا نوع خاصی از اشیاء را در پروژه‌ی خود بگنجانید؛ مانند دانه‌های تسبیح، مهره‌هایی از جواهرات قدیمی (مصنوعی)، گلوله‌های فویل یا کاغذ رنگی، تکه‌های حصیر؛ شکل‌های گل و کاغذ کشی و یا کاغذهای دیگر و قطعات اسباب‌بازی و انواع پازل.

نکته

- به خاطر داشته باشید، هنرمندان خردسال در نخ کردن و گذراندن اشیاء از کاموا و استفاده از سوزن و گره زدن انتهای کاموا به کمک نیاز دارند.
- چنان‌چه کودکان در رد کردن اشیاء با استفاده از سوزن پلاستیکی به زحمت بیفتند، می‌توان ابتدا با استفاده از سوراخ‌کن، مداد نوک تیز، یا نوک قیچی، سوراخ‌هایی در شیء مورد نظر ایجاد کنید تا رد کردن آن از کاموا برایشان ساده باشد.

- کودکان از این بازی و کار دستی که نتیجه‌ی آن تولید وسیله‌ای تازه و جدید است، بی‌نهایت لذت می‌برند و دوست دارند حاصل کار خود را به خانه ببرند





دایره‌ی بافت

برای گروه سنی ۴ سال به بالا همراه با کمک

هدف

- دست‌ورزی و خلاقیت
- تقویت ماهیچه‌های کوچک و

ظریف

- شناخت رنگ‌ها و شکل‌ها

به کمک این بازی می‌توانید کودکان را با لذت پژوهش و جست‌وجوگری از طریق کارهای دستی آشنا کنید. این کار دستی که با وسایل در دسترس ساخته می‌شود، خلاقیت کودکان را به نحو چشم‌گیری شکل می‌دهد.

وسایل لازم

- قیچی
- کاموا، در رنگ‌های گوناگون
- کاغذ مقوایی یا جعبه شیرینی
- چسب نواری

طرز ساخت

۱. مقوا (یا جعبه‌ی مقوایی شیرینی) را به شکل دایره‌هایی به اندازه‌ی دلخواه برش دهید.
۲. کاموا را در رنگ دلخواه بسته به قطره دایره‌ها به تکه‌های یک‌اندازه ببرید.
۳. با قیچی چهار یا پنج شکاف یا برش به شکل "۷" در اطراف هر دایره ایجاد کنید
۴. به همراه کودکان، کاموای رنگی را دور دایره‌ها و لابه‌لای شکاف‌ها بچرخانید. با چرخش‌های متفاوت می‌توان طرح‌های زیبا و خلاقانه ایجاد کرد. انتهای کاموا را پشت صفحه‌ی دایره‌ای با نوار چسب محکم کنید.

راه‌های دیگر فعالیت

- می‌توانید شکل‌های دیگری مانند درخت، مربع، قلب و یا هر شکل دلخواه دیگری را با استفاده از مقوا و به کمک کودکان ببرید.
- از نخ‌های خیاطی و یا نخ‌های با ضخامت متفاوت و دل‌خواه دیگر نیز می‌توانید استفاده کنید.

نکته

- برای آن که دایره برای دست کودکان، این هنرمندان کوچک، قابل کنترل باشد، باید حدود ۱۲ سانتی‌متر قطر داشته باشد.
- برای استفاده‌ی آسان از کاموا و پیش‌گیری از گره‌خوردن آن، برای هر کودک گلوله‌های کاموا را در یک لیوان دردار قرار دهید. سوراخی روی در لیوان ایجاد کنید و نخ را از درون آن عبور دهید.



مدیریت و برنامهریزی در پیش دبستانی پویا

مرتضی مجدفر

اشاره

مجله‌ی «رشد آموزش پیش دبستانی» را به غیر از مربیان، مدیران و معاونان واحدهای پیش دبستانی، کارشناسان آموزش و پرورش و دانشجویان هم می‌خوانند. از این شماره، بخشی را در مجله گشوده‌ایم که مباحث مرتبط با مدیران واحدهای پیش دبستانی را به صورت مطالعه‌ی موردی بیان خواهد کرد.

به این منظور، مؤلف این سلسله مطالب که از اعضای شورای مجله هستند، مطالب را از زبان یک راوی که مدیر موفق یک واحد پیش دبستانی فرضی است، بیان می‌کند. در هر شماره، دو مسئله از قضایای رخ داده در واحدهای پیش دبستانی مورد بررسی قرار می‌گیرد که از این شماره، استثنائاً به دلیل معرفی راوی، یک قضیه مطرح شده است.

شد. در آن زمان، این آموزشگاه، علی‌رغم ساختمان، فضا و امکانات نسبتاً خوبی که داشت، در سه سال گذشته، دو مدیر عوض کرده بود و از لحاظ ارتباطات انسانی بین کارکنان و امور اجرایی-اداری، وضع کودکان بسیار متشنج و پرچالش بود.

خانم نیک‌پرور، از آن زمان که مدیر واحد پیش دبستانی پویا شد، تاکنون که به آخرین سال خدمت خود رسیده، کماکان مدیر همان جا باقی مانده است. این، البته شاید رکوردی بی‌نظیر در تثبیت مدیران هم باشد. او به سبب تحصیلات و آموزش‌های خوبی که دیده بود و نیز به دلیل مداومتش در یادگیری و کسب تجربه‌های دیگران، در تمامی ۲۱ سال گذشته مدیر بوده است.

البته آرامش موجود در خانواده‌ی وی، حمایت‌های همسرش و نیز در امان ماندنش از تغییر و تحولات مدیریتی در مناطق آموزش و پرورش که به دلایل گوناگون، مدیران را از ادامه‌ی کار باز می‌دارد و یا آن‌ها را به تعویض و جابه‌جا شدن مجبور می‌کند، از توفیق‌های

بسیار خوب، موفق به اخذ مدرک کارشناسی شد. پس از اتمام تحصیلات، با قرعه‌ی خوبی که آورد، توسط امور اداری، محل کارش در همان منطقه‌ای تعیین شد که پیش از آغاز تحصیلات دانشگاهی در آن‌جا کار می‌کرد. دوباره دو سال در پایه‌ی اول تدریس کرد.

در طول همین دو سال، او توانست در دوره‌ی آموزش ضمن خدمت ویژه‌ی ۱۲۰۰ ساعته‌ای که برای تربیت مربیان پیش دبستانی تشکیل شده بود، شرکت کند. درس‌های این دوره، تقریباً معادل آموزش‌های یک دوره در حد فوق دیپلم بود و اگر چه برای او به دلیل داشتن مدرک کارشناسی، از لحاظ اداری و استخدامی هیچ مزیتی نداشت، ولی عاملی شد تا شهریور ماه، در هنگامه‌ی انتخاب مدیران واحدهای پیش دبستانی منطقه و به دلیل شناختی که یکی از معاونان اداره از او داشت، در فهرست نامزدهای مدیریت قرار بگیرد. در آن هنگام، خانم نیک‌پرور ۹ سال سابقه‌ی خدمت داشت. او به سمت مدیر **مهدکودک و کودکستان پویا** منصوب

آشنایی با راوی

خانم **مریم نیک‌پرور**، امسال سی‌امین سال خدمت خود را در آموزش و پرورش پشت‌سر می‌گذارد. او وقتی وارد آموزش و پرورش شد، ۱۸ ساله بود و تحصیلاتش را صرفاً تا پایان دوره‌ی متوسطه، ادامه داده بود. دو سه سال اول خدمتش را با تدریس در یک دبستان سپری کرد. سپس معاون دبستان دیگری شد و درست همان موقع بود که در دوره‌ی کارشناسی مدیریت آموزشی یکی از دانشگاه‌ها پذیرفته شد. دو سال از تحصیلات دوره‌ی کارشناسی‌اش را با همان سمت معاونت دبستان طی کرد، ولی در دو سال آخر که درس‌های کمی زیاده‌تر و سنگین‌تر شده بود، مأموریت تحصیلی گرفت.

خانم نیک‌پرور، چون قصد داشت همیشه در خدمت آموزش و پرورش باقی بماند، در ازای مأموریت تعهد خدمت داد و چون در عرض این دو سال، هیچ کار و تدریسی برای او در نظر گرفته نشده بود، با فراغ‌بال هرچه تمام‌تر درس خواند و با نمرات

ریخته بود. در سه سال قبل از من، کودکستان دو مدیر عوض کرده بود و از لحاظ ارتباطات انسانی بین کارکنان و امور اجرایی-اداری، وضع کودکستان بسیار متشنج بود.

من چیزهایی از دوران تحصیل در دانشگاه را به یاد داشتم، بنابراین نمی خواستم مدیریتم صرفاً اداره کنندگی محض باشد. یعنی می توانستم مثلاً جلسهای با کارکنان آموزشگاه تشکیل بدهم، برایشان سخنرانی کنم، شرح وظایف مکتوب در اختیارشان

از سوی خودم، از خانم نیک پرور چه بودنش را قبول کنید، چه انکار- و سایر مدیران، مربیان، کارشناسان و استادان محترمی که مرا در تدوین این سلسله مطالب یاری می دهند و خواهند داد، تشکر می کنم.

اداره کننده، مدیر یا رهبر؟

سال ها پیش، وقتی در مقام مدیر وارد مهد کودک و کودکستان پویا شدم، جو سازمانی آموزشگاه بسیار متشنج و بهم

ویژه‌ای است که نصیبش شده است.

او اکنون مورد اعتماد و محل رجوع بسیاری از مدیران و مربیان آموزشگاه‌های پیش دبستانی است. اکنون همواره اداره‌ی آموزش و پرورش منطقه، استان و حتی وزارتخانه، از دانش و تجربه‌ی او بهره می گیرند. در تمامی این سال‌ها، او در سمینارها، نشست‌ها و دوره‌های فراوانی شرکت کرده و تجربه‌های جدیدتری را اندوخته است. حتی دو سال پیش توانست با هزینه‌ی شخصی در سمیناری که در یکی از کشورهای همسایه دربار‌ه‌ی پیش دبستانی تشکیل شده بود، شرکت کند. هم چنین همین سال قبل، در دوره‌ی آموزشی **ماریا مونتته سوری** که توسط گروهی از آموزشکاران مالزیایی در تهران برگزار شد، حضور پیدا کرد.

خانم نیک پرور سال آینده باز شسته خواهد شد. ممکن است بخواهد برای خودش آموزشگاهی تأسیس کند و یا امکان دارد واحدهای پیش دبستانی غیردولتی به سرعاش بیاند و با پرداخت حقوق و مزایای مناسب، از او در اداره‌ی آموزشگاه خود کمک بگیرند. ولی من در مقام فردی که سال‌هاست خانم نیک پرور را می شناسم، پیش دستی کرده‌ام و از او خواسته‌ام فرصتی در اختیارم بگذارد تا با کمک هم، تجربه‌های مدیریتی‌اش را مکتوب کنیم و وی، اگر چه به سختی، ولی بالاخره رضایت داده است این کار صورت بگیرد.

مباحث در قالب ترکیبی از بیان یک مطالعه‌ی موردی^۱، درج نظریه‌ها و آموزه‌های علمی و طرح پرسش‌هایی برای گفت‌وگو و تبادل نظر توسط خوانندگان ارائه خواهد شد. در مطالعه‌های موردی، تجربه‌های خانم نیک پرور اساس قرار خواهد گرفت و در درج نظریه‌ها و آموزه‌های علمی، از منابع فارسی و لاتین در دسترس، که در بخش منابع آن‌ها را معرفی می کنیم، بهره خواهیم برد. در واقع در کل، به شیوه‌ی روایی (اول شخص مفرد) و توسط خانم نیک پرور پیش خواهد رفت. امیدواریم این تجربه‌ها، از سوی دست‌اندرکاران واحدهای پیش دبستانی در سراسر کشور مورد استقبال قرار گیرد.



قرار دهم و به آن‌ها بگویم که دوست ندارم کسی در کارش مسامحه و سهل‌انگاری کند. احتمالاً دو مدیر قبلی این طور عمل کرده بودند که جو سازمانی کودکستان بیشتر به هم ریخته بود.

در صحبتی که با خانم پیروی، معاون آموزشگاه داشتیم، او حدس مرا تأیید کرد. البته او از این که هنوز با وی کار می‌کردم، متعجب بود. خانم پیروی گفت: «من فکر می‌کردم شما به محض شروع به کارتان، فرد دیگری را جای‌گزین من می‌کنید. من دو سال پیش همین جا مربی بودم. مدیر دو سال پیش از همان موقعی که شروع به کار کرد، همه‌اش در پی نشان دادن اقتدار خود بود. معاون وی هیچ‌کاره بود و همه‌ی تصمیمات توسط خودش گرفته می‌شد. او با همه چیز اداری برخورد می‌کرد و اصلاً کاری به این نداشت که دلیل غیبت و یا تأخیر مربی چیست. او دائماً در حال آزار و اذیت همکاران بود. روزی نبود که کسی از اتاق مدیر با چشمان اشک‌بار بیرون نیاید.

برعکس، مدیر سال قبل که من معاونش بودم، اجرا و انجام همه چیز را به من واگذار کرده بود. او هم اقتدار خودش را جور دیگری اعمال می‌کرد. مثلاً دیدن وی، به وقت گرفتن و هماهنگی‌های قبلی نیاز داشت. در حالی که همه فکر می‌کردند، او اختیارش را به من تفویض کرده است، عملاً این‌گونه نبود و دائماً از سوی وی بازخواست می‌شدم. همکاران چون مدیر را نمی‌دیدند، دائماً از او بدگویی می‌کردند و وجود اختلاف و تفرقه در سطح کودکستان مشهود بود.»

اعتماد به خانم پیروی نتیجه داد و با کمک او، به تدریج توانستم از نشستن صرف در دفترم و انتظار کشیدن برای وقوع مشکل یا مسئله‌ای دوری کنم. در واقع باید «مدیریت کردن»^۳ را تمرین می‌کردم.

به مرور با بررسی‌هایی که به عمل آوردم، متوجه شدم که روحیه‌ی کارکنان و مربیان کودکستان پویا و جو سازمانی آموزشگاهم به هم ریخته است. با کمک خانم پیروی

و گفت‌وگوهای جسته و گریخته‌ای که به سختی با همکاران انجام دادم، توانستم نشانه‌های احتمالی به هم‌ریختگی سازمانی را فهرست کنم. در بررسی‌هایم و با مروری بر مثال‌ها، خاطره‌های تلخ، درد دل‌ها و نظرات همکاران مدرسه، ۲۳ عامل را در به هم ریختن جو سازمانی مدرسه مؤثر دیدم و آن‌ها را به این شرح روی کاغذ آوردم:

- نبود روحیه‌ی همکاری در مدرسه؛
- تمارض کردن؛
- افزایش اضطراب بین همکاران؛
- کاهش روحیه‌ی ابتکار و خلاقیت؛
- تحریک همکاران و مجموعه؛
- نداشتن احساس مسئولیت؛
- بی‌تفاوتی در برابر مسائل و مشکلات دانش‌آموزان؛
- غیبت، تأخیر ورود و تعجیل خروج مکرر؛
- آمادگی نداشتن همکاران برای انجام کار در خارج از وقت رسمی؛
- زیرپا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی؛
- شیوع خستگی و کوفتگی بین همکاران؛

- کاهش احترام به مدیر؛
- بدگویی کردن از مدیر؛
- ایجاد اختلاف و تفرقه؛
- بدگویی کردن از جو مدرسه و مدیریت آن در خارج از مدرسه؛

● بی‌توجهی به مقررات و قوانین مدرسه؛

- بهانه‌جویی کردن؛
- ائتلاف وقت؛
- بی‌اعتنایی به کار در نبود مدیر؛
- کاهش کارایی معلم در کلاس
- خود را جدا از مجموعه‌ی مدرسه دانستن؛

- برخورد نامناسب با اولیا؛
- بی‌علاقگی به کار و مدرسه.

به تدریج و با جو مثبتی که در آموزشگاه ایجاد کرده بودم، زمینه‌های جلب همکاری کارکنان و مربیان را فراهم می‌کردم. آن‌ها که دل‌پر خونی از افراط و تفریط دوسال گذشته

داشتند، به مرور احساس راحتی می‌کردند. هرچند کار بسیار سخت و زمان‌بری بود، ولی فکر می‌کردم در حال فراهم کردن زمینه‌های حرکت به طرف «رهبری آموزشی»^۴ هستم. دو سه ماهی از شروع سال تحصیلی گذشته بود. به تدریج نگاه‌های شک‌آلود و پلیسی همکارانم در حال از بین رفتن بود. برخلاف روزهای اول که همه در دفتر ساکت می‌نشستند و بیشتر در گوشی حرف می‌زدند، در زنگ‌های تفریح جنب و جوشی را در جمع همکاران می‌دیدم.

براساس اطلاعات مندرج در تقویم، وسط‌های آذر ماه دوسه مناسب بسیار خجسته داشتیم. با هم‌فکری خانم پیروی، روز تشکیل جلسه‌ی شورای آموزشگاه را ۱۲ آذر تعیین کردیم. با بررسی پرونده‌های پرسنلی همکاران، متوجه شدم که دو نفر از آن‌ها جزو متولدین آذرماه هستند. برای این دو نفر و نیز یکی از مربیان، که همان روزها نامزدی فرزندش بود، بدون این که کسی تا روز جلسه از جزئیات کار خبردار شود، هدیه‌ای خریدم. با استفاده از یکی از کتاب‌های دوست‌داستانی دوران تحصیلم در دانشگاه، متنی را تهیه و آن را به تعداد همکارانم روی کاغذ ابروباد تکثیر کردم.

روز جلسه، ابتدا از شیرینی و سستی‌های کارم با همکاران کودکستان پویا صحبت کردم و بدون رودربایستی، ۲۳ عامل و چگونگی رسیدن به این عوامل را برای آن‌ها شرح دادم. البته گفتم که این‌ها مربوط به گذشته‌هاست و ما باید با هم در ساختن یک واحد آموزشی موفق بکوشیم. سپس از تعهدات دوطرفه‌ی مدیر و کارکنان به یکدیگر حرف زدم و گفتم: «همیشه در آموزشگاه‌ها، مدیران از همکارانشان می‌خواهند که چنین و چنان کنند. همواره به آن‌ها قوانین و مقررات را یادآور می‌شوند و اجرای آن‌ها را در خواست می‌کنند. مدیران دائم در حال دادن تذکرات اجرائی به همکاران خود هستند و به نوعی به روبات‌های دستوردهنده‌ی «بکن- نکن» تبدیل می‌شوند. البته شاید بعضی‌ها بگویند تا حدی توسل به این شیوه‌ها لازم باشد. من





مجدفر، مرتضی (۱۳۸۸). مدرسه و کیفیت‌گرایی در روابط انسانی. مدرسه. تهران.

۲. administer

۳. manage

۴. educational leadership

۵. وایلز، کمبل (۱۳۷۸). مدیریت و رهبری آموزشی. ترجمه‌ی محمدعلی طوسی. مرکز آموزش مدیریت دولتی. تهران.

هم مخالفتی ندارم، ولی با شیوه‌ی اجرای آن مشکل دارم. من معتقدم تعهدات باید دوطرفه باشد. اگر مدیر از همکارانش خواسته‌هایی دارد، در مقابل باید به آن‌ها تعهداتی هم بدهد».

بعد از این که قدری در این باره صحبت کردم، برگه‌هایی را که از قبل آماده کرده بودیم، بین آن‌ها توزیع کردم. روی برگه‌ها چنین نوشته شده بود:^۵

با خود عهد می‌کنم:

۱. با برخورد‌های مناسب و درست، محیط کارم را به محیطی صمیمی تبدیل کنم.
۲. با هر کس، مطابق با روحیه‌ی او برخورد کنم.
۳. از قضاوت بدون تحقیق، بررسی و اطمینان دوری کنم.
۴. برای همکارانم ارزش قائل شوم و شأن و شخصیت آن‌ها را محفوظ نگه دارم.
۵. همکارانم را در امور آموزش و پرورش و تصمیم‌گیری‌هایی که در این زمینه دارم، مشارکت دهم.
۶. از هر گونه برخورد خشن که با ظرافت‌های کار تعلیم و تربیت سازگاری ندارد، دوری کنم.
۷. خودم را از هر گونه خودمحوری و خودبینی دورنگه دارم.
۸. کار معلمانم را مکمل کار خود بدانم و برای کار آنان ارزش قائل شوم.
۹. به همه‌ی کارکنان مدرسه، رفتاری از روی عدل و انصاف داشته باشم.
۱۰. قدر زحمات و خدمات معلمان و کارکنان خودم را بدانم.
۱۱. محیطی فراهم کنم که همه به آن احساس تعلق و وابستگی کنند و جو مدرسه برای آنان دلچسب باشد.
۱۲. بدون اظهار نظر، مشارکت و موافقت همکارانم، هیچ تصمیمی نگیرم؛ مخصوصاً تصمیماتی که به معلم، درس و دانش‌آموزان مربوط می‌شوند.

پرسش‌هایی برای بحث، گفت‌وگو و تبادل نظر

۱. از سوی خانم پیروی، معاون کودکستان، چند ویژگی سازمانی آموزشگاه پویا در دو سال گذشته بیان می‌شود. جو سازمانی آموزشگاه مورد بحث را قبل از آمدن مدیر، با فرضیاتی که ارائه می‌دهید و در متن خاطرات خانم نیک‌پرور ذکر نشده است، با جو بعد از آمدن وی مقایسه کنید.
۲. بیست و سه عامل تأثیرگذار در جو سازمانی را باری دیگر ملاحظه و از دید خودتان، آن‌ها را از ۱ تا ۲۳ اولویت‌بندی کنید.
۳. به نظر شما به غیر از چند کار ساده‌ای که در خاطرات خانم نیک‌پرور ذکر شده است، چه عوامل دیگری در سوق داده شدن او از مدیریت کردن به شکل اداری به سوی رهبری آموزشی مؤثر بوده است؟ (به کارهایی که می‌تواند در کمتر از سه ماه توسط یک مدیر موفق مورد توجه قرار بگیرد و تأثیرگذار باشد، اشاره کنید).
۴. دوازده بند عهدنامه‌ی خانم نیک‌پرور را دوباره بخوانید و درباره‌ی آن‌ها بحث کنید و روش‌هایی را که می‌توان هر یک از این دوازده بند را در آموزشگاه پویا به اجرا درآورد، بیان کنید.

در حالی که همکارانم برگه‌ها را مطالعه می‌کردند و یکی از نیروهای خدماتی آموزشگاه در حال تعارف چای و شیرینی به همکاران بود، خانم پیروی هدیه‌های آن سه نفر را روی میز قرار داد و من با توضیح مختصری، آن‌ها را به همکارانم تحویل دادم.

جلسه به خوبی پایان پذیرفت. فکر می‌کنم از آن روز شرایطی فراهم شد تا بتوانم به تدریج از مدیر بودن که مدیریت کردن بر ظاهر سازمان است، به سوی رهبری آموزشی که مدیریت کردن بر قلب‌ها و عواطف کارکنان است، حرکت کنم.

پی‌نوشت

۱. برای آشنایی بیشتر با مطالعه‌ی موردی با CASE STUDY مراجعه کنید به:

کودک و عشق به نقاشی

ناهید دومان بیگلو

مدرس نقاشی و کارشناس زبان و مدرس زبان

روی کاغذهایی، نام مکان‌هایی را نوشته‌ام: جنگل، ساحل دریا، شهر بازی، کوهستان، شهر خیالی، پارک، باغ وحش و بازار. کاغذها را دور تا دور سالن روی دیوارها و با فاصله می‌چسبانیم. به هر یک از بچه‌ها یک دفتر نقاشی و تعدادی مداد رنگی می‌دهم. حالا همه چیز آماده است. بچه‌ها خیلی کنجکاوند که این بازی - نقاشی چگونه است. آن‌ها به خوبی آموخته‌اند که هر بازی قوانینی دارد و محدودیت‌هایی و آزادی‌هایی، و بی‌صبرانه منتظر شنیدن آن‌ها و شروع بازی‌اند.

توضیحات را آغاز می‌کنیم: «خب بچه‌ها امروز قطار بازی داریم! (لبخند روی لب بچه‌ها می‌نشیند، چون آن‌ها دويدن، فعالیت‌های جسمی و سروصدا کردن را دوست دارند!) من راننده‌ی قطارم و شما

در یکی از روزهای زیبای زمستانی وارد مرکز پیش‌دبستانی می‌شوم و پس از انجام مراسم گرم و صمیمانه‌ی سلام و احوال‌پرسی، و چه کردید و چه می‌کنید با جمع با محبت و پرشور بچه‌های مرکز، به آماده‌سازی صحنه‌ی نقاشی می‌پردازیم. این جلسه یک بازی - نقاشی نو و خلاقانه داریم؛ مبحثی که بچه‌ها به شدت دوست دارند و از آن استقبال می‌کنند. هر وقت که یک بازی - نقاشی جدید خلق می‌کنم، خودم هم خیلی به ذوق می‌آیم و برای اجرای آن ناشکیبا و هیجان‌زده‌ام. مدت‌هاست با بچه‌ها مباحث طراحی - نقاشی را کار کرده‌ام و این بازی - نقاشی در واقع جلسه‌ی پایانی یک ترم تلاش است تا درایم، بچه‌ها چه قدر و با چه کیفیتی آموخته و دریاد دارند و صد البته که اهداف دیگری هم وجود دارند.



ساعت اجرای نقش راننده قطار، در حالی که همه‌ی بچه‌ها در ایستگاه‌ها پیاده شده، نقاشی کشیده و دوباره سوار شده‌اند، دیگر نای سرپا ایستادن ندارم و صدایم بر اثر «هوهوچی چی» گفتن کاملاً گرفته است! بچه‌ها مایل‌اند هم‌چنان بازی کنند، اما به خوبی نیز می‌دانند که هر بازی بالاخره پایانی دارد. پس در نهایت، با خوشحالی از انجام یک بازی جدید و هیجان‌انگیز و قول گرفتن برای تکرار آن، به اتمام آن رضایت می‌دهند.

و من صمیمانه شکرگزار خدای مهربانم، چرا که به لطف او، به تمام اهدافی که این بازی - نقاشی را بر اساس آن‌ها طراحی کرده‌ام، دست یافته‌ام: داشتن ساعاتی شاد و پرشور، یادگیری و اجرای یک بازی - نقاشی جدید و موفق در قالب یک کارگروهی زیبا، یادگیری قوانین بازی و رعایت کامل و مؤثر آن‌ها، تکرار و تأکید بر جملات مؤدبانه به عنوان یک ارزش (برای بچه‌هایی که گاه از فقر فرهنگی رنج می‌برند)، و در نهایت خلق نقاشی‌هایی که بازتاب توانایی‌ها و درجات یادگیری آن‌ها محسوب می‌شوند و به برون‌فکنی علاقه‌ها، آرزوها و رویاهای آن‌ها کمک کرده‌اند.

به نقاشی‌ها می‌نگرم و ناخودآگاه لبخند می‌زنم. اوج زیبایی و هنر کودکانه را در تک‌تک آن‌ها می‌یابم. نقاشی‌هایی که آن بچه‌های نازنین با تمام عشق، شور، هنر و صداقت خود خلق کرده و با رنگ‌هایی زیبا آدین بسته‌اند ...

مسافران آن. در مسیر حرکت این قطار، ایستگاه‌هایی وجود دارند که نام آن‌ها روی کاغذهایی که روی دیوارها چسبانده‌ایم، نوشته شده است. قطار با صدای هوهوچی چی شروع به حرکت می‌کند و شما مسافران آن، نقش واگن‌های به هم پیوسته‌ی قطار را بازی می‌کنید. قطار چند بار در مسیر خود دور می‌زند تا شما با دقت ایستگاه‌ها را شناسایی کنید. هر یک از شما باید در ایستگاهی پیاده شود. پیش از رسیدن به آن ایستگاه، با تقلید صدای یک پرند پیاده شدن خود را به اطلاع راننده قطار برسانید! (بچه‌ها می‌خندند! در واقع با هم خندیم! این ایده را حسابی پسندیده‌اند و به نظرشان بامزه می‌رسد!) من هم قطار را در آن ایستگاه نگه می‌دارم و شما می‌توانید پیاده شوید.»

ادامه می‌دهم: «اگر در ایستگاه جنگل پیاده شوید، باید نقاشی جنگل را بکشید و رنگ بزنید. اگر در ایستگاه شهر خیالی پیاده شدید، باید نقاشی شهر خیالی و رویایی خود را بکشید و همین‌طور تا آخر. قطار هم‌چنان به حرکت ادامه می‌دهد و وقتی نقاشی شما تمام شد، می‌باید با گفتن یک جمله‌ی مؤدبانه، درخواست کنید که دوباره سوار قطار شوید. در واقع بلیت سوار شدن به قطار، گفتن آن جمله‌ی مؤدبانه است.»

بچه‌ها که با لبخند و علاقه، به تمام توضیحات گوش داده‌اند، حال بی‌صبرانه منتظر شروع بازی - نقاشی‌اند. تخمین زده‌ام که بازی یک ساعت طول خواهد کشید، ولی زهی خیال باطل! با بیش از دو



اشاره

کودکان به دلایل گوناگون و در همه‌ی جوامع، ممکن است جدایی و دوری ناخواسته‌ی والدین خود را تجربه کنند. قبل از خواندن مقاله به این سؤالات توجه کنید:

- جدایی والدین در سنین پایین، چه تأثیرات مهمی بر کودک دارد؟

- اثرات منفی جدایی والدین، از بعد تحصیلی، رفتاری و ارتباطی کدامند؟

- آیا جدایی والدین اثرات مثبتی هم بر کودکان می‌گذارد؟
- چگونه می‌توان در هنگام شکل‌گیری این رخداد، تغییرات خلقی کودکان را معنا کرد؟

جدایی و طلاق والدین امر بسیار مشکلی برای والدین و کودکان است. گاهی اوقات این جدایی کودکان را می‌ترساند و تأثیری ماندنی بر جای می‌گذارد. بسیار مهم است که والدین از تأثیرات طلاق روی کودکان خود آگاهی یابند. بسیاری از والدین می‌توانند در تعامل با یکدیگر، با دادن احساس امنیت روانی و احساسی به کودک خود، از این دام جلوگیری کنند.

● افسردگی و کناره‌گیری

زمانی که امر طلاق و جدایی والدین صورت می‌گیرد، برخی کودکان دچار افسردگی و گوشه‌گیری می‌شوند. این احساس افسردگی از آن‌جا می‌آید که کودک به خاطر طلاق والدین احساس امنیت خود را در خانه‌ای که زمانی هر دو والدین حضور داشتند، از دست می‌دهد. احساس افسردگی هم‌چنین به این دلیل ممکن است در کودک به وجود آید که والدین، کودک را مرکز تمامی بحث و جدل‌های خود قرار دهند. براساس مطالب سایت «Mediate.com»، دختران بیشتر از پسران قادر به در خود فرو بردن عصبانیت و احساسات جریحه‌دار شده و عجز خود هستند. این در خود فرو بردن احساسات در دختران، ممکن است به سردرد، دل‌درد و تغییراتی در الگوهای خواب و خوراک و حتی افسردگی بینجامد.

برخی از والدین ممکن است متوجه این نکته نباشند که چقدر کودکان خود را مرکز دعوایشان قرار می‌دهند. این موضوع گاهی می‌تواند به زبان‌های احساسی و روانی برای کودکانی که درگیر آن

هستند، منجر شود. احتمال مذکور زمانی قوت پیدا می‌کند که کودک احساس کند، در دعوای باید طرف یکی از والدین خود را بگیرد یا یکی را بر دیگری ترجیح دهد. لیکن طبق گزارش همین سایت اطلاعاتی^۱، بیشتر کودکانی که دچار افسردگی شدید هستند، قبل از امر طلاق و جدایی والدین خود، درگیر افسردگی بوده‌اند و به نوعی می‌توان گفت اختلافات والدین، فقط به افسردگی کودک وسعت بخشیده است. این موضوع هشدار برای والدین است تا در این زمان مراقب کودکان خود باشند و در صورتی که اثری از افسردگی یا کناره‌گیری در رفتارهای آن‌ها دیدند، به متخصص مراجعه کنند.

● عدم احساس امنیت

عدم احساس امنیت می‌تواند یکی از اثرات جدایی و طلاق والدین باشد. چنین احساسی از راه‌های گوناگون روی کودکان با گروه‌های سنی متفاوت تأثیر می‌گذارد. برای مثال، امکان دارد مشکل کودکی نوپا ناشی از اضطراب جدایی باشد. این امکان وجود دارد که کودک به شدت به یکی از والدین بچسبد و زمانی که او کودک را ترک کند، ناراحت شود.

به گفته‌ی محققان دانشگاه نیوهمپشایر در آمریکا، کودکان پیش‌دستانی از این‌که تنها گذاشته شوند یا ترک شوند، می‌ترسند. کودکان دبستانی نیز ممکن است به گونه‌های متفاوتی احساس عدم امنیت خود را نشان دهند. به عقیده‌ی برخی محققان، این کودکان مدرسه‌ای هستند که در زمان جدایی و طلاق والدین خود بیشترین تأثیر را می‌گیرند. کودکان مدرسه‌ای اغلب اوقات بر این باورند که جدایی پدر و مادر، تقصیر آن‌هاست و علت را در وجود خود یا رفتارهای خویش می‌بینند. این احساس عدم امنیت در آن‌ها ممکن است خود را به این شکل نشان بدهد که تقاضا کنند موقع خواب، چراغ اتاقشان روشن باشد. در صورتی که در شب‌های قبل، از والدین خود نخواسته بودند که چراغ را روشن بگذارند. به این ترتیب، دریافتی این چنین می‌توان داشت که کودک اطمینان به خود را از دست می‌دهد. نوعی ترس روانی پیدا می‌کند و امنیت روانی قبلی حاصل از بودن در کنار پدر و مادر و آرامش در زندگی آنان را از دست می‌دهد. به همین دلیل، آن‌ها ممکن است در تمامی اوقات به وجود یک بالش یا اسباب‌بازی در کنار خود احتیاج پیدا کنند.

بهاره ذوالفقاری

کارشناس ارشد آموزش و پرورش پیش دبستان



اثرات جدایی و طلاق والدین

کلید واژه‌ها: طلاق، افسردگی کودکان، والدین.

● اثرات مثبت

در زمان جدایی والدین، برخی تأثیرات مثبت هم ممکن است اتفاق بیفتد. براساس مطالب سایت Madiate.com، در این زمان تک سرپرست‌ها غالباً به کودکانشان نزدیک‌ترند تا والدینی که با هم هستند. تک سرپرست‌ها غالباً می‌کوشند زمان بیشتری را با کودکان خود بگذارند و ارزش بیشتری به زمان تعطیلات و تولد بچه‌ها می‌دهند.

● منابع

1. Livestrong.com
2. Madiate.com

● مشکلات در مدرسه

مطالب بیان شده در این سایت اطلاعاتی پیش گفته، بررسی‌ها نشان می‌دهد که دختران و پسران در زمان جدایی والدین خود به طور مساوی آسیب می‌بینند. لیکن، پسران بیشتر از دختران عصبانیت خود را بیرون می‌ریزند. این موضوع ممکن است دلیلی باشد بر این که چرا برخی پسران در مدرسه به کودکان دیگر مشت می‌زنند و درگیری‌ها و خشونت‌های کودکان را با نگاهی دیگر بنگریم.

به علاوه، برخی بچه‌ها که جدایی و طلاق والدین خود را تجربه کرده‌اند، با مسئولین مدرسه هم مشکل دارند. آن‌ها ممکن است در دروسی که زمانی خوب بودند، ضعیف عمل کنند. هم‌چنین ممکن است خود را از فعالیت‌های مدرسه کنار بکشند و روابطشان با دیگر دوستانشان تیره شود. تغییر در عملکرد تحصیلی، تغییر در رفتار با معلمان و مربیان و نیز تغییرات خلقی با کودکان دیگر، پیامد تغییر رویه در زندگی و پدر و مادرشان است.





ایران کشوری چند زبانه است. به این معنی که در درون مرزهای سیاسی آن، چندین گروه قومی-زبانی زندگی می‌کنند (آخوندی، ۱۳۸۵: ۱۷) از میان همه‌ی زبان‌ها و لهجه‌های ناحیه‌ای گوناگون، لهجه‌ی رسمی فارسی در آموزش و پرورش، رسانه‌های همگانی و ارتباطات اداری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز به عنوان زبان و لهجه‌ی میانجی همگانی به کار می‌رود. هم‌چنین، با توجه به اصل پانزدهم قانون اساسی ایران، در همه‌ی امور از جمله در زمینه‌ی تدوین کتب درسی، زبان و خط رسمی و مشترک ایران، زبان و خط فارسی تعیین شده است. همه‌ی دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی رسمی، باید متون درسی را به زبان فارسی مطالعه کنند (زندنی ۱۳۸۳: ۱۱۰)

از همین‌رو، سیاست نظام آموزشی در ایران، بر پایه‌ی زبان فارسی به عنوان زبان رسمی آموزش استوار است. این در حالی است که کودکان دو زبانه در کشور ما که درصد قابل توجهی از کل دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهند، به محض ورود به مدرسه، خود را با زبان فارسی که زبان رسمی آموزش و پرورش است مواجه می‌بینند. در مدرسه، آن‌ها بدون توجه به این‌که تا چه حد با زبان فارسی آشنایی دارند، مجبور می‌شوند به زبان فارسی بخوانند، بنویسند و صحبت و یا حتی فکر کنند. در این میان، کودکان دبستانی به‌ویژه کودکان پایه‌ی اول ابتدایی، به لحاظ آموزشی آسیب‌پذیرترین قشرهای دوزبانه هستند. با توجه به اهمیت موضوع، باید برنامه‌های رسمی آموزشی، به‌ویژه برنامه‌ی آموزش پیش از دبستان، طوری طراحی و تنظیم شود که هر کودک ایرانی با زبان رسمی کشور، یعنی زبان فارسی آشنا شود. بر همین اساس، در مناطق دو زبانه برای آشنایی کودکان، پیش از ورود به دبستان باید دوره‌های آموزش خاصی ارائه شود و برای پر کردن خلأ آموزش کودکان، به‌ویژه کودکان دو زبانه، برنامه‌ی درسی تدوین

شود تا در راستای آن، کودکان مناطق غیرفارسی زبان، پیش از ورود به دبستان در فرایندی غیرمستقیم و به صورت علمی به فراگیری زبان رسمی کشور بپردازند و در نهایت با آمادگی بیشتر وارد نظام آموزشی ابتدایی شوند.

در سال‌های اخیر، در نظام آموزش و پرورش، با ارائه‌ی کلاس‌های یک ماهه‌ی گویش برای دانش‌آموزان دوزبانه، حدوداً یک ماه قبل از آغاز فرایند رسمی تعلیم و تربیت در پایه‌ی اول ابتدایی، سعی در کم کردن و یا از میان برداشتن معضلات ناشی از پدیده‌ی دوزبانه بودن شده است. کانون اصلی فعالیت‌های آموزشی این دوره بر «برنامه‌ی زبان‌آموزی» متمرکز است و تأکید زیادی بر آموزش مهارت‌های شفاهی زبان فارسی دارد.

در این پژوهش میزان تأثیر دوره‌های آموزشی یک ماهه پیش از دبستان بر بهبود فراگیری دو مهارت خواندن و نوشتن که طی سه مرحله آزمون در درس املا و قرائت فارسی به دست آمده، بررسی شده است.

بررسی‌های انجام شده روی ۸۰ دانش‌آموز دختر و پسر شهرستان «فاروج» که دوره‌ی آمادگی یک ماهه را گذرانده بودند و هم‌چنین ۸۰ دانش‌آموز دختر و پسر دیگری که دوره‌ی مذکور را نگذرانده بودند، صورت گرفت. این ۱۶۰ دانش‌آموز به صورت خوشه‌ای از میان ۶۷۲ نفر دانش‌آموز دو زبانه‌ی ساکن در روستاهای اطراف فاروج انتخاب شدند.

با توجه به نتایج عددی به دست آمده و با در نظر گرفتن نمودارهای ۱ و ۲ چنین استنباط می‌شود که کودکان دو زبانه‌ای که دوره‌ی آمادگی نام‌برده را گذرانده بودند، نسبت به کودکان دو زبانه‌ای که این دوره را نگذرانده‌اند، در آزمون‌های املا و خواندن، از تفاوت معنی‌داری برخوردارند. این تفاوت در آزمون‌های سرعت و صحت خواندن که

بررسی میزان تأثیر دوره‌های آموزش زبان فارسی پیش از دبستان در بهبود فراگیری زبان فارسی دانش‌آموزان دو زبانه‌ی کرد-فارسی پایه‌ی اول ابتدایی



کلاس‌های یک ماهه اثر بخش است!

الهام ضیایی

کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی

کلید واژه‌ها: زبان فارسی، دوزبانگی، دوره‌ی آموزشی یک ماهه‌ی قبل از پایه‌ی اول.





در سال‌های اخیر، در نظام آموزش و پرورش، با ارائه‌ی کلاس‌های یک ماهه‌ی گویش برای دانش‌آموزان دوزبانه، حدوداً یک ماه قبل از آغاز فرایند رسمی تعلیم و تربیت در پایه‌ی اول ابتدایی، سعی در کم کردن و یا از میان برداشتن معضلات ناشی از پدیده‌ی دوزبانه بودن شده است

برای ارزیابی مهارت خواندن انجام شد، در مقایسه با آزمون‌های املا محسوس تر است. هم‌چنین، مشاهده می‌شود که دانش‌آموزان دوزبانه‌ی دختر دوره ندیده نسبت به دانش‌آموزان دو زبانه‌ی پسر دوره دیده در هر دو مهارت خواندن و نوشتن برتری‌هایی را نشان می‌دهند.

میانگین آزمون املا	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم
دختر (دوره دیده)	۱۷/۳۲	۱۸/۱۵	۱۸/۳۸
دختر (دوره ندیده)	۱۶/۶۵	۱۷/۱۵	۱۷/۳۰
پسر (دوره دیده)	۱۵/۸۸	۱۶/۴۸	۱۶/۵۰
پسر (دوره ندیده)	۱۵/۳۲	۱۵/۹۰	۰۶/۱۲

همان‌طور که مشاهده می‌شود، میانگین نمرات املا‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره دیده نسبت به دانش‌آموزان دختر و پسر دوره ندیده تفاوت‌های معنی‌داری را نشان می‌دهد. از مقایسه‌ی نمرات املا‌ی دانش‌آموزان دختر دوره دیده و دانش‌آموزان پسر دوره دیده نیز می‌توان دریافت که دختران نسبت به پسران پیشرفت‌های بهتری را نشان می‌دهند.



علاوه بر این طی سه مرحله، آزمون سرعت و صحت خواندن برای بررسی و ارزیابی مهارت خواندن به انجام رسید. در این آزمون میزان کلمات درست خوانده شده توسط دانش آموزان در واحد زمان (برحسب ثانیه) مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج حاصله حکایت از پیشرفت بیشتر دانش آموزان دوره دیده دارد.

همان طور که در نمودارهای ۱ و ۲ مشاهده می شود، دانش آموزان دختر و پسری که دوره ی آمادگی را گذرانده بودند، نسبت به آن هایی که این دوره را نگذرانده بودند، سرعت بیشتری در خواندن داشتند. از مشاهده ی نتایج حاصله از بررسی های این پژوهش می توان دریافت که مهارت های زبانی ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. این ارتباط و وابستگی را می توان به صورت نمودار ۳ نشان داد.

هم چنین با توجه به این که میانگین نمرات دختران در آزمون های به عمل آمده، پیشرفت های بهتری را نشان می دهد، می توان گفت: یادگیری گوش دادن و سخن گفتن به زبان فارسی پیش از شروع یادگیری مهارت های نوشتن و خواندن، پیشرفت بهتر دو مهارت اخیر را موجب می شود. اما مقایسه ی دختران و پسران نشان می دهد که دختران سریع تر زبان را فرا می گیرند و مشکلات و انحراف های زبانی کمتری دارند [مشکوه الدینی، ۱۳۷۹: ۱۲۰]. در نتیجه، دختران برای کسب مهارت نوشتن و نیز خواندن آمادگی بیشتر دارند.

پیشنهادها و رهنمودهای کاربردی

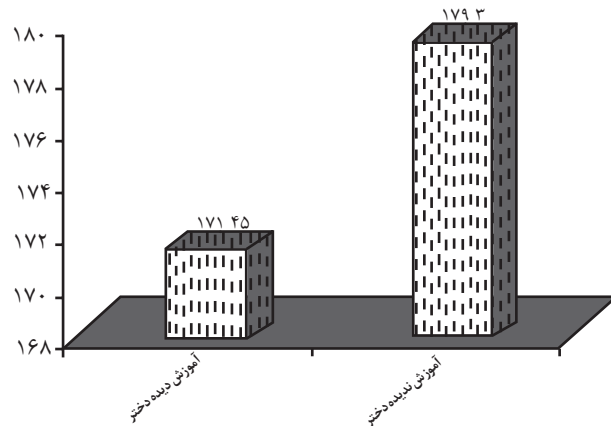
با توجه به این که موضوع دو زبانی به ویژه در آموزش و پرورش ابتدایی بسیار حائز اهمیت است، باید پژوهش ها و بررسی های دقیق تری راجع به آن صورت گیرد تا در جهت رفع مشکلات کودکان دو زبانه کمی مؤثر باشد. از جمله می توان به بررسی میزان تأثیر سطح سواد والدین و کنترل تکالیف شب کودکان مذکور در پیشرفت تحصیلی، بررسی میزان هوش، شرایط فرهنگی، نحوه ی تدریس معلمان و شیوه ی آموزشی بر پیشرفت تحصیلی آن ها پرداخت^۱.

پی نوشت

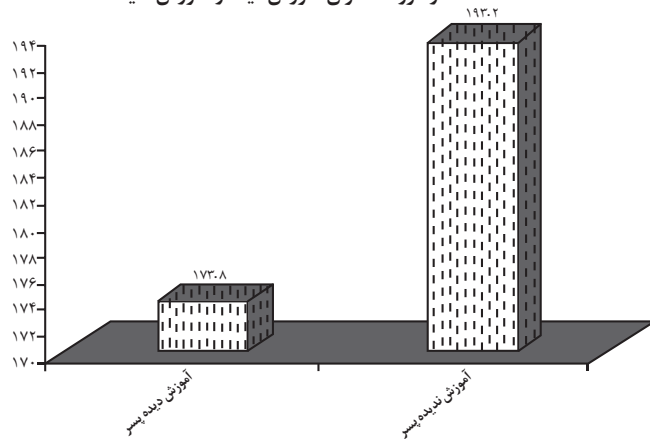
۱. این مقاله برگرفته از پایان نامه ی کارشناسی ارشد نگارنده در دانشگاه فردوسی مشهد است.

منابع

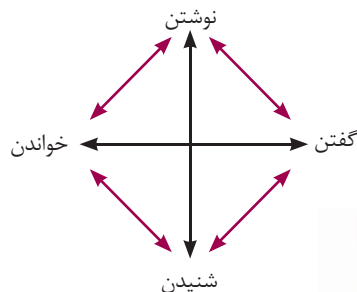
۱. آخوندی، عبدالحمید (۱۳۸۵). «شیوه های راهبردی در آموزش جمله سازی ساده ی زبان فارسی و سازه های آن به غیر فارسی زبانان».
۲. زندی، بهمن (۱۳۸۳). زبان فارسی. سمت. تهران.
۳. ناعمی، علی محمد (۱۳۸۵). روان شناسی آموزش مهارت های ارتباط زبان. آستان قدس رضوی، مشهد.



نمودار ۱. مقایسه ی سرعت خواندن دو گروه دختران آموزش دیده و آموزش ندیده



نمودار ۲. مقایسه سرعت خواندن دو گروه پسران آموزش دیده و آموزش ندیده



نمودار ۳. نحوه ی ارتباط مهارت های زبانی





راهنمای سازمان‌دهی فضاهای فیزیکی طراحی اتاق و تجهیزات

نویسندگان: جین لیدون و آن لنگستون
مترجمان: زهره دهقانی و دکتر فرخنده مفیدی
ناشر: جوانه رشد (تلفن: ۶۶۴۰۴۴۰۶)
تعداد صفحات: ۷۲ صفحه
سال انتشار: چاپ اول ۱۳۸۹
قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

ساختمان‌ها را می‌سازیم، آن‌گاه ساختمان‌ها ما را شکل می‌دهند. **مارگارت مک‌میلان**، پیشگام در تأسیس مهدهای کودک در انگلستان و **فردریک فروبل**، پدر کودکان در مریبزرگ آلمانی، فضاهایی تخیل‌پرور و تغییردهنده‌ی روح و روان را برای کودکان پیشنهاد می‌کردند. در این کتاب، ضمن پرداختن به نقش و اهمیت محیط و نیز مروری کوتاه بر محورهای

فضاها و محیط‌های آموزشی، یکی از بخش‌های زیربنایی فرایند یادگیری هستند و مربیان و کودکان در هر سنی تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. کودکان در هر فضایی که قرار می‌گیرند، با سبک معماری و فضاسازی آن نیز سازگار می‌شوند. به عبارت بهتر، فضای فیزیکی آموزشی و هر آن‌چه در آن هست، با افراد درونش رابطه برقرار می‌کند و در شکل‌دهی رفتار و پذیرش مقررات و یادگیری‌های آنان تأثیرگذار است.

ماریا مونته‌سوری، مربی بزرگ ایتالیایی، می‌گوید: «بزرگسالان به محیط زندگانی خود توجه دارند؛ می‌توانند آن را در نظر آورند و درباره‌ی آن دست به تفکر و تأمل بزنند. کودکان اما، به کلی مجذوب و مسحور محیط زندگی خود می‌شوند و آن را جذب و درون‌سازی می‌کنند. آن‌چه کودکان را جلب و جذب می‌کند، فقط به خاطرشان نمی‌ماند، بلکه از نظر روانی نیز تأثیر نیرومندی بر آنان می‌گذارد.»

وینستون چرچیل نیز اشاره دارد که ما

رشد کودک از تولد تا سه سالگی، به اهمیت و انواع بازی و سازمان‌دهی و چینش وسایل پرداخته شده است. سازمان‌دهی اتاق و تجهیزات همراه با معرفی سطوح فعالیت و مراکز یادگیری، بخش دیگری از مطالب کتاب هستند. کتاب حاوی عکس‌ها، تصاویر، جداول راهنما و طراحی‌هایی است که در روشن کردن و تکمیل مطالب سهم مؤثری دارند. در پایان نیز، با ارائه‌ی پیشنهاداتی برای طراحی فضا براساس مراکز رغبت و سطوح فعالیت، دست‌اندرکاران مراکز پیش‌دبستانی را به منظور شکل‌دهی محیط‌های امن، آرامش‌بخش و کم‌خطر برای کودکان خردسال راهنمایی کرده است. به همین دلیل، کتاب علاوه بر در دست‌رس قرار دادن نمونه‌های عملی برای هدف‌ها و کارهای آموزشی، می‌تواند برای دانشجویان، پژوهندگان و مربیان، در زمینه‌ی طراحی و ساخت این‌گونه فضاها و ابزارهای آموزشی الهام‌بخش باشد.



اشاره

پیدایش بازی به پیدایش انسان برمی گردد. بازی از همان ابتدا جزئی از زندگی انسان بوده و بی شک تا زمان مرگ او نیز ادامه خواهد داشت. در تقسیم بندی بازی ها شاید بتوان به سادگی آن ها را به دو دسته ی فکری و جسمی تقسیم کرد. وجه تمایز این دو نوع بازی، به کارگیری بُعد جسمی یا بعد ذهنی در جریان و روند بازی است. تحقیقات زیادی تأثیر بازی را بر حیطه های شناختی و عاطفی مورد تأکید قرار داده اند. در این میان، انواع متفاوتی از بازی های فکری که دقیقاً ذهن را درگیر می سازند، مورد توجه قرار گرفته اند و از آن جمله شطرنج، به عنوان یک بازی صددرصد فکری، اهمیت ویژه ای یافته است [پورپیرا، ۱۳۶۸].

می توان گفت زمانی که فرد با موقعیتی روبه رو می شود که باید با استفاده از اطلاعات و مهارت هایی که در اختیار دارد، به آن موقعیت سریعاً پاسخ دهد، با یک مسئله روبه روست. با توجه به تعریف مسئله می توان حل مسئله را به صورت تشخیص و کاربرد دانش ها و مهارت هایی تعریف کرد که به پاسخ درست یادگیرنده و یا رسیدن به هدف می انجامد. بنابراین عنصر اصلی حل مسئله کاربرست دانش و مهارت های آموخته شده در موقعیت های تازه است [سیف، ۱۳۷۸].

ملاحظه ی زندگی افراد در زمان های متفاوت، مؤید این نکته است که انسان برای ادامه ی بقا و سازگاری، ملزم به حل مسائل و مشکلات ریز و درشتی است که با آن ها مواجه می شود. لذا آموزش و افزایش این مهارت، به خصوص از همان سنین پیش

دبستانی، از اهمیت بیشتری برخوردار می شود. زیرا یادگیری این مهارت به کودکان فرصت می دهد تا بیاموزند در هر موقعیت مهارت ها و تجارب خود را به کار گیرند و زمینه ی کسب نگرش های مطلوب را برای حل مسائل آتی زندگی در اختیار آن ها قرار می دهد [امین رنجبر، ۱۳۸۰].

بر اساس نظریه ی «انتقال یادگیری»، افراد آموخته های قبلی خود را به موقعیت های جدید انتقال می دهند و کسب تجربه در یک مورد و انتقال آن به موارد مشابه، امری است که آدمی ناگزیر از مواجه شدن با آن است [ابراهی و همکاران، ۱۳۸۷]. انتقال یادگیری عبارت است از تعمیم ذهنی از یک موقعیت به یک موقعیت دیگر. مثلاً ممکن است این انتقال از بازی شطرنج به زمینه ی تحصیلی، تجاری و نظامی باشد [امین رنجبر، ۱۳۸۰].

در حال حاضر، برنامه های آموزشی بر آموزش حل مسئله تمرکز یافته اند. چرا که فراگیری این مهارت، یعنی حل مسئله، لازمه ی پرورش و تربیت افراد متفکر و مفید است. دستیابی به این هدف احتمالاً از طریق فراهم کردن فرصت هایی میسر است که یادگیرندگان بتوانند از خزانه ی رفتاری شان، یعنی دانش ها، مهارت ها و راهبردها، حداکثر استفاده را ببرند [گانیه، ۱۳۶۸]. بی شک، بازی چنین فرصتی را فراهم می کند.

مطالعاتی که در زمینه ی بازی و آموزش مهارت حل مسئله انجام شده، اخیراً بر نقش بازی شطرنج متمرکز شده است. زیرا این بازی مسائل متفاوت و جدیدی را که ممکن است فرد قبلاً با آن ها مواجه نشده باشد، در مقابلش

غفار کریمیان پور

کارشناس ارشد آموزش و پرورش پیش از دبستان



شطرنج، شیوه ای برای آموزش تفکر

بررسی تأثیر آموزش شطرنج بر رشد مهارت حل مسئله در کودکان ۵ تا ۷ ساله ی شهر تهران در سال ۱۳۸۸-۸۹

کلیدواژه ها:
مهارت حل مسئله،
کودکان پیش دبستانی،
آموزش شطرنج



این مطالعه در جستجوی آن بود که آیا دانش‌آموزان متوسط مدرسه که مهارت‌های عمومی حل مسئله را در یک حوزه یاد گرفته‌اند، می‌توانند آن‌ها را در حوزه‌های متفاوت به کار برند. تکلیف آموزشی شامل یادگیری بازی شطرنج و تکلیف انتقالی تکلیفی بود که به تجزیه و تحلیل ذهنی نیاز داشت. این مطالعه در دو بخش انجام شد. نتایج شبه تجربی تنها اثرات دستکاری را در مورد انتقالی نشان داد. نتایج کمی - توصیفی، اثرات رفتاری را در مورد همه‌ی متغیرها در میان دانش‌آموزان مستعد، اما تنها در تعدادی از موارد در مورد دانش‌آموزان با توانایی متوسط نشان داد. داده‌ها نشان می‌دهند که انتقال «حوزه‌ی درونی» تنها در صورتی می‌تواند به دست آید که آموزش، به منظور انتقال یک هدف آموزشی باشد و آن انتقال با آمادگی بیشتر و به حوزه‌ی بزرگ‌تری در میان دانش‌آموزان بالاتر از حد متوسط روی می‌دهد.

• در مطالعه‌ای که **والاس**^۲ (۱۹۶۶) تحت عنوان «شطرنج بزرگ‌ترین فعالیت حل مسئله‌ی دنیا» انجام داده، دریافت که شطرنج می‌تواند این موارد را به یادگیرندگان بیاموزد: تمرکز، طرح‌ریزی برای آینده، پیش‌بینی نتایج، رسیدن به هدف، استفاده‌ی بهینه از حافظه، داشتن عقل سلیم، توانایی کنترل متغیرهای بی‌شماری که با آن‌ها مواجه می‌شوند و نیز، تجزیه و تحلیل موقعیت‌های مختلف، داشتن روحیه‌ی خوب ورزشکاری، مهارت در کار با رایانه، داشتن دوستی‌های طولانی مدت و با دوام، استفاده از زبان بدن در ارتباطات، ارزش فهم تغییر نقطه‌نظر برای یافتن راحل‌ها، و این‌که فعالیت‌هایی که در سکوت انجام می‌شوند نیز حائز اهمیت هستند

قرار دهد؛ مسائلی که ممکن است به مسائل گوناگون زندگی انتقال یابند. با توجه به دامنه‌ی وسیع کاربرد حل مسئله در همه‌ی ابعاد زندگی انسان، آموزش شطرنج می‌تواند به عنوان یک روش برخورد و درگیر شدن با راهبردها و یافتن راه‌حل‌ها، برای آموزش مهارت حل مسئله و تعمیم آن به موقعیت‌های دیگر، به کار رود [رضایی، ۱۳۷۸].

با توجه به تأثیرات مفیدی که شطرنج برای بازیکنان فراهم می‌کند، گنجانیدن برنامه‌ی آموزش شطرنج در مدارس و مهدهای کودک، می‌تواند به کودکان در حیطه‌های متنوع رشدی، مخصوصاً مهارت حل مسئله، کمک کند. تحقیق حاضر در صدد بوده است که تأثیرگذار بودن بازی شطرنج را بر رشد مهارت حل مسئله در کودکان مورد بررسی قرار دهد.

پیشینه‌ی پژوهش در ایران و جهان

• پژوهشی توسط **فیلیپ رایفتر**^۱ تحت عنوان «بازی شطرنج: مطالعه‌ای در خصوص مهارت‌های حل مسئله در دانش‌آموزان، با بهره‌ی هوشی متوسط و بالاتر از آن طی سال‌های تحصیلی ۱۹۹۱-۱۹۹۲» انجام شد.



• دایانا هرگان^۳ (۲۰۰۰) تاکنون چند مطالعه را در خصوص استفاده از شطرنج به عنوان متغیری مستقل، هدایت کرده است. وی در مطالعه‌ای تحت عنوان «شطرنج به عنوان شیوه‌ای برای آموزش تفکر»، نمونه‌ای شامل ۲۴ کودک دوره‌ی ابتدایی (پایه‌های اول تا ششم) و ۳۵ دانش‌آموز سال‌های آخر دبیرستان را انتخاب کرد. نتیجه این بود که پایه‌ی تحصیلی و میزان مهارت آزمودنی‌ها در زمینه‌ی تفکر هم‌بستگی داشت (۴۸٪). هرگان مشاهده کرد که بازیکنان دوره‌ی ابتدایی نیز در میان بازیکنان رده بالاتر قرار گرفتند و نتیجه گرفت که کودکان می‌توانند اعمال شناختی پیچیده را به طور عالی و به خوبی اکثر بزرگسالان اجرا کنند. او به این نکته توجه دارد که کودکان کم‌سن‌تر می‌توانند در زمینه‌ی تفکر روشن آموزش ببینند و آموختن این مهارت‌ها در اوایل زندگی می‌تواند به طور وسیعی در پیشرفت هوشی بعدی آن‌ها مؤثر باشد.

در تحقیقی که کلون^۴ در سال ۲۰۰۱ تحت عنوان «تأثیر برنامه‌ی آموزش شطرنج بر استدلال انتزاعی و توانایی حل مسئله در کودکان دوره‌ی ابتدایی» انجام داد، نتایج افزایش معناداری را در نمرات هوش و توانایی حل مسئله نشان داد.

آنورتون^۵ در سال ۲۰۰۷ تحقیقی تحت عنوان «انتقال شناختی در بازی شطرنج» انجام داد که نتایج آن نشان داد، بازیکنان شطرنج هنگام روبه‌رو شدن با مسائل، طر حواره‌های بیشتری دارند و راه‌حل‌های معنی‌دارتری ارائه می‌دهند.

نیپولد^۶ در سال ۲۰۰۹ تحقیقی تحت عنوان «رابطه‌ی بین دانش کودکان از بازی شطرنج و افزایش واژگان لغوی این کودکان» انجام داد و رابطه‌ی معنی‌داری بین این دو متغیر یافت.

استیونس^۷ در سال ۲۰۰۹ تحقیقی تحت عنوان «حل مسئله‌ی اجتماعی و انعطاف‌پذیری شناختی هنگام حل مسئله» انجام داد که نتایج آن نشان می‌دهد، بین کودکان دختر و پسر در مهارت حل مسئله اجتماعی تفاوت معنی‌داری به نفع پسران وجود دارد. هم‌چنین، رابطه‌ی معنی‌داری بین افزایش سن و افزایش نمره‌ی مهارت حل مسئله وجود دارد.

تحقیقات داخلی

در زمینه‌ی حل مسئله و شطرنج و یا حوزه‌هایی که به شطرنج نزدیک باشند، مطالعه‌ای در داخل کشور انجام نشده است. بنابراین تنها به بعضی از مطالعاتی که در خصوص حل مسئله انجام شده‌اند، اشاره می‌کنیم.

نتایج پژوهشی که توسط فولادچنگ^۸ (۱۳۷۵) به منظور مطالعه‌ی «نقش‌پردازش فراشناختی در یادگیری

و

انتقال یادگیری حل مسئله»، روی ۱۲۰ دانش‌آموز دختر کلاس اول متوسطه در شیراز انجام شد، حاکی از آن است که آزمودنی‌ها به طور خود به خودی روی سطح فرایند متمرکز نمی‌شوند. به علاوه، پردازش فراشناختی یا «خویشتن‌نگری»، افزایش دهنده‌ی یادگیری و انتقال‌دهنده‌ی یادگیری در حل مسئله است. به عبارت بهتر، هنگام آموزش مهارت‌های حل مسئله باید بیشترین تأکید نظام آموزشی ما بر فرایند کسب دانش یادگیری چگونه یاد گرفتن باشد.

بهرام گیری^۹ (۱۳۸۰) تحقیقی تحت عنوان «تأثیر آموزش مهارت حل مسئله در بهبود مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان» انجام داد و به این نتیجه رسید که آموزش این مهارت به بهبود مهارت‌های اجتماعی کودکان منجر می‌شود.

رئیسسی^{۱۰} (۱۳۸۶) تحقیقی با عنوان «تأثیر بازی‌های رایانه‌ای بر رشد مهارت حل مسئله و هماهنگی دیداری-حرکتی» انجام داد که نتیجه‌ی آن نشان داد، کودکانی که بازی‌های رایانه‌ای انجام می‌دادند، نسبت به کودکانی که بازی‌های رایانه‌ای انجام نمی‌دادند، در آزمون حل مسئله عملکرد بهتری داشتند.

روش پژوهش

روش این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای بود و جامعه‌ی مورد مطالعه در این پژوهش تمامی دانش‌آموزان پنج تا هفت ساله با و بدون سابقه‌ی آموزش شطرنج شهر تهران بود. حجم نمونه در این پژوهش ۷۰ نفر بود که برای نمونه‌گیری، ابتدا از میان مدارس شطرنج، چهار مدرسه به عنوان نمونه انتخاب شدند. سپس از این چهار مدرسه، ۳۵ نفر به عنوان «گروه آزمایش» با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای انتخاب شدند. «گروه کنترل» نیز براساس سن، جنس و طبقه‌ی اجتماعی هم‌تاسازی و از مهدهای کودک نزدیک به مدارس شطرنج و در همان مناطق، انتخاب و در آزمونی شرکت داده شدند.

ابزار پژوهش

در این پژوهش برای سنجش مهارت حل مسئله از «خرده آزمون‌های غیر کلامی و کسلر پیش‌دبستانی» (شامل خانه، حیوانات، تکمیل تصاویر، مازها، طرح هندسی و طراحی با قطعات) استفاده شد.

روش اجرا

پس از کسب مجوز و هماهنگی با مدیران مدارس و مهدهای کودک، برای اجرای آزمون‌ها مراجعه شد و محقق آزمون‌ها را روی کودکان اجرا و

شاخص آماری گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه ی آزادی	سطح معنی داری
آزمایش	۳۵	۷۷/۲۲	۳/۹۰	۳/۹۰۳۸۹	۳۴	۰/۰۱
کنترل	۳۵	۶۹/۲۰۰	۳/۸۴			

جدول ۱. نتایج تحلیل آزمون t هم‌بسته برای مهارت حل مسئله

شاخص آماری گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه ی آزادی	سطح معنی داری
پسران	۳۴	۷۵/۳	۴.۵۳۸۶۰	۳/۷۵۴	۶۸	۰/۰۱
دختران	۳۶	۷۱/۴	۴.۱۰۹۱۳			

جدول ۲. آزمون t مستقل برای مقایسه‌ی مهارت حل مسئله در پسران و دختران

نمره‌گذاری کرد. اجرای هر آزمون برای کودک حداقل ۳۰ دقیقه به طول انجامید.

روش‌های آماری

در این پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک روش‌های آمار توصیفی انجام پذیرفت. همچنین، برای آزمون فرضیه‌های تحقیق و مشخص کردن معنادار بودن یا نبودن و تفاوت بین دو گروه، از آزمون معناداری t مستقل استفاده شد.

یافته‌ها

فرضیه اول: آموزش شطرنج بر رشد مهارت‌های حل مسئله‌ی کودکان تأثیر دارد.

همان‌گونه که در جدول شماره‌ی ۱ مشاهده می‌شود مقدار $t = 3/903$ و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۱ است. با توجه به این که سطح معنی‌داری

کمتر از ۰/۰۱ است، با ۹۹ درصد اطمینان فرض صفر رد و فرض محقق تأیید می‌شود که نشان می‌دهد، آموزش شطرنج بر رشد مهارت حل مسئله تأثیر دارد.

فرضیه دوم: بین پسران و دختران با سابقه‌ی آموزش شطرنج، در مهارت حل مسئله تفاوت وجود دارد.

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، مقدار $t = 3/754$ و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۱ است. با توجه به این که سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۱ است، با ۹۹ درصد اطمینان فرض صفر رد و فرض محقق تأیید می‌شود؛ یعنی بین دختران و پسران با سابقه‌ی آموزش شطرنج، در مهارت حل مسئله تفاوت وجود دارد.

□□□

با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت: شطرنج یک بازی است که در هر آرایش جدید صفحه‌ی آن، مسائل جدیدی مطرح می‌شوند که حل آن‌ها لازمه‌ی ادامه‌ی بازی و برای کودکان مفید است. بازیکن باید برای حل مسائل پیش رو با توجه به وضعیت مهره‌ها و حرکات مهره‌های حریف، در زمینه‌ی حرکت‌های بعدی خود فرضیه بسازد و در ادامه‌ی بازی آن‌ها را بیازماید. یعنی به نوعی مراحل حل مسئله را تکرار می‌کند که می‌تواند براساس نظریه‌ی انتقال یادگیری، به زندگی روزمره انتقال یابد. این نتایج می‌تواند تأکیدی بر گنجاندن برنامه‌ی آموزش شطرنج در مهدهای کودک به منظور رشد مهارت‌های حل مسئله و تمرکز کودکان باشد.

پی‌نوشت

- Philip Rifner
- wallace
- Diana Hogan
- Celone
- Atherton
- nippold
- Stevens

منابع

۱. اتکینسون، آر. ال و اتکینسون، آر. اس. **زمینه‌ی روان‌شناسی هیلگارد**. ترجمه‌ی محمد تقی پراهنی و همکاران. رشد. تهران.
۲. امین رنجبر، مهناز (۱۳۸۰). «بررسی تأثیر بازی شطرنج بر رشد مهارت حل مسئله دانشجویان». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء. تهران.
۳. کروگیوس، نیکلای (۱۳۸۶). **روان‌شناسی در شطرنج**. ترجمه‌ی صالحی مقدم و صرافیان. نشر فرزین. تهران.
۴. پورپیرار، ناصر (۱۳۶۸). **گام نخست در شطرنج**. نشر اطلس. تهران.
۵. رئیس، حمید (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر بازی‌های رایانه‌ای بر رشد مهارت حل مسئله‌ی کودکان پیش‌دبستانی». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه. تهران.
۶. **رشد آموزش پیش دبستان**. دی ماه ۱۳۸۷. پیش شماره‌ی دوم.
۷. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۷). **روان‌شناسی پرورشی نوین**. نشر دوران. تهران.
۸. گانیه، رابرت م (۱۳۳۸). **شرایط یادگیری**. ترجمه‌ی جعفر نجفی زند. ویرایش علی‌اکبر سیف. [بی‌نا]. تهران.
۹. مهجور، سیامک رضا (۱۳۷۶). **روان‌شناسی بازی**. نشر راهگشا. شیراز. چاپ پنجم.
۱۰. مهیاپور، اکبر (۱۳۷۷). «اثر رقابت بر انگیزه درونی و عملکرد حل مسئله در دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

اشاره

شاید در نگاه اول چنین به نظر بیاید که مراکز پیش دبستانی با شیوه‌های رایج آموزشی، فقط در شهرهای بزرگ فعال‌اند و یا سوگیری آموزشی و تربیتی آن‌ها همان‌هایی است که در شهرها به کار می‌رود و بقیه از آن الگو برمی‌دارند. البته ممکن است بخشی از کار مراکز پیش دبستانی در شهرهای کوچک و مناطق غیرشهری چنین باشد، اما حتماً باید بخشی را نیز مرهون توان، استعداد و برنامه‌های آن مراکز و عوامل مرتبط دانست. به عبارت دیگر، تهیه‌ی محتوای غیرمتمرکز و مناسب منطقه‌ی جغرافیایی و آزادی عمل نسبی عوامل آموزشی در این مراکز، باعث می‌شود تا ابداع و خلاقیتی در فعالیت‌های مربیان و کلاس‌های آن‌ها پدید آید. این محتوا با توجه به محیط زندگی، روحیات و نوع نگرش به آموزش پیش دبستانی و شیوه‌های متنوع آموزشی و اجرای محتوا، کیفیت‌های خاصی پیدا می‌کند.

یک مدرسه و دو شیوه



تنوع شیوه‌های آموزشی در دو کلاس پیش دبستانی یک مدرسه‌ی روستایی

گزارش: اصغر ندیری
عکس: رضا بهرامی



طی بازدیدی که از دو واحد پیش دبستانی در روستای «آزادمون» محمودآباد، از توابع آمل در استان مازنداران داشتیم، شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در کار و شیوه‌های این مراکز را از نزدیک مشاهده کردیم. دریافتیم که در روستاها و با حضور مربیان و آموزگاران باتجربه و نیز حضور پی‌گیر اولیای دانش‌آموزان، می‌توان به نحوی مناسب اهداف تربیتی و آموزشی مورد نظر این دوره را پیاده کرد.

این روستای سرسبز در یک مدرسه‌ی ابتدایی دوکلاسی پیش دبستانی، یکی برای دختران (نوبت صبح) و دیگری پسران (نوبت عصر) داشت. از آن‌جا که به روزهای پایانی سال تحصیلی در هر دو نوبت رسیده بودیم و رفت و آمدهای مادران به مدرسه زیاد شده بود، برای ما این سؤال مطرح می‌شد که: «خانواده‌ها در محیطی روستایی و دارای جنگل، دشت و شالیزار، چه نیازی دارند که کودکان خود را به پیش دبستان بفرستند؟» زمین‌های کشاورزی و رسیدگی به مزرعه یا دام‌ها، این امکان را می‌دهد که بچه‌ها دیگر نیازی به جایی برای سرگرمی یا وقت‌گذرانی نداشته باشند. اما به زودی جواب گرفتیم که: «زندگی امروز دیگر اتلاف زمان را برنمی‌تابد، هرچند که با کودک طرف باشیم. سن آموزشی در جهان پایین آمده و در حقیقت در شرایط جدید، به بازنگری و ایجاد دگرگونی در نگاه‌ها و شیوه‌ها نیاز است.»

در این بازدید، ابتدا با مربی نوبت صبح، خانم صفیه امام قلی‌زاده در دبستان «حضرت رقیه» به گفت‌وگو پرداختیم. او فوق‌دیپلم بهداشت مدارس است و با شیوه‌های رایج آموزشی در مراکز پیش دبستانی آشناست و از آن‌ها استفاده می‌کند. بهره بردن از سی‌دی‌های آموزشی برای تدریس واحدهای کار، و درست کردن شکل‌ها براساس واحد کار ارائه شده در کتاب و طبق مناسبتی که در آن ماه وجود دارد، قسمت اعظم زمان کلاس‌ها را به خود اختصاص می‌دهد.

واحد کار انجام می‌دهد. اما آن چه در نوبت بعد مدرسه دیدیم، تفاوت نسبی دو کلاس پیش‌دبستانی در یک مدرسه و در یک روستا را نشان می‌داد.

نوبت عصر

در نوبت عصر هم حضور مادران نمود داشت، ولی آن چه بیشتر به گوش می‌رسید، سر و صدای برنامه‌های شادی بود که یکی از آموزگاران پایه‌ی اول به مناسبت جشن پایان دوره در کلاس اجرا می‌کرد.

پیش از گفتن این ماجرا به کلاس پیش‌دبستانی نوبت عصر می‌رویم که خانم **تهمینه مظفری** مربی آن است. در این روش در معرفی نشانه‌ها اجرای شعرها و قصه‌ها از حرکات دست و سر استفاده می‌شود که به نوعی با تداعی مطالب گفته شده در پیش همراه است. هم‌چنین شکل و نام حروف در این حرکات نمایشی گفته می‌شود و در ذهن کودکان نقش از آن حک می‌شود.^۱

تفاوت‌ها

این جاست که ما متوجه تفاوت‌هایی می‌شویم که در یک مدرسه به چشم می‌خورد.

با توجه به وضعیت و ویژگی‌های جغرافیایی و تاریخی استان، دریا، ماهی و برنج به عنوان واحد کار پیش‌بینی شده است.»

حضور مادران

ما در مدرسه حضور مادران را پررنگ می‌دیدیم. آن‌ها در حال رفت و آمد به کلاس و مدرسه بودند. از این مربی در مورد حضور مادران در مدرسه و کنار فرزندانشان پرسیدیم. او گفت: «ما با مادرها برای هماهنگی بیشتر و درک متقابل از این دوره و کارهای پیش‌رو، جلسات ماهانه داریم. آن‌ها خصوصیات فرزندشان را از نزدیک می‌بینند و اگر مشکلاتی باشد، در دفع آن‌ها می‌کوشند. به این ترتیب استقبال از آموزش پیش‌دبستانی بیشتر می‌شود. من ۱۸ نوآموز دارم.

امروزه خانواده‌ها دوست دارند حتی در روستا، فرزند خود را به مرکز پیش‌دبستانی بفرستند. زیرا آثار خوب و موفق آن را می‌بینند. هم‌چنین با انجام فعالیت‌هایی نظیر نقاشی، دست‌ورزی و بازی با خمیر یا گل و زمزمه‌ی آیات الهی، برای رفتن به پایه‌ی اول دبستان آمادگی پیدا می‌کنند.»

این نمونه‌ای بود از فعالیت‌های یک مربی به سبک خودش و آن چه که در چارچوب

آشنایی با فضای آموزشگاه

خانم امام‌قلی‌زاده درباره‌ی ماه اول کار با بچه‌ها در آموزش پیش‌دبستانی می‌گوید: «طبق کتاب کاری که توسط اداره تهیه شده است، ماه اول را به آشنایی با فضای آموزشگاه می‌گذرانیم. ماه دوم در مورد خانواده و افراد آن است. بچه‌ها باید بدانند که خانواده اولین جامعه‌ای است که با آن سروکار دارند.»

انس با قرآن

از آن جا که آموزش قرآن کریم جایگاه خاصی در برنامه‌درسی پیش‌دبستانی دارد، مربی هم برای این فعالیت برنامه و دقت خاصی دارد. می‌گوید: «درس قرآن به صورتی ارائه می‌شود که باعث جذب کودکان و ایجاد علاقه در آن‌ها شود تا به مرور به صورت یک عادت نیکو، به قرآن کریم مراجعه کنند. سوره‌های کوتاه انتخاب می‌شوند. ابتدا مربی آن‌ها را می‌خواند و بعد از تکرار، بچه‌ها نیز هم‌خوانی می‌کنند. قصد مربی از آموزش قرآن، یاد گرفتن و خواندن از طریق شنیدن است. این آیات مفاهیمی هم‌چون آیات و نشانه‌های قدرت خداوند، اهمیت عبادت و نیکی به پدر و مادر و ... را بیان می‌کنند.

شعر، قصه و نمایش

این مربی درباره‌ی شیوه‌های آموزشی خود می‌گوید: «در این سن آموزش بچه‌ها با نقاشی، بازی و ورزش بهتر انجام می‌شود و علاقه‌ی آن‌ها را افزایش می‌دهد. به علاوه آمادگی آن‌ها هر روز سنجیده می‌شود. در ۱۵ دقیقه‌ی اول هر کلاس، با روش‌های نشاط‌انگیز نشانه‌ها را آموزش می‌دهیم. سپس با توجه به روحیه‌ی کلاس، فعالیت‌های بعدی با ورزش و بازی (معمولاً در حیاط مدرسه) انجام می‌شود.»

تعریف واحد کار

امام‌قلی‌زاده در تعریف واحد کار می‌گوید: «کتابی داریم که از طرف اداره منتشر شده است و در استان مازندران تدریس می‌شود.

برای هماهنگی بیش تر خانه و مدرسه، اولیا یا مادران در کنار فرزندان خود در جلسات ماهانه شرکت می‌کنند.





از مظفری می‌پرسیم: «آقای ناسوتی کیست و چه می‌کند؟»

او می‌گوید: «وی از آموزگاران باتجربه و با سابقه‌ی روستاست که سال آینده بازنشسته می‌شود. ایشان را هرازگاهی به کلاس دعوت می‌کنیم که با شیوه‌ی شاد و نمایشی و به صورت سؤال و جواب یا خواندن اشعار کودکانه و همراهی بچه‌ها، برنامه‌های آموزشی را اجرا می‌کنند. آقای ناسوتی سال‌هاست که در پایه‌ی اول با این شیوه تدریس کرده و به نتایج مثبتی رسیده است. حالا من و بسیاری دوستان با نحوه‌ی کار ایشان آشنا شده و تا حدودی آن را یاد گرفته‌ایم و در کلاس انجام می‌دهیم. طوری شده است که بچه‌ها حتی از فاصله‌ی دور و با حرکات دست و سر منظور مربی خود را می‌فهمند. این گونه است که دانش‌آموزان آمادگی خود را برای یادگیری الفبا در پایه‌ی اول بیشتر می‌کنند.»



بهداشت و جمع‌آوری زباله‌ها، روزی شاد را با هم می‌گذرانیم.»

در پایان

خانم مظفری می‌گوید: «در پایان دوره بچه‌ها نشانه‌ها، ویژگی‌های فصل‌ها، جانوران و محیط اطراف خود و مهارت‌های زندگی و دست‌ورزی را از راه بازی یاد می‌گیرند. حتی بستن دکمه‌ی لباس یا بند کفش را هم تمرین می‌کنیم تا به نوعی مهارت‌های عملی آن‌ها تقویت شود. چنین آموزش‌هایی باعث می‌شوند که آن‌ها با توان و آمادگی بالاتری به پایه‌ی اول دبستان بروند و مثلاً به خوبی بتوانند مداد و قلم به دست بگیرند. همان‌طور که می‌بینید، پایان دوره نیز به گونه‌ای شاد و مفرح برگزار می‌شود و با حضور مادرها، جشنی برگزار می‌کنیم که خاطره‌انگیز است.»

پی‌نوشت

۱. شیوه‌ی ایما و اشاره‌ی آقای ایرج ناسوتی هر چند مورد تأیید و یا رد مجله‌ی رشد آموزش پیش‌دستانی نیست، اما چون حاصل سال‌ها تجربه‌ی وی است و به دلیل جالب بودن در نوع خود، در این مجله معرفی شده است.



آقای ناسوتی شیوه‌ی خود را در این کلاس به نمایش گذاشته است.



سرگرمی‌های محبوب در کمین کودکان

محبوبه فیض نژاد
کارشناس ارشد پیش از دبستان

کلید واژه‌ها: تهاجم فرهنگی، یهود، هویت، فرهنگ

خود، آنان را به موش تشبیه کردند؛ حیوانی که عامل اصلی بیماری طاعون به‌شمار می‌آید و ورودش به هر مکانی با آلودگی و بیماری همراه است. مثال عینی این تنفر در تئاتر "تاجر ونیزی"، نوشته‌ی شکسپیر مشهود است. این نمایش شخصیت تاجر یهودی طماعی را به‌تصویر می‌کشد که جامع تمام رذایل اخلاقی است. پس از نفوذ یهود در دستگاه دولتی انگلیس، دیگر کسی این نمایش‌نامه را به روی هیچ‌یک از صحنه‌های تئاتر انگلستان ندید.

برهمن اساس، اروپاییان به کودکان خویش آموختند که برای در امان ماندن از شر این گروه از یهودیان، از آن‌ها دوری کنند. سران فاسد یهود که اغلب از سرمایه‌داران بزرگ دوران خود بودند، به فکر راهکاری اساسی برای مبارزه با این نگرش افتادند. لابی صهیونیسم (گروه فشار صهیونیسم در هالیوود)، با استفاده از ابزار قدرتمند سینما و تلویزیون وارد عمل شد و با ساخت انیمیشن‌هایی که ستاره‌ی آن‌ها موش بود، این حیوان را موجودی دوست‌داشتنی و محبوب جلوه داد. در همین راستا، مجموعه‌های معروف و فوق‌العاده "میکی موس"، "تام و جری" و "استوارت لیتل ۲ و ۱" ساخته شد.

آن‌چه در این مقاله آمده است، صرفاً نتیجه‌ی نیات و سازمان‌دهی‌های فکری بعضی از کشورها و دیدگاه‌ها در خصوص کارتون‌ها و فیلم‌های کودکان می‌باشد. بدیهی است، انسان‌ها و افکار شایسته در هر جا و به‌وسیله‌ی هر انسان صالح مورد تقدیر است. اگر پس از مطالعه‌ی مقاله، نقد و نظری درباره‌ی آن داشتید، برایمان بفرستید.

چند پرسش

۱. آیا می‌دانید که تهاجم فرهنگی چگونه از طریق کارتون‌ها و انیمیشن‌های کودکان به جامعه وارد می‌شود؟
۲. هدف از ساختن بعضی از فیلم‌های کودکان که محبوبیت فراوانی نیز در بین آن‌ها دارند چه چیزهایی می‌تواند باشد؟
۳. مربیان و والدین در برخورد با این فیلم‌ها به همراه کودکان چه نقشی دارند؟
۴. نقش عروسک باری و برتز چیست؟ عروسک‌های سارا و دارا در جامعه‌ی اسلامی ما به چه منظور شکل گرفته‌اند؟

مقدمه

مهاجمان فرهنگی در راستای گسترش فرهنگ نادرست خویش و کسب سلطه‌ی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر کشورهای دیگر، از روش‌ها و ابزارهای گوناگونی استفاده می‌کنند که از تأثیرات متفاوتی متناسب با اوضاع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گروه و ملت مورد هجوم برخوردارند. شناخت ویژگی‌ها و میزان اثربخشی این وسایل تهاجم، در درک بهتر تهاجم فرهنگی مؤثر است. آن‌چه در این مقاله مطرح شده، نگاهی است کوتاه به روند نفوذ دشمن در افکار کودکان مسلمان!

نفرت از یهودیان

نژاد پرستی، تجارت در عرصه‌ی فحشا، تجارت برده، رباخواری، مافیای رشوه، تحریف کتاب‌های آسمانی، انحصار معاملات طلا و نقره، جاسوسی و صدها مورد دیگر، ویژگی‌های ناپسندی بودند که نفرت اروپاییان را نسبت به گروه یهودیان طماع و ثروتمندوز (امروزه صهیونیست) برانگیخت. به‌حدی که مردم اروپا برای نشان دادن نفرت

انیمیشن‌ها به کمک می‌آیند

اولین شخصیت مشهور والت دیزنی^۱، میکی موس است؛ موشی سرگردان و بی‌کس (نماد یهودیان بی‌سرزمین) که رقیبان قوی‌تر مدام او را تهدید می‌کنند، اما با تکیه بر درایت و چابکی خویش، بر همه‌ی آن‌ها پیروز می‌شود. بعد از میکی موس، جری محبوب دل کودکان دنیا شد؛ موش دوست‌داشتنی و بی‌آزار انیمیشن تام و جری که با گوش‌های پهن و چشم‌های درشت و قهوه‌ای رنگش همیشه بر تام، گربه‌ی نادان، احمق و خاکستری رنگ داستان، پیروز می‌شود و او را به تسلیم در برابر خود وا می‌دارد.

در این مجموعه هرگاه جری به کمک نیاز پیدا می‌کند، سگی که دشمن تام است، به کمک او می‌شتابد. این سگ بزرگ خاکستری رنگ، نماد کشور آمریکاست که در این کارتون، بی‌آزار، آرام و حامی ضعیفان نشان داده می‌شود. کودکان یهودی مفهوم نماد موش را به‌خوبی می‌فهمند. این آثار در دادن حس اعتماد به نفس به مخاطبان یهودی، نقش چشم‌گیری دارد.



شماره ۴۱
شماره ۲
نویسنده: محبت
زمستان ۱۳۸۹

کلیشه‌ی شخصیت‌های مطرود و گوشه‌گیری که به دلیل زشتی صورت توسط دیگران تحقیر می‌شوند، در انیمیشن‌های صهیونیستی به وفور یافت می‌شود؛ شخصیت‌هایی که در نهایت ناتوانی و زشتی با بهره‌گیری از توان اعجاب‌انگیز خود، بر همه‌ی مشکلات غلبه می‌کنند، به قدرت و زیبایی می‌رسند و غبطه‌ی رقیبان را برمی‌انگیزند. انیمیشن "جوجه اردک زشت" در زمره‌ی این آثار قرار می‌گیرد. در این کارتون، قهرمان داستان اردکی گوشه‌گیر، آواره و زشت‌روست که در پایان به قویی زیبا تبدیل می‌شود که به سمت خورشید بال می‌گشاید. عبارت رفتن به سمت خورشید در "تورات" بیان شده و بین یهودیان این گونه رایج است که منظور از آن، بازگشت به سرزمین موعود است.

در کارتون "داموفیل پرنده"، مادر دامبو برخلاف سایر فیله‌ها که کلاهی زنگوله‌دار به سر دارند، کلاه عرقچین مانند مخصوص یهودیان را به سر دارد و به جرم دفاع از فرزندش در اسارت به سر می‌برد. دامبو نیز طی عملیاتی، پرچی را در سیرک به اهتزاز در می‌آورد که بی‌شباهت به پرچم رژیم اشغالگر قدس نیست!

در کارتون "لوک خوش‌شانس" شخصیت اصلی، کابویی سفیدپوست است که نماد قانون اومانستی آمریکایی به‌شمار می‌آید. لوک همواره تنهایی، غریبی و آوارگی خود را زیر لب زمزمه می‌کند. او با چهره و اخلاقی نیکو، اسبی بدله‌گو و شاد به‌نام "سالی" و سگی خنده‌رو به‌نام "بوشوگ"، جذابیتهای دو چندان می‌یابد. در بعضی از قسمت‌های این کارتون، لوک متمدن و مهربان، فرشته‌ی نجات سرخ‌پوستان سادهلوح و مردمی از فرقه‌های مذهبی خرافی است. این گونه به ذهن بیننده‌ی کارتون القا می‌شود که بدون مداخله‌ی او، جنگ‌های قبیله‌ای

**برخی از
فعالان باربی معتقدند
که باربی عامل پررنگ کردن
غرایز جنسی در ذهن دختران است.
به عبارت دیگر، این عروسک آموزگار
سکس است، در حالی که توان عشق
آفرینی ندارد**



و ظلم و تبه‌کاری همه‌جا را فرا می‌گیرد. اما این سؤال همیشه باقی است که خانه‌ی لوک کجاست؟ چرا او همیشه با اسبش به‌سوی خورشید در حال غروب، آرام حرکت می‌کند؟ و چرا همیشه این ترانه را زمزمه می‌کند: "من گاوچرانی تنها هستم که از خانه‌ام دور افتاده‌ام."

در کارتون‌هایی مانند: «هاج زنبور عسل»، «حنا دختری در مزرعه»، «بل و سباستین» و... کلیشه‌ی کودکی دور مانده از میراث اجدادی یا آغوش گرم مادر، تداعی گر یهودی مظلوم و دور مانده از سرزمین مادری خویش است. این مقوله به کودکان یهودی می‌آموزد که باید به دنبال مادر زیبا و نورانی خود باشند و غیر یهودیان موجوداتی ترسناک، بدجنس و حتی بدبو هستند که می‌خواهند او را از بین ببرند.

در کارتون "شیر شاه"، شیر نماد سلطه‌ی یهود است. در تورات آمده است: "یعقوب، در میان امت‌ها و قوم‌های بسیار، مثل شیر در میان جنگل و مانند شیر درنده در میان کله‌های گوسفند خواهد بود که هنگام عبور، پایمال می‌کند و می‌درد و کسی هم نمی‌تواند مانع او شود. قوم اسرائیل در برابر دشمنان خواهد ایستاد و آن‌ها را نابود خواهد کرد.

جنگ عروسک‌ها

شکست تدریجی مسلمانان با تکیه بر اهرم زنان و دختران، تجربه‌ای تاریخی در اندلس بود. برنامه‌ریزان آمریکایی و اروپایی که به نقش زنان و دختران در ترویج فرهنگ بی بند و باری پی برده بودند، عروسک باربی را برای رسیدن به اهداف خود طراحی کردند.

"شرکت متل" در سال ۱۹۴۵ توسط خانواده هندلر در ایالت کالیفرنیا، جنوبی آمریکا تأسیس شد. ابتدا امتیاز ساخت عروسک آلمانی "لی‌لی" را که برگرفته از اندام و چهره‌ی یک زن خیابان‌گرد آلمانی بود، خریداری کرد. شرکت مزبور، جک رایان (طراح موشک‌های ضد هوایی پنتاگون) را به سبب استعداد ویژه‌اش در شناخت فرم بدن زنان، استخدام کرد. جک رایان به عروسک "لی‌لی" چهره‌ی "آنکلساکسون" (نژاد آمریکایی-اروپایی) بخشید و سرانجام "باربی" را خلق کرد؛ دختری ۱۰ ساله که پاهایی بلند و فیزیک بدنی لاغری دارد. بزرگ‌ترین طراحان لباس دنیا در کمپانی متل، کار طراحی لباس‌های ظریف و خوش‌دوخت باربی را برعهده گرفتند. تاکنون هیچ عروسکی به اندازه‌ی باربی لباس متنوع، زیبا و اشرافی به‌تن نکرده است؛ چرا که باربی نماینده‌ی فرهنگ آمریکایی و نمایشگر یک زن تمام‌عیار آمریکایی است.

عریان‌گرایی، اشرافی‌گرایی و مصرف‌گرایی سه مؤلفه‌ی اصلی لباس‌های باربی محسوب می‌شوند. براندا آندولینا، بازارباب شرکت متل در جمله‌ای تکان‌دهنده می‌گوید: "ما همواره با دقت، آمار نوزادان متولد شده را بررسی می‌کنیم و ترکیب والدین، فرهنگ و زبان آن‌ها را کاملاً در نظر می‌گیریم."

در سال ۱۹۶۸، شرکت متل برای این که به باربی شخصیت جهانی



ببخشد و بتواند آن را به تمام کشورهای دنیا صادر کند، به طراحی و فروش عروسک‌هایی پرداخت که اندام آن‌ها کاملاً شبیه باری بود، اما پوستی به رنگ سیاه یا زرد داشتند. در سال ۱۹۹۰، در طول جنگ عراق و آمریکا، عروسک باری با پوششی نظامی در دنیا ظاهر شد. پس از واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر نیز، با پوشیدن یونیفرم نیروهای نظامی ضدتروریست، شعار نبرد با تروریست را سرداد، جمله‌ی «باربی - روح آمریکایی» تیتراژ آگهی تبلیغاتی باری ضد تروریسم بود.

برخی از فعالان باری معتقدند که باری عامل پررنگ کردن غرایز جنسی در ذهن دختران است. به عبارت دیگر، این عروسک آموزگار سکس است، در حالی که توان عشق آفرینی ندارد. به دلیل ویژگی‌های فیزیکی، باری ملاک زیبایی زن امروز شده و بسیاری از زنان و دختران، با پیروی از رژیم لاغری، در دام بیماری‌های سوء تغذیه گرفتار می‌شوند. فمینیست‌ها در مورد ساختگی بودن زیبایی باری معتقدند: «باربی با قد بیش از ۲ متر، تنها ۴۶ کیلو وزن دارد، در حالی که متوسط قد و وزن زن آمریکایی به ترتیب ۱۶۳ سانتی‌متر و ۶۶ کیلوگرم است. اگر باری در همان ابعاد جان می‌گرفت، نه توان باروری داشت و نه حتی ایستادن روی دو پا!»

شاید پس از تولد باری بود که این ضرب‌المثل در میان آمریکاییان رواج یافت: «هر چه لاغرتر و پولدارتر شوی، باز هم کافی نیست!» بعد از باری، نوع جدیدی از عروسک‌های خارجی به نام «برتز» وارد بازارهای جهانی شد. برتز را نسل جدید باری نامیده‌اند، اما برخلاف باری، چشم آبی و بلوند نیست، بلکه براساس الگوهای چند فرهنگی آمریکا و جمعیت‌های غالب طراحی شده است. برتز همراه خود یک جهیزیه‌ی کامل دارد؛ انواع و اقسام لوازم و وسایل جانبی با تنوعی چشم‌گیر. شعار عروسک‌های برتز، «مدگرایی» است و سایت‌هایشان از عکس‌های جذاب و طرح‌های متنوع و محصولات متعدد موج می‌زند. تولد «دارا» و «سارا»، برادر و خواهر نجیب، پاکدامن و مسلمان ایرانی، خبری تکان‌دهنده بود که پس از نیم قرن تخت پادشاهی پرنس باری را به لرزه درآورد و بازتابی گسترده در عرصه‌ی جهانی یافت. اگرچه دارا و سارا برای مقابله با باری طراحی نشده بودند، ناخواسته در مقابل باری قرار گرفتند.

دارا، نام تغییر یافته‌ی داریوش به معنای «باهوش» و سارا، نام همسر حضرت ابراهیم (ع) به معنای خالص و بی‌ریاست. برخی رسانه‌های جمعی بیگانه، القاب طعنه‌آمیزی به دارا و سارا نسبت داده‌اند: باری ایرانی، عروسک ضد باری، جنگ فرهنگی، عروسک‌های دوقلوی

در
کار تون‌هایی مانده:
«هاچ زنبور عسل»، «حنا
دختری در مزرعه»، «بل و
سباستین» و... کلیشه‌ی کودکی دور
مانده از میراث اجدادی یا آغوش گرم
مادر، تداعی گر یهودی مظلوم و
دور مانده از سرزمین مادری
خویش است

اسلامی، جنگ عروسک‌ها و... پس از دارا و سارا، «فولا» و «لیلا» عروسک‌های محجبه‌ی عرب‌وار، میان کودکان مسلمان خاورمیانه و آمریکا و کانادا طرفداران بسیاری یافتند؛ عروسک‌هایی که نماد هویت و فرهنگ مسلمانان هستند و با فرهنگ و هویت باری در تعارض جدی قرار دارند. رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای، در جمله‌ای تأمل برانگیز می‌فرماید: «گر یک انقلاب تحت فشار اقتصادی، سیاسی و تبلیغی قرار گیرد، قابل ملامت نیست؛ ولی اگر این انقلاب نتواند فرزندان خود را تربیت کند، قابل ملامت و سرزنش است.»

پی‌نوشت

1. Walt Disney
2. I am a poor one some cowboy, and along away from home

منابع

۱. مظفری، اکبر، پژوهشی در عروسک آمریکایی باری، قم، انتشارات شاکرین، ۱۳۸۴، چاپ اول.
۲. ابوغنیمه، زیاد، یهود و فرهنگ و رسانه‌های غربی، انتشارات تندر، ۱۳۸۱.
۳. بروشور بمب کارتونی، واحد امور رسانه‌های جامعه‌الزهر (س).
۴. بروشور جنگ عروسک‌ها، واحد امور رسانه‌های جامعه‌الزهر (س).
۵. هفته‌نامه همشهری جوان، شماره ۶۲، آذر ۱۳۸۶.
۶. CD هفته‌نامه همشهری جوان، (ویژه کارتونی)، شماره ۶۲، آذر ۱۳۸۶.
7. www.mouood.org
8. www.tebyan.net
9. www.wikipediya.org
10. www.emam mahdi.com
11. www.cartoon 3000. com
12. www.niaze rooz.com
13. www.biz.schoolnet. ir
14. www.fimiraz.blog fa. com
15. www.clipmarks. com
16. www.ensafweekly.com



تعریف بیش‌فعالی و سبب‌شناسی آن

فهمیه آربین

کارشناس گفتار و زبان، شاهرود

کلیدواژه‌ها: بیش‌فعالی، اختلالات رفتاری، داروهای محرک.

بیش‌بینی و یا ارزیابی کنند. در فعالیت‌های خطرناک شرکت می‌کنند و احتمال صدمه دیدن آن‌ها زیاد است. قبل از فکر کردن عمل می‌کنند. پرتحرک هستند و انگار موتوری درون بدن آن‌هاست که آن‌ها را به حرکت دائمی مجبور می‌کند. رعایت قوانین منزل و محیط آموزشی برای آن‌ها مشکل است.

- سه ویژگی عمده‌ی این اختلال عبارتند از:
 - فعالیت و تحرک زیاد؛
 - اختلال در توجه و تمرکز؛
 - رفتارهای تکانشی.

ب) عوامل سبب‌ساز

• آسیب‌های مغزی و یا عصب‌شناختی

به نظر برخی از متخصصان، چنین آسیب‌هایی می‌توانند باعث بروز بیش‌فعالی شوند، ولی هنوز تحقیقات لازم در این زمینه به نتیجه‌ی قطعی دست نیافته است. از این رو باید به این ارتباط با تردید نگاه کرد.

• عوامل محیط و خانواده

فرزندپروری بد و معیوب به بیش‌فعالی نمی‌انجامد، اما شیوه‌های تربیتی و پاسخ‌دهی والدین، فقدان توافق در ارائه‌ی الگوهای تربیتی، بی‌توجهی به نیازهای عاطفی کودک، وجود تعارض‌ها و کشمکش‌های بین اعضای خانواده، اضطراب والدین و الگوهای تربیتی استبدادی و یا فرزندمحوری، کاملاً بر رفتار کودک تأثیر می‌گذارند. بسیاری از این کودکان مستعد اختلالات رفتاری گسترده‌ای هستند. بدیهی است روش‌های انطباقی مؤثر، در پیش‌گیری از مشکلات رفتاری همواره مؤثرند.

• عوامل پیش از تولد و هنگام تولد

برخی مطالعات انجام شده، به بعد ژنتیک این بیماری اشاره دارند. کودکی که مبتلا به بیش‌فعالی است، چهار برابر بیشتر احتمال دارد که یکی از افراد خانواده‌ی او، مشکلی مشابه او داشته باشند. اگرچه نقش ژن خاصی در این بین پیدا نشده است، ولی مغز این کودکان تفاوت‌های ظریفی را در ساختار و عملکرد نشان می‌دهد. البته باید خاطر نشان

اختلال «بیش‌فعالی» (ADHD) اختلالی است که در آن پرتحرکی، بی‌توجهی و رفتارهای ناگهانی در کودک مبتلا به آن، شدیدتر از کودکان دیگر است. یکی از شایع‌ترین اختلالات دوران کودکی است که تقریباً ۳ تا ۱۰ درصد کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (آوند، ۱۳۸۶).

ویژگی‌های عمده‌ی این اختلال شامل تحرک و فعالیت بیش از حد، تکانشگری و مشکل توجه و تمرکز است. گرچه موارد فوق رفتارهایی است که تمامی کودکان، در مواقعی آن‌ها را نشان می‌دهند، اما کودکان بیش‌فعال به درجه‌ای علائم فوق را نشان می‌دهند که با عملکرد طبیعی آن‌ها در منزل، محیط آموزشی و ارتباط با هم‌سالان و اطرافیان تداخل ایجاد می‌کند. این کودکان به طور مکرر توسط والدین، معلمان و اطرافیان، به دلیل رفتارهای ناپخته و تکانشی خود سرزنش می‌شوند که به تأثیرات سوء بر اعتماد به نفس آن‌ها منجر می‌شود. اکثر اوقات، زمانی که این کودکان به محیط‌های آموزشی می‌آیند، تشخیص داده می‌شوند؛ در زمانی که از آن‌ها انتظار می‌رود وارد عملکردهای منظم‌تر، سازمان یافته‌تر و پیچیده‌تر شوند و با هم‌سالان خود ارتباط مؤثرتری برقرار کنند.

اختلال بیش‌فعالی - کم‌توجهی در پسران شایع‌تر از دختران است و صرف‌نظر از سن تشخیص، شروع بیماری باید از قبل از هفت سالگی باشد (اعتصامی صدری، ۱۳۸۶). این کودکان علاوه بر منزل، در مدرسه، مهدکودک و سایر مکان‌های دیگر، مشکلات رفتاری گوناگونی از خود نشان می‌دهند.

الف) علائم و مشخصات بالینی

مشکل اصلی کودکان بیش‌فعال، ناتوانی در حفظ و تنظیم رفتارشان است. در نتیجه، غالباً نمی‌توانند رفتار مناسبی که لحظه به لحظه با شرایط محیط هماهنگ باشد، نشان دهند. خوابیدن و غذا خوردن آن‌ها منظم نیست. به نظر می‌رسد که در همه چیز دخالت می‌کنند و به مراقبت دائمی نیاز دارند. از نظر هیجانی ثبات ندارند و رفتارشان غیرقابل پیش‌بینی است. سریع از کوره در می‌روند و نمی‌توانند پیامد رفتارشان را

به طور کلی پژوهشگران به والدین توصیه می کنند که از دادن مواد غذایی آماده و حاوی افزودنی به کودکان بیش فعالی خودداری کنند.

آینده‌ی این کودکان

در برخی موارد، مشکلات همراه با این اختلال، در سراسر زندگی شخص ادامه می یابد. گرچه این کودکان در دوره‌ی بزرگسالی همه‌ی علائم مربوط به بیماری را ندارند و از پرتحرکی آن‌ها کاسته می شود، ولی مشکلات توجه و تمرکز و رفتارهای تکانشی آن‌ها ادامه می یابد. در عده‌ای از این کودکان نیز، با رسیدن به سن ۱۲ سالگی، علائم بهبود می یابد و عملکرد طبیعی در حوزه‌های گوناگون رفتاری، اجتماعی و تحصیلی پیدامی کنند. در کسانی که بیماری ادامه می یابد، نیاز به ادامه‌ی درمان نیز وجود دارد. به نظر می رسد عمده مشکلات این کودکان با ورود به محیط‌های آموزشی آغاز می شود؛ مکانی که در آن‌جا انتظار نظم، انضباط، پیشرفت تحصیلی، ارتباط مناسب با همسالان، پیروی از دستورات معلم و انجام تکالیف مدرسه می رود. از آن‌جا که مطالعه، خواندن و نوشتن و گوش فرادادن به صحبت‌های معلم به تمرکز، توجه، قرار و آرامش کافی نیاز دارد و این کودکان در این زمینه‌ها مشکل دارند. کودکی که ساعت‌های زیادی را به بازی و فعالیت می پردازد، از نیم ساعت نشستن برای انجام فعالیت‌های آموزشی بیزار است. در کلاس، زمانی که سایر دانش آموزان مشغول یادگیری مطالب جدید هستند و به صحبت‌های معلم گوش می دهند، آن‌ها مشغول حرف زدن با بغل دستی، بازی کردن و یا وررفتن با کتاب، مداد و سایر وسایل هستند. افت درسی و عدم پیشرفت تحصیلی، آینده‌ی شغلی این کودکان را تحت تأثیر قرار می دهد. از طرف دیگر، بزرگسالان شاغل با این اختلال، در شغل خود با مسائل و مشکلات بیشتری دست به گریبان

کرد که زنجیره‌ی عوامل پیش از تولد، هم‌چون وراثت و ژنتیک، نیازمند بررسی بیشتر است.

تغذیه‌ی مادر در دوران بارداری با استفاده از رژیم‌های غذایی نامطلوب، استعمال دخانیات و نوشیدنی‌های الکل دار و مصرف خود سرانه‌ی دارو، از عوامل قابل بررسی در مورد بروز بیش فعالی در کودک است.

• نوع رژیم غذایی کودکان

در سال ۱۹۷۰، محقق‌ی به نام فین گولد اهمیت تأثیر برخی خوراکی‌ها را در افزایش علائم بیش فعالی مورد مطالعه قرار داد که از جمله‌ی آن‌ها رنگ‌های مصنوعی به کار گرفته شده در مواد غذایی بود. او عقیده داشت که مصرف مواد غذایی حاوی این رنگ‌ها علائمی مانند مسمومیت را نشان می دهد و بیش فعالی نوعی حساسیت نسبت به مواد رنگی موجود در خوراکی هاست. امروزه بسته به حساسیت کودک، اقدام به حذف برخی خوراکی‌ها می کنند تا تأثیر آن را در بیش فعالی مورد مطالعه قرار دهند.

غذاهایی که بچه‌های بیش فعال باید از خوردن آن‌ها امتناع کنند، عبارت‌اند از:

- شکر که مصرف آن سطح آدرنالین خون را در کودکان به میزان ۱۰ برابر افزایش می دهد. بنابراین نتایج، بین رفتارهای خشونت آمیز با دریافت شکر ارتباط مستقیم وجود دارد.

اگرچه در اغلب موارد، شکر به عنوان علتی برای بیش فعالی عنوان می شود، اما مطالعات کنترل شده، تأثیر منفی آن را روی رفتار اثبات نکرده‌اند. اما باید فواید کاهش مصرف شکر را در نظر داشت.

- بادام، سیب، زردآلو، کشمش، هلو، آلو، گوجه فرنگی (مواد حاوی سالیسیلات طبیعی).

- رنگ‌ها مانند تارتراژین (نوعی رنگ نارنجی موجود در غذاها) که در غذاهای آماده بسته بندی شده و آدامس، شکلات، آب لیمو، سس‌ها، کمپوت‌ها و نوشابه‌های گازدار وجود دارند.

- اسید بنزوئیک (نوعی نگه دارنده‌ی مواد غذایی) که در مرباهای آماده، پوره‌ی میوه‌ها، آب میوه‌ها، ترشی‌ها و سس‌های سالاد یافت می شود.

- نوشابه‌های گازدار که به دلیل محتوای بالای فسفر آن‌ها و برهم زدن تعادل کلسیم و فسفر بدن، می توانند به بیش فعالی منجر شوند.

- قهوه، چای، کولا و نوشیدنی‌های کافئین دار که می توانند علائم بیماری را تشدید کنند.





هستند. اتاق کار آن‌ها نامنظم و شلوغ است. برای شروع کار و به اتمام رساندن آن مشکل دارند. همیشه ممکن است کارهای زیادی را شروع کنند، اما نیمه تمام رها کنند. در نتیجه طرح‌های ناتمام در بین کارهای آن‌ها زیاد دیده می‌شوند. فراموشکار هستند و به قراردادهای کاری خود دیر می‌رسند. از دید دیگران، این‌ها افرادی بدقول هستند. امکان ابتلا به اضطراب، افسردگی، اختلال سلوک، اختلال ایذایی مقابله‌ای، سوءمصرف مواد، پرخاشگری و سایر اختلالات رفتاری در کودکان مبتلا به اختلال «بیش‌فعالی - کم‌توجهی»، در صورت عدم مداخله‌ی مناسب زیاد است.

رعایت نکردن نوبت و قوانین بازی، پیروی نکردن از دستورات، برهم زدن نظم و رفتارهای تکانشی در این کودکان باعث می‌شود که ارتباط آن‌ها با هم‌سالان، والدین و بزرگ‌ترها تحت‌الشعاع قرار گیرد. آن‌ها از جمع دوستان خود طرد می‌شوند و پیام‌های منفی که مرتب از پیرامون خود دریافت می‌کنند، به اعتماد به نفسشان لطمه می‌زند و آن‌ها را مستعد افسردگی و اضطراب می‌کند.

ج) درمان

بنا به دلایل فوق و دلایل بی‌شمار دیگر، اختلال بیش‌فعالی - کم‌توجهی باید درمان شود. هدف از درمان، کاهش علائم این بیماری است تا حدی که کودک آشفستگی کمتری را در زندگی روزمره‌ی خود متحمل شود و عملکرد تحصیلی و ارتباطی او بهبود یابد. درمان این کودکان شامل دو دسته‌ی کلی درمان‌های دارویی و غیردارویی است.

درمان دارویی

شایع‌ترین و مؤثرترین داروهایی که در درمان این اختلال به کار می‌روند، داروهای محرک (ایستمولیت) مثل فنیدیت (ریتالین) و دکستروآمفتامین هستند. این داروها در ۹۰-۷۰ درصد کودکان بیش‌فعال - کم‌توجه مؤثرند و باعث بهبودی علائم اصلی این اختلال می‌شوند. عملکرد تحصیلی و ارتباطی کودک را بهبود می‌بخشد و از اضطراب و نگرانی والدین می‌کاهد. این داروها ممکن است در بعضی از کودکان اثرات بی‌اشتهایی و کم‌خوابی داشته باشند که نگران‌کننده نیست و می‌توان با ترفندهای مناسب، این اثرات سوء را به حداقل رساند.

همانند سایر داروها، این دسته از داروها نیز ممکن است اثرات جانبی داشته باشند. در نتیجه تجویز آنان باید زیر نظر پزشک معالج و با تشخیص او صورت گیرد. در صورتی که کودک نسبت به این دسته از داروها پاسخ درمانی مناسب نشان نداد و یا دچار عوارض جانبی ناخواسته‌ای شد که قابل تحمل نبود، داروهای دیگری وجود دارند که می‌توانند مؤثر باشند.

درمان‌های غیردارویی

از این نوع درمان‌ها معمولاً همراه و در کنار درمان‌های دارویی استفاده می‌شود که بیشتر بر اختلالات رفتاری همراه با بیش‌فعالی - کم‌توجهی مؤثرند و شامل درمان‌های شناختی، رفتاری و آموزش والدین می‌شوند. بدیهی است آموزش والدین در مورد بیماری فرزندشان، باعث رفتارهای مثبت کودک و پرهیز والدین از شیوه‌های نامناسب تنبیهی و ... می‌شود.

تأثیر رژیم غذایی در درمان کودکان بیش‌فعال

طبق مطالعات انجام شده در مورد تأثیر مواد غذایی روی تشدید و یا کاهش علائم بیش‌فعالی و یا ظهور علائم بیش‌فعالی، مشخص شد که مصرف برخی مواد غذایی باعث کاهش نرخ بروز رفتارهای خاص بیش‌فعالی می‌شود و یا مصرف آن‌ها در دوران بارداری به مادر کمک می‌کند.

● **اسید چرب ضروری:** تحقیقات نشان داده‌اند که میزان غلظت اسیدهای چرب ضروری مانند امگا ۳ و امگا ۶ در این کودکان به مقدار قابل توجهی پایین است و این کودکان علائم کمبود مذکور را نشان می‌دهند؛ مثل تشنگی زیاد، بهترین منبع برای دریافت اسیدهای چرب امگا ۳، مصرف ماهی آزاد مثل سالمون، ساردین، میگو و شاه میگو و منابع دریافت اسیدهای چرب امگا ۶ موادی مانند کنجد، تخمه، کدو تنبل و تخمه‌ی آفتاب گردان است و منابع دیگر دریافت اسیدهای چرب ضروری، آجیل، لوبیای سویا، روغن بادام زمینی و روغن زیتون است.

● **روی:** تحقیقات نشان داده‌اند که سطح سرمی روی در کودکان بیش‌فعال به مقدار قابل توجهی پایین‌تر از کودکان دیگر است. کمبود روی در کودکان مشکلاتی از قبیل خشونت، کج‌خلقی، گریه‌های زیاد، بی‌زاری و نفرت، و ناتوانی در تمرکز را ایجاد می‌کند. گوشت ماکیان، شیر و محصولات لبنی ۸۰ درصد کل میزان روی مواد غذایی را تشکیل می‌دهند.

● **کلسیم:** کمبود کلسیم ممکن است بیش‌فعالی را به وجود آورد. بنابراین می‌توان با تنظیم برنامه‌ی غذایی مناسب این کمبود را برطرف کرد. مصرف مواد غذایی مثل: شیر، پنیر، ماست، سبزیجات برگ سبز مثل کلم، برگ‌های سبز شلغم مناسب خواهد بود. کلسیم مورد نیاز بدن را تأمین می‌کند.

● **ویتامین B6:** مصرف این ویتامین باعث بهبود رفتار در برخی از کودکان بیش‌فعال می‌شود. چون در برخی از این کودکان سطح سروتونین خون پایین است و مصرف مقدار بالای این ویتامین، باعث افزایش میزان سروتونین خون می‌شود. این ویتامین در گوشت‌ها و



دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد دگ (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)
- رشد خردساز (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)
- رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)
- رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد آموزش ابتدایی
- رشد آموزش راهنمایی تحصیلی
- رشد تکنولوژی
- آموزشی
- رشد مدرسه فردا
- رشد مدیریت مدرسه
- رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه)
- رشد آموزش قرآن
- رشد آموزش معارف اسلامی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر
- رشد مشاور مدرسه
- رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان
- رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی
- رشد آموزش زیست‌شناسی
- رشد آموزش زمین‌شناسی
- رشد آموزش فنی‌و حرفه‌ای
- رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸



غلات کامل به خصوص گندم و مغزها یافت می‌شود.

● **آهن:** کمبود آهن از دقت و توجه تا میزان قابل توجهی می‌کاهد و مصرف مکمل‌های حاوی آهن، میزان توجه و تمرکز را که در کودکان بیش‌فعال پایین است، ارتقا می‌دهد. بهترین منبع آهن در غذاهایی مثل جگر، غذاهای دریایی، قلب، کلیه، گوشت دارای چربی اندک است.

نقش والدین در درمان

اول باید مطمئن شد که کودک ما بیش‌فعال است چون گاهی والدینی که بسیار نگران هستند، ممکن است جنب و جوش‌های طبیعی فرزندشان را دلیلی بر وجود بیش‌فعالی بدانند. بنابراین، گام اول تشخیص صحیح است و باید از زدن برچسب‌های نادرست به کودک اجتناب کرد.

انرژی اضافی این کودکان باید با فعالیت‌هایی از قبیل ورزش کردن مصرف شود. گاهی بهتر است در منزل مسئولیت‌های سنگین به این بچه‌ها واگذار کرد تا از این طریق انرژی زیاد آن‌ها به مصرف برسد و برای انجام درست این مسئولیت‌ها برای آن‌ها پاداش هم در نظر گرفته شود.

نباید این کودکان را کتک زد، چون رفتارهای انتقام‌جویانه از آن‌ها سر خواهد زد. بهتر است با آن‌ها به روشنی صحبت کنیم.

به رژیم غذایی آن‌ها تا حد ممکن توجه داشته باشیم.

خواب شب این بچه‌ها مهم است. آن‌ها باید شب زودتر به رخت‌خواب بروند و والدین باید به کودک آموزش دهند که بیدار نماندن تا دیروقت یکی از قوانین خانواده است.

و سرانجام اگر رفتارهای او تا حد زیادی آزاردهنده است و در توجه و تمرکز مشکل زیادی دارد، بهتر است با روان‌پزشک مشورت شود.

پی‌نوشت

1. Attention Deficit Hyperactivity Disorder
2. Dr. Ben feingold

منابع

۱. وندر، یل اچ. اختلال بیش‌فعالی در کودکان، نوجوانان، بزرگسالان. ترجمه‌ی عبدالرحمن اعتصامی صدری. انتشارات مترجم. ۱۳۸۶.
۲. جباری، سوسن. اختلالات عاطفی و ناتوانی‌های یادگیری - راهنمای آموزش مربیان. انتشارات بخشایش.
۳. کریمی، یوسف. اختلال یادگیری. انتشارات ساوالان. ۱۳۸۷.
۴. ماه‌نامه‌ی نوا، مدیریت آموزش و پرورش استثنایی استان سمنان. آذر ۱۳۸۸.
۵. مصلحی، زینبده و علوی نیکچه، عزیزه. رشد و آموزش کودکان. انتشارات طراحان ایماژ. ۱۳۸۷.



همّت مضاعف، کار مضاعف

برگ اشتراک مجله‌های رشد

شرایط:

۱. پرداخت مبلغ ۷۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک ساله مجله‌ی درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آرمایش (سرخه‌حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک بایست‌سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید.)

◆ نام مجله‌های درخواستی:

.....
.....
.....

◆ نام و نام خانوادگی:

.....

◆ تاریخ تولد:

.....

◆ میزان تحصیلات:

.....

◆ تلفن:

.....

◆ نشانی کامل پستی:

.....

استان: شهرستان:

.....

◆ خیابان:

.....

◆ شماره‌ی پستی:

.....

◆ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

کد اشتراک:

امضا:

.....

◆ صندوق پستی مرکز بررسی آثار:

۱۵۸۷۵/۶۵۶۷

◆ صندوق پستی امور مشترکین:

۱۶۵۹۵/۱۱۱

◆ نشانی اینترنتی:

www.roshdmag.ir

◆ امور مشترکین:

۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۵۱۱۰

◆ پیام‌گیر مجله‌های رشد:

۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

یادآوری:

- ◆ هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده‌ی مشترک است.
- ◆ مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.



برگزاری دوره‌ی آموزشی رویکردهای نوین آموزش و پرورش در دوره‌ی پیش دبستانی

قنبری - فاضلی

با صدور مجوز برگزاری یک دوره آموزشی ۳۲ ساعته تحت عنوان ذکر شده، در تاریخ ۱۲ تا ۱۵ تیرماه ۸۹، کارشناس مسئولان دوره‌ی پیش دبستانی استان‌های کشور در مرکز تربیت معلم نسیمیه تهران گردهم آمدند.

در برنامه‌ی افتتاحیه این دوره آموزشی، آقای دکتر محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی، در خصوص ضرورت تبحر مربیان پیش دبستانی برای زمینه‌سازی شکوفائی فطرت کودکان نکاتی را مطرح و بر رعایت تعادل در سن بازی و فعالیت آنان تأکید نمود. هم‌چنین آقای خاکی، مدیرکل جدید دفتر آموزش پیش دبستانی با نوید آینده‌ای روشن برای این دوره به برخی سؤالات حاضرین پاسخ دادند.

در ادامه، رویکرد برنامه‌ی (فطرت توحیدی) توسط آقای دکتر ذوعلم مدیر طرح برنامه‌ی درسی ملی، برای کارشناسان مزبور تشریح شد.

کلاس‌های آموزشی دوره‌ی مزبور که غالباً به صورت کارگاهی اداره می‌شد با سه عنوان طراحی و تولید محتوا برای مراکز پیش دبستانی، تبیین برنامه‌ی انس کودکان با قرآن کریم و تشریح برنامه‌ی زبان آموزی در کودکان دوزبانه کشور ادامه یافت.

در آخرین روز دوره، ضمن تشریح کمیته‌ی تولید محتوای مراکز در استان‌ها یک جلسه‌ی هم‌اندیشی برگزار و نتایج آن برای کارگروه‌های هماهنگی دفاتر اخذ گردید.

برای آشنایی کارشناسان با موضوع سواد قرآنی نیز جلسه‌ی مستقلی، تشکیل گردید.

در پایان برنامه با حضور معاون و نماینده دفتر آموزش پیش دبستانی به سؤالات حاضرین در مورد مسائل و چالش‌های اجرایی پاسخ داده شد.